

هفته

سال پانزدهم - پنجشنبه / ۳ آذر ۱۴۰۱ / ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲

۷۰۶

بها: ۳۵ دلار

www.hafteh.ca

ایرانیان به جام جهانی ۲۰۲۲ روی خوش نشان ندادند



تورنتو



مراسمی برای علی عراقی که به ایران بازگشت و در تبریز کشته شد

مونترال



گردهم آبی در مونترال ۱۹ نوامبر: آبان ۹۸ را جنایت علیه بشریت اعلام کنید

ونکوور



نازنین از ونکوور از تجربه شرکتش در اعتراضات ایران می گوید

تیم ملی فوتبال ایران،

چطور «تیم جمهوری اسلامی» شد؟

انگلیس به تیم کی روش شش گل زد اما اشکی ریخته نشد

آرش و شیرین شکور

کارشان رسمی املاک مکنونی و تجاری شما
در مونترال و حومه



استودیو، یکخوابه، دوخوابه، سه خوابه
تاریخ تحویل: زمستان ۲۰۲۳، بهار ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$295,000+Tax
محله: De la Savane

پارکینگ سرپوشیده و انباری
به همراه وسایل برقی آشپزخانه
سیستم سرمایش و گرمایش مدرن
لابی نورگیر و چشم نواز
باشگاه مجهز و مدرن



یکخوابه، دوخوابه، سه خوابه، پنت هاوز
تاریخ تحویل: تابستان ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$345,000+Tax
محله: LaSalle

پارکینگ سرپوشیده و انباری
وسایل برقی آشپزخانه+ماشین لباسشویی/خشک کن
سیستم سرمایش و گرمایش مدرن
لابی نورگیر و چشم نواز
باشگاه مجهز و مدرن



پیش فروش
ویژه

دوخوابه، سه خوابه
تاریخ تحویل: تابستان ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$580,000+Tax
محله: Pointe Claire

پارکینگ سرپوشیده و روباز
استخر روباز و سرپوشیده
تراس مشترک روی سقف
باشگاه مجهز و مدرن
پارک کودک

جهت کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

۵۱۴-۷۳۰۳۹۰۹



دکتر شریف
دکتر البزال
دکتر دالیوال
دکتر لیندا عطار

Dr. Sharif
Dr. Albazzal
Dr. Dhaliwal
Dr. Linda Attar

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪
بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire
soleil-brossard.com



RE/MAX
3000

Tranquillité **بیجه منحصر به فرد**

هایک هارتونیان MBA

مشاور و متخصص املاک مسکونی و درآمدزا در استان کبک

(514) 574 6162

موفقیت ما محصول رضایت شماست



- مشاوره رایگان حضوری و تلفنی
- ارزیابی رایگان ملک شما
- تهیه وام با بهترین بهره و شرایط بانکی
- خرید، فروش، اجاره
- **پروژه رایگان برای خریداران**

Hayk Hartounian MBA Residential Real Estate Broker

Haykhartounian@yahoo.com

9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

کازم تهرانی

Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker

مشاور رسمی املاک در کبک
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



سالن تجاری برای فروش یا اجاره

مساحت: ۱۴۰ مترمربع
در منطقه شلوغ Jean-Talon.

واقع در ساختمان تجاری، مسکونی، در میان ۳۰۰ کانادو،
دارای تهویه مطبوع سرد و گرم، انباری، اتاق برق، برق سه فاز،
سال ساخت ۲۰۱۷

برای مشاغلی چون فروشگاه (دارای cold room)، دکترکار،
کلینیک، آتلیه و غیره
این ملک با ملکی دیگر در تهران و یا شمال هم معاوضه می‌شود

قیمت فروش: ۶۷۹ هزار دلار (بعلاوه مالیات)

قیمت اجاره: ۶۱۰۰ دلار (بعلاوه مالیات)

Centris No: 25599944



- پیش فروش املاک در تمام مونترال
- مشاوره رایگان برای املاک درآمدزا
- ارزیابی رایگان منزل شما

۱۵۰۰ دلار هزینه محضر
هدیه ما برای خریدارن ملک

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک به همراه یک تیم حرفه‌ای

Sutton®

514 - 971 - 7407

Sutton



آرزو گتمیری

مشاور املاک

AREZOU GATMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agtmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010



Mojgan Rajabi

Senior financial
security adviser

- bimeh.ca
- bimeh.ca
- 514-296-7306
- bimeh.ca@gmail.com

مزگان رجبی

مشاور و مدرس بیمه

طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا

- بیمه عمر Life insurance
- بیمه وام مسکن Mortgage insurance
- انواع بیمه های مسافرتی Travel insurance (دانشجویی-ویزیتوری-سوپرویزا)
- حساب پس انداز بازنشستگی - RRSP
- حساب تحصیلی فرزندان RESP
- حساب معاف از مالیات TFSA
- بیمه از کار افتادگی Disability insurance
- بیمه بیماریهای خاص Critical illnesses
- تدریس و آماده سازی برای لایسنس بیمه

بیمه همیشه ضامن آرامش است.



پگاه شریفی

ایرانیان به جام جهانی ۲۰۲۲ روی خوش نشان ندادند
تیم ملی فوتبال ایران، چطور «تیم جمهوری اسلامی» شد؟

انگلیس به تیم کی‌روش شش گل زد اما اشکی ریخته نشد



خسرو شمیرانی

گفت و گو با دکتر رضا مریدی، سیاستمدار و وزیر سابق در کانادا
حامد اسماعیلیون تبدیل به یکی از مدیران سیاسی شده است

تورنتو

آرش محبی

مراسم یادبود شهین، هنرمند سینمای پیش از انقلاب در تورنتو برگزار شد

مونترال

مهدیس مختاری

در گردهمایی ایرانیان مونترال در ۱۹ نوامبر:
آبان ۹۸ را به عنوان جنایت علیه بشریت به رسمیت بشناسید



داستان: نویسنده: الیزابت بوون

مترجم: مریم حسینی
ساعت موروثی (بخش اول)

شعر: سیاوش کسرانی

تولد (به زن، به همه‌ی زنان و وطنم)

داستان دنباله‌دار: بهروز مایل‌زاده

ماجراهای من و میکائیل
بخش ۴

سینما: مصطفی عزیزی

بازیگران زن در انقلاب زنانه‌ی ایران
گزارشی از بی‌حجاب اسلامی شدن زنان
بازیگر در خیزش انقلابی اخیر

معرفی کتاب: فرزانه صفایی

دو اثر: نگاه این جهانی و از حجتیه تا کمونیسیم
کارگری

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال پانزدهم - شماره ۷۰۶
پنجشنبه ۳ آذر ۱۴۰۱ / ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲

بها: ۲/۵ دلار

اشتراک سالانه: ۱۶۰ دلار / دانشجویی: ۹۰ دلار
اشتراک سالانه برای موسسه‌ها: ۳۲۰ دلار

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۲ میلادی:

پنجشنبه ۶ ژانویه، پنجشنبه ۲۴ مارچ
پنجشنبه ۷ جولای، پنجشنبه ۱۳ اکتبر

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
www.hafteh.ca
info@hafteh.ca
news@hafteh.ca
ad@hafteh.ca
ISSN 1918-4379 Hafteh

Head Office:

1980 Sherbrooke St. W.
Suite: 900
Montreal, Quebec, H3H 1E8

- هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورود) نگاه دارید.
- هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطلب‌های رسیده آزاد است.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

صورت آواز مرغ اوست آن کلام
غافل اوست از حال مرغان مرد خام



آریانا: نرگس هاشمی
ادیبان افغانستان چه می گویند:
آیا به زبان گفتار بنویسیم یا ننویسیم؟

آریانا، داستان: جمیله هاشمی
سن بازی

جامعه: اشکان امیری
مراقب شیوه جدید کلاه برداران باشید:
اجاره دادن خانه بدون اطلاع صاحب خانه

جامعه: اشکان امیری
حذف یک وعده غذایی برای برخی
کبکی ها به دلیل تورم روزافزون

جامعه: گروه ترجمه هفته
هفته هزار دلار مالیات اشتباهی برای یک
ایرانی در وتکوور

آشپزی: مهسا عباس پور
خورش ملاقورمه
سخن ستارگان، برای تفنن
سرگرمی: خاطره تحویل داری یکتا
طنز و حکایت و سرگرمی



سیاست: سعید میرزایی
مراسم یادبود در تورنتو برای علی عراقی
از کشته شدگان اعتراضات در تبریز

سیاست: گروه ترجمه هفته
سابقه سرسازی اجباری در سپاه، دردسر
بزرگ ایرانی-کانادایی ها برای ورود به
آمریکا

جامعه: شاهین شهبازی
کلاه برداری ۱۱ هزار دلاری از یک
دانشجوی ایرانی در ادمونتون

اقتصاد: آرمین آریان پور
تلاش برای مهار تورم، آیا روند کنونی
نتیجه می دهد؟



فیروز نیکخواه
شعارهای فریبنده برای بقاء

نیما زهتابی
آیا تجربه حکومت مذهبی امری اجتناب ناپذیر
بود؟

سیاست: گروه خبر هفته
کارزاری اعتراضی در شبکه های اجتماعی:
نام مهسا امینی را در دقیقه ۲۲ بازی های
جام جهانی فریاد بزنیم

سردبیر: خسرو شمیرانی

سر دبیر آنلاین: آرشد مجیدی

مدیر بازرگانی: محمد پرونده

طراح و صفحه آرا: آتلیه هفته
کاریکاتوربست: سیروس یحیی آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته

اخبار باهمستان: سیده صالحی

آریانا: نرگس هاشمی

مهاجرت: معصومه علی محمدی

ادبیات: گروه ادبیات هفته

سلامت: دکتر الهام گرامی

حقوق: نیوشا ریاحی

اقتصاد: آرمین آریان پور

گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرونده

مدیر فنی وب سایت: بهمن عسگری پور

مسابقه فوتبال بله، وسطبازی نه! به تیم ایران در جام جهانی ۲۰۲۲

مردم پیروز می‌شن و روسیاهی برای زغال می‌مونه.

• کیان پیرفلک رو مصادره کردن به اسم خودشون. همه جا بنرش را زدن. این وسط بازیا فایده نداره.

• به امید باخت مفتضحانه تیم فوتبال جمهوری اسلامی. بعد از باخت مفتضحانه تیم فوتبال جمهوری اسلامی به خیابان‌ها می‌رویم و شادی خواهیم کرد.

• همدردی بازیکنان رو دو سه روز پیش تو عکساشون دیدیم. دعا کنید قبل از برگشتتون

انقلاب بشه و بتونید فرار کنید چون بعدش دیگه راه فراری نیست.

• دستوریه! میخوان اگه باختن مردم نریزن خیابون.

در آغاز جنبش «زن زندگی آزادی» مردم ایران اعلام کردند: «وسطبازی ممنوع» و ای کاش آقای کاپیتان حاج‌صفی و تیمش می‌دانستند که آن‌ها قرار است فوتبالیست‌های ملی ایران باشند و نه وسطبازان که تلاش می‌کنند دل قاتلان فرزندان ملت را نیازازند.

ای کاش از علی دایی و علی کریمی و بسیاری دیگر از چهره‌های مردمی کشور یاد می‌گرفتید چگونه می‌توان در کنار ملت ماند و به این دلیل درخشید و نه در کنار قاتلان ملت. شما هنوز هم می‌توانید جانب ملت را بگیرید شما هم فرزندان ملت ایران هستید اجازه بدهید به شما هم افتخار کنیم همان‌طور که به مهسا، حدیث، حنا، سارینا، غزاله و نیکا افتخار می‌کنیم و به علی دایی، علی کریمی، ترانه علی‌دوستی و

مقدس بودن تکثر در جامعه، و تسلیم به خاطر درگذشت کیان آغاز می‌کند. کیان یکی از جوان‌ترین قربانیان ابراهیم رئیسی و نماد دشمنی با تکثر در جامعه ایران است. او که در یک انتخابات تماماً نمایشی و مهندسی شده به جایگاهش رسیده است نه منتخب مردم، بلکه نماینده متحجرت‌ترین و ضدمردمی‌ترین بخش روحانیون حاکم است و آقای حاج‌صفی بی‌احساس شرمگینی از دیدار دیروزش، در برابر دوربین‌ها قرار می‌گیرد و....

در پرونده این شماره مجله هفته، همکارمان خانم پگاه شریفی بخشی از بازخوردهای کاربران به مصاحبه مطبوعاتی آقای کاپیتان را آورده است. کاربران از جمله نوشته‌اند:

• دیگه دیر شده حاج‌صفی وقتی تا کمر در برابر حکومت تعظیم می‌کردین باید به فکر خدای رنگین‌کمان می‌بودین. شما وقیح هستین هم حکومتو میخاین هم مردمو. همیشه در دو طرف بود شما حکومت را انتخاب کردین.

• شما... ولایی هستین که نون در خون این کودکان و جوانان و جاویدنامان ایران زده‌اید ننگ بر شما شرف شما وجدان شما و انسانیت شما، شما اندازه یک هزارم آن ورزشکار اوکرایینی شرف نداشتین.

• تنها فرصت باقی‌مونده برای بخشیده شدن بازیکن‌ها بازی نکردن تو زمینه. نه شادی بعد از گل می‌خوایم نه پست و استوری. برسونید به دست‌شون.

• دیگه حناتون رنگی نداره نمی‌تونین هم رئیسی و نظام رو راضی کنین هم مردم را.



آخرین حضور رسمی تیم ملی فوتبال ایران دیدار با رئیس‌جمهور اسلامی، ابراهیم رئیسی بود فردی که در دیروز نامش با اعدام‌های ۱۳۶۷ گروه خورده و امروز مسئول کشتار صدها معترض ایرانی از جمله ده‌ها کودک است.

زمانی که مردم، به‌ویژه جوانان و نوجوانان معترض در شهرهای مختلف به میدان آمده و فریاد آزادی و مخالفت با دیکتاتوری را سر داده‌اند و هرروز نام دیگری از سرشناسان و چهره‌های مطرح فرهنگی و اجتماعی و هنری به دلیل پیوستن علنی به صفوف مردم تیترا خبرها می‌شود، اعضای تیمی که واژه‌ی «ملی» (منتسب به ملت) بخشی از نام آن است در برابر مسئول قتل فرزندان این سرزمین به صف می‌ایستد و لبخند بر لب می‌گذارد.

آیا این تیم همچنان «ملی» است؟

کاپیتان تیم، آقای حاج‌صفی ساعاتی پس از دیدار دسته‌جمعی تیمش با ابراهیم رئیسی در دوحه در برابر تریبون قرار می‌گیرد و سخنانش را با «نام خدای رنگین‌کمان»، تأکیدی بر



اخبار گزارش‌ها



نرخ مالکیت خانه در کانادا رو به کاهش است؛ میزان فروش خانه در ماه اکتبر افزایش یافت



بود اما این رقم در سال گذشته از ۱۵ درصد نیز فراتر رفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر کاندوها (۹۰ درصد) در شهرهای بزرگ و کلان شهرهای کانادا وجود دارند. در خبر دیگری در ارتباط با بازار مسکن کانادا، انجمن ساختمان کانادا اعلام کرد میزان فروش خانه در کشور در ماه اکتبر برای اولین بار از فوریه گذشته افزایش یافت. انجمن ساختمان کانادا در گزارش خود که روز سه‌شنبه منتشر شد اعلام کرد میزان فروش خانه در کشور در ماه اکتبر رشد ۱.۳ درصدی را نسبت به ماه سپتامبر ثبت کرد. طبق همین گزارش، در ماه اکتبر میزان فروش ماهانه خانه در ۶۰ درصد بازارهای منطقه‌ای کشور با افزایش همراه بود. این رشد در منطقه بزرگ ونکوور ۶ درصد اعلام شد اما بازار مونترال رشد منفی ۲۴ درصدی را ثبت کرد. همچنین در محیط اکتبر شماره خانه‌های فهرست شده برای فروش نسبت به ماه سپتامبر ۲.۲ درصد رشد داشت. منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو مترو

شده‌اند در اختیار مستأجران قرار داده شده است. ۴۴.۴ درصد خانواده‌هایی که طی ۵ سال منتهی به سال ۲۰۲۱ در کانادا ساخته شد، اجاره داده شده است. این بالاترین نرخ اجاره‌نشینی در کانادا پس از جهش ساخت‌وساز آپارتمان در مهر و موم‌های پس از جنگ جهانی دوم و مشخصاً در دهه ۱۹۶۰ (۴۴.۵ درصد) است. بیش از یک‌سوم خانه‌هایی که از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ در کانادا ساخته شدند، توسط صاحب‌خانه‌ها یا مستأجرانی اشغال شده‌اند که به نسل هزاره تعلق دارند (۳۶.۶ درصد) و این رقم در میان تمام نسل‌ها از همه بالاتر است. در سال ۲۰۲۱ درصد کانادایی‌های زیر ۷۵ سال که صاحب خانه‌های خود بودند، ۳۶.۵ درصد بود در حالی که این نسبت در همین گروه یک دهه پیش از آن ۴۴.۱ درصد بود. یکی دیگر از علل افزایش نسبت اجاره‌نشین‌ها در کانادا رشد و توسعه ساخت کاندومینیوم‌ها است. در سال‌های اخیر ساخت کاندوها در نقاط مختلف کانادا روند رو به رشد داشته است. در سال ۲۰۱۶ درصد خانه‌های اشتراکی در کانادا ۱۳.۳ درصد

نسبت خانوارهای کانادایی که مالک خانه‌های خود هستند در سال ۲۰۱۱ به سطح بی‌سابقه‌ای افزایش یافت اما از آن پس یک‌روند نزولی مستمر را طی کرد و در جهت مقابل نیز شمار خانوارهای کانادایی که اجاره‌نشین هستند به دو برابر شماره خانوارهای صاحب‌خانه رسیده است.

اداره آمار کانادا با انتشار گزارشی به تجزیه و تحلیل علل و عواملی پرداخت که به گفته کارشناسان این نهاد در سال‌های اخیر موجب تغییرات اساسی در بازار املاک و مستغلات کانادا شده است. طی این گزارش در سال ۲۰۲۱ نرخ مالکیت خانه در کانادا ۶۶.۵ درصد اعلام شد در حالی که ۱۰ سال پیش این رقم ۶۹ درصد بود.

به گفته تحلیلگران یکی از عوامل این تغییر این است که بخش عمده ساخت‌وسازهای جدید به ساخت خانه‌های اجاره‌ای اختصاص یافته و بیشتر خانه‌هایی که یک دهه اخیر در کشور ساخته

آیا خودرو و شما هم در زمره خودروهای سارق پسند کانادا قرار دارد؟



و برای دست یافتن به خودروهای مدنظر خود از فناوری‌ها پیشرفته و مهارت‌های مختلفی هم استفاده می‌کنند. سارقان با مجهز شدن به فناوری‌های روز قابلیت آن را پیدا کرده‌اند که به پورت‌های تشخیصی روی بوردها متصل شوند و با برنامه‌ریزی مجدد ریموت از راه دور سیستم ضدسرقت وسیله نقلیه را غیرفعال کنند، وارد خودرو شوند و آن را روشن کنند. سارقان که غالباً در گروه‌ها و شبکه‌های سازمان یافته فعالیت می‌کنند، خودروهای سرقتی را با استفاده از کانتینر به شکل پنهانی به نقاط دیگر جهان به‌ویژه آفریقا منتقل می‌کنند. براین گاست، نایب‌رئیس «انجمن انصاف»، تأکید کرد: «نه تنها سرقت وسایل نقلیه سالانه میلیون‌ها دلار برای کانادا و کانادایی‌ها هزینه دارد بلکه عواید حاصل از این فعالیت غیرقانونی مجرمانه نیز صرف تأمین مالی جنایات سازمان‌یافته و تروریسم در داخل و خارج از کشور می‌شود.»

منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو مونریال

صادرات خودروهای سرقتی را بیش از هر زمان داغ کرده است.

پیکاپ فورد سری F150 و هندو سیویک پس از هندو CR-V در رده‌های دوم و سوم خودروهای سارق پسند کانادا قرار می‌گیرند. در سال گذشته ۳۹۱ دستگاه خودرو پیکاپ فورد سری F150 و ۳۰۸ دستگاه هندو سیویک در استان کبک به سرقت رفته و مونترال به اصلی‌ترین بندر خروج پنهانی خودروهای سرقتی تبدیل شده است. در سطح ملی نیز خودروهای لکسوس سری RX و فورد سری F150 به طرز فزاینده‌ای نگاه سارقان را به خود جلب می‌کنند. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که سال گذشته ۲۲۰۲ دستگاه لکسوس سری RX و ۱۱۸۲ دستگاه فورد سری F150 در کانادا به سرقت رفته است.

تجزیه و تحلیل‌هایی که کارشناسان درباره خودروهای به سرقت رفته در کانادا انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که سارقان معمولاً کلیه وسایل نقلیه شیک و گران‌قیمت را بدون توجه به شرکت‌های سازنده آن‌ها هدف قرار می‌دهند

بررسی‌های صورت گرفته در کانادا درباره خودروهایی که هر سال در استان‌های مختلف به سرقت می‌رود، نشان می‌دهد که خودروهای لوکس و گران‌قیمت به طرز فزاینده‌ای هدف سرقت قرار می‌گیرند اما در بین این خودروها، مارک Honda CR-V در صدر فهرست خودروهایی قرار می‌گیرد که هم در کبک و هم در کل کانادا بیشتر از همه باب دندان سارقان است.

طبق فهرست سالانه خودروهای سرقتی در کانادا که روز دوشنبه توسط «انجمن انصاف» منتشر شد، در سال ۲۰۲۱ حدود ۴۱۱۷ خودرو مارک Honda CR-V مدل ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ در نقاط مختلف کشور به سرقت رفت که از این تعداد ۲۹۱۷ مورد این سرقت‌ها در استان کبک به ثبت رسید. انگشت گذاشتن سارقان روی این خودروهای گران‌قیمت، تجارت پرسود

آرش محبی



مراسم یادبود شهین، هنرمند سینمای پیش از انقلاب در تورتو برگزار شد

حرفه‌ای‌اش تصمیم گرفت برای تمرکز بیشتر بر کار سینما از خوانندگی دست بکشد و مسیری هنری خودش را در کنار بزرگان سینمای ایران دنبال کند.

نادر کاووسی، پسر مرحوم شهین در گفت‌وگویی که با هفته داشت به صفات برجسته مادرانه او اشاره کرد و «عشق‌ورزی» را مهم‌ترین یادگار و به‌نوعی مهم‌ترین وصیت انسانی و عاطفی او برای دوستان و خانواده‌اش برشمرد.

بانو شهین در روزهای پایانی عمرش به کمتر کسی اجازه داد او را در بستر بیماری ببیند تا از این ستاره سابق سینمای ایران همان چهره شاد و سرزنده در خاطره‌ها بماند؛ چهره‌ای که با یک لبخند گرم، گره دل‌های خسته را می‌گشود.

رسانه هفته یاد و خاطره این هنرمند دوست‌داشتنی را گرمی می‌دارد.

پی‌نوشت: ویدیو و عکس‌های مربوط به این خبر را آقای کاوه کاووسی، پسر نادر و نوه مرحوم شهین در اختیار هفته قرار داده است که همین‌جا از او تشکر می‌کنیم.

بی‌شماری که از او برای رویدادهای مختلف می‌شد، بسیار گزیده عمل می‌کرد. بزرگداشت بهروز وثوقی در تورتو در سال ۲۰۰۷ یکی از رویدادهای انگشت‌شماری بود که شهین در آن حاضر شد و میهمانانش را به وجد آورد.

او بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۵ در بیش از ۶۰ اثر سینمایی و در کنار بزرگان سینمای پیش از انقلاب از بهروز وثوقی گرفته تا ناصر ملک‌مطیعی نقش‌آفرینی کرد و خاطرات خوشی را برای نسل سینمادوست آن دوران از خودش به جا گذاشت. از مهم‌ترین آثاری که شهین در آن نقش‌آفرینی کرد می‌توان به ستاره صحرای (۱۳۴۳)، ترانه‌هایی روستایی (۱۳۴۳) و سه‌تا نخاله (۱۳۴۴) اشاره کرد. هیولا (سیامک یاسمی، ۱۳۵۵) آخرین حضور او در سینما بود.

بانو شهین همچنین خواننده خوش‌صدایی بود و دو آهنگ او که در ویدیویی که در سایت و شبکه‌های اجتماعی هفته منتشر شده است، به‌خوبی توانمندی او را در خوانندگی نشان می‌دهد. هرچند او در دوره‌ای از فعالیت



مراسم یادبود «شهین تاج مغول کیسر» که در سینمای ایران با نام هنری «شهین» شناخته می‌شد، یکشنبه هفته‌ای که گذشت در یکی از رستوران‌های مجلل ایرانی در ریچموند هیل تورتو بزرگ برگزار شد.

به گزارش خبرنگار هفته ۸ نوامبر امسال بود که شهین پس از مدتی بیماری در حالی که پسرش بر بالینش آماده بود، در ۸۳ سالگی چشم از جهان فرو بست؛ پیش از آنکه دوباره ایران را ببیند و یاد و خاطره سال‌ها هنرنمایی در سینمای ایران را با بازماندگان آن دوران به گپ و گفت بنشیند.

شهین یکی از ستاره‌های سینمای پیش از انقلاب بود که پس از مهاجرت هیچ‌گاه از شهرتی که اندوخته بود، استفاده نکرد. او در دعوت‌های

پگاه نیایکی

راهپیمایی ایرانیان تورتو در ۱۹ نوامبر: سرکوب آبان ۹۸ جنایت علیه بشریت بود



کشتار آبان ماه و کشته شدن کودکان بسیاری در این مدت بود.

در طول مسیر و در جمعیت پوشش بختیاری بر تن زنان و مردان زیادی دیده می‌شد که برای یادآوری کشته شدن کیان کودک ده‌ساله شهر ایذه بود از شعارهایی که با فریادهای از ته دل و بارها سر داده شد، «حکومت پیچه کش نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم» بود.

سراسری از تمامی ایرانی‌های خارج از ایران خواسته شد بود که به این فراخوان بیوندند. با وجود سرمای بسیار شدید و بارش برف جمعیت قابل‌توجهی از ایرانیان ساکن تورتو چیزی حدود ۵۰ هزار نفر به این گردهمایی پیوسته بودند که ابتدا به‌صورت راهپیمایی از خیابان شانزدهم یانگ شروع شد. شعارها علیه نظام جمهوری اسلامی و همین‌طور مشخصاً

گردهمایی ایرانیان تورتو ۱۹ نوامبر و هم‌زمان با سومین سالگرد کشته‌شدگان آبان ۹۸ در منطقه ریچموند هیل برگزار شد.

به گزارش هفته، این راهپیمایی و گردهمایی که با هماهنگی انجمن جان‌باختگان پرواز PS752 و جمعی از خانواده‌های جان‌باختگان آبان ۹۸ در همراهی با انقلابی است که این روزها در ایران به پا شده است، در این فراخوان به شکل



خواننده گروه دنگ شو ابتدا از حاضران خواست با تکرار یک ترجیع بند با گروه هموایی کنند از جنگ می‌ترسیم و پاسخ از سوی حاضران «نه» محکم و قوی بود و در ادامه آهنگ را خواند که مضمون آن برای آزادی ایران تا سر حد مرگ جنگیدن بود.

مهناز خواننده زن گروه دنگ شو به زیبایی آهنگ ایران ایران هم دردی و هم درمان را اجرا کرد و حاضران به شکل هماهنگی با بالابردن پرچم‌ها و عکس‌های تمام جانباختگان آبان و جنبش اخیر همراهی و صلابت خود را نشان دادند.

آخرین سوپرایز این تجمع گرم و صمیمی حضور رعنا منصور بود، خواننده‌ای که اخیراً آهنگ شروین را هم به انگلیسی اجرا کرده و چهره جهانی‌تری به این آهنگ داده است و همگام با این جنبش و اعتراضات او هم صدای ایران شده است. رعنا به زیبایی دو آهنگ اجرا کرد یک از ساخته‌های خودش و دیگری ایران سرای من است.

برنامه حدود ساعت ۵۰ نیم به اتمام رسید تا ساعاتی شاهد جمعیتی بودیم که با سردادن شعارهایی در دل سرما و برف خیابان یانگ را پیاده به سمت پایین می‌رفتند.

علی علوی و مارال گرگین‌پور بودند که بیانیه جدید انجمن را هم به زبان فارسی و انگلیسی خواندند در متن بیانیه ۴ خواسته مهم و اساسی درخواست شده بود:

۱. از سازمان‌های جهانی و نظام‌های قانون‌گذار در غرب می‌خواهیم جنایات آبان ۱۳۹۸ را به عنوان جنایات علیه بشریت به رسمیت بشناسد و خواستار انجام تحقیقات بی‌طرفانه درباره این جنایات شوند.

۲. در اجلاس قریب الوقوع کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو خواستار تحقیقات درباره کشتار و سرکوب‌های اخیر و فشار به جمهوری اسلامی برای لغو احکام اعدام و آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی هستیم.

۳. از دولت‌های غربی می‌خواهیم سفرای جمهوری اسلامی نمایندگان آن‌ها در سازمان‌های بین‌المللی و نکیسه‌های وابسته به حکومت را از کشورهای خود اخراج کنند.

۴. دسترسی به اینترنت آزاد همچنان خواسته اساسی است به مردم ایران کمک کنید تا اینترنت آزاد داشته باشند.

از تاثیرگذارترین بخش‌های این تجمع حضور گروه موسیقی «دنگ شو» بود.

این راهپیمایی تارویه روی کتابخانه ریچموند هیل و محل برگزاری مراسم و استیج ادامه پیدا کرد. در این گردهمایی هم شاهد همکاری گروه زیادی از داوطلبان بودیم که باعث شده بود مراسم شکل خیلی منظمی به خودش بگیرد. ابتدای مراسم بعد از اینکه مجرب برنامه نیلوفر گنجی از دانشجویان دانشگاه تورتو به انگلیسی و فارسی علت تجمع امروز ایرانی‌ها را توضیح داد، ابتدا از گلرخ امینیان، خواننده اپرای ایرانی تقاضا کرد که روی استیج بیاید. امینیان به شکل اپرا آوازی را اجرا کرد و از تمام افرادی که به خاطر ایران امروز گرد هم آمده بودند تشکر کرد.

رضا مریدی، فعال سیاسی و وزیر اسبق علوم انتاریو مثل همیشه همراه جمع بود و در سخنرانی کوتاهی باز هم از همبستگی مردم یاد کرد. او باز هم تأکید کرد که وظیفه ما فرستادن صدای هموطنانمان به جهانیان است. او گفت دنیا باید بداند که مردم ایران دیگر تحمل این رژیم فاسد را ندارد که ۴۳ سال است ایران را اشغال کرده. امروز روزی است که مردم یک‌صد می‌گویند جمهوری اسلامی نمی‌خواهند. حاضران همه یک‌صد فریاد زدند جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم.

مریدی در ادامه از کشتارهایی که این روزها در مناطق کردنشین و لرنشین اتفاق افتاده گفت، از کیان ۱۰ ساله‌ای که رویای مخترع شدن و مهندس روباتیک شدن داشته ولی به دست حکومت جمهوری اسلامی کشته شد. او در پایان خطاب به سران جمهوری اسلامی گفت ایران را به ایرانی‌ها بسپارید.

از دیگر سخنرانان این جمع دو نفر نماینده از خانواده جانباختگان هواپیمای اوکراینی امیر

در گردهمایی ایرانیان مونترال در ۱۹ نوامبر:

نمادسازی از خشونت علیه معترضان و

در خواست به رسمیت شناختن سرکوب آبان ۹۸ به عنوان جنایت علیه بشریت

شروع این رویداد از ساعت ۱۴:۳۰ بعدازظهر در خیابان Du Parc بود و با شعارهایی مثل «تماشاگر نمی‌خواهیم به ما ملحق شوید» و «جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم» و تعدادی شعار به زبان‌های انگلیسی و فرانسه همراه شد. پیش از شروع راهپیمایی در بخش آغازین صف، پرفورمنسی نمادین با اشاره به اعدام‌ها در ایران برگزار شد و پرفورمرها با دستان و چشمانی بسته درحالی‌که روبه‌رویشان چوبه داری قرار داشت، اعتراضشان را با چندین شعار اعلام کردند. همچنین یکی از شرکت‌کنندگان به‌صورت نمادین، کفنی آغشته به خون را در آغوش گرفته بود و تا پایان مسیر آن را با خود حمل می‌کرد.

این راهپیمایی تا مجسمه George- Étienne Cartier ادامه داشت و جمعیت به مدت دو ساعت در این محل حضور داشتند. در محل تجمع یکی دیگر از شرکت‌کنندگان به‌صورت نمادین کاردستی کیان پیرفلک، پسر ده‌ساله ایذه‌ای که در جریان اعتراضات اخیر کشته شد، را در دست داشت و سعی می‌کرد آن را در تشت خون مقابلش شناور کند. همچنین دورتادور او روی پله‌ها پوسترهایی از قربانیان اعتراضات اخیر روی زمین قرار داده‌شده بود و درحالی‌که مردم گل‌های رز سرخی روی عکس‌ها می‌گذاشتند، موسیقی فولکلور دایه دایه وقت جنگه پخش می‌شد.

در انتها، این تجمع با سخنرانی و اعلام بندهای بیانیه به شرح زیر، توسط تعدادی از برگزارکنندگان گروه «زن، زندگی، آزادی» خاتمه یافت.

«در راستای حقیقت‌جویی و دادخواهی که شاکله‌ی اصلی انقلاب ایران است، ما ایرانیان چهار مطالبه از جامعه‌ی جهانی داریم؛ ۱- آبان، ما از دولت‌ها و سازمان‌های جهانی می‌خواهیم که کشتار آبان ۹۸ را به عنوان جنایت علیه بشریت به رسمیت بشناسند.



انجام شد، حمایت و پشتیبانی سایر گروه‌های مونترالی از جمله انجمن زنان، کمیته یادمان، گروه همبستگی ایرانی - کانادایی آی.سی.یو، دوستداران زرتشت و انجمن دانشجویی میسا را هم در برداشت که نتیجه آن حضور جمعیتی چشم‌گیر بود.

راهپیمایی ایرانیان مونترال در پی فراخوان انجمن خانواده‌های قربانیان هواپیما اوکراینی با هدف یادبود کشته‌شدگان آبان ۹۸ و حمایت از خیزش مردم ایران روز ۱۹ نوامبر برگزار شد.

به گزارش خبرنگار هفته، این راهپیمایی که در مونترال به همت گروه «زن، زندگی، آزادی»



زن ایرانی - کانادایی از تجربه شرکت در تظاهرات ایران می گوید

به‌ویژه زنان، افتخار می‌کنم که چنین در برابر استبداد ایستاده‌اند و از حقوقشان دفاع می‌کنند. از سوی دیگر، ولی، از این که شاهد کتک زدن مردم و تیراندازی به‌سوی آن‌ها بوده‌ام، بسیار اندوهگینم. در آن موقع هم نه‌تنها نگران خودم که نگران همه جوانان شجاع بودم و ترسیده بودم.»

۲۲۷ نفر از ۲۹۰ نماینده مجلس شورای اسلامی از قوه قضائیه جمهوری اسلامی خواهان اعدام معترضان شده‌اند.

تا کنون دست کم پنج معترض به اعدام محکوم شده‌اند. سازمان ملل گفته است که حدود ۱۵ هزار معترض زندانی و دست کم ۳۰۰ تن کشته شده‌اند، از جمله «کیان پیرفلک» که تنها ۹ سال داشت که در جریان سرکوب معترضان کشته شد. گفتنی است، درحالی‌که احکام اعدام در انتظار برخی از معترضان است، دو تن از نمایندگان جمهوری اسلامی، زهره الهیان و کاظم غریب‌آبادی، برای شرکت در جلسات مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک سفر کردند.

۴۳ سال پیش، جمهوری اسلامی پسرعموی نازنین را که زندانی سیاسی بود اعدام کرد. نازنین هم هنگام برگشت به کانادا نگران بود و از این می‌ترسید که یکی از مأموران فرودگاه دستگیرش کند. به همین علت، تمام عکس‌ها و فیلم‌ها را از تلفن همراهش پاک کرده و خودش را آماده بدترین سناریو کرده بود.

نازنین می‌گوید که این همه سال منتظر لحظه‌ای بودم که در برابر رژیم بایستم و این کار را به‌افتخار پسرعموی مرحومم کردم و هنگامی که به خیابان آمدم از این موضوع اشک در چشمانم جمع شده بود.

او خاطرنشان می‌کند: «زمان پراحساسی بود که با واژه‌ها نمی‌توان بیانش کرد. ۴۳ سال منتظر این لحظه بودم و اکنون آن لحظه فرارسیده بود و این باعث شادی‌ام بود.»

لحظه‌ای که او امیدوار است که در راه انقلاب باشد.

منبع: وبسایت شبکه خبری گلوبال نیوز

نازنین: «وحشیگری رژیم را به چشمان خود دیدم.»

نازنین، زنی ایرانی-کانادایی است که به‌تازگی پس از شرکت در تظاهرات و مشاهده اتفاقاتی که خواب را از چشمانش ربوده و او را درگیر کابوس‌های شبانه کرده، از ایران به خانه‌اش در ونکوور بازگشته است. او می‌گوید که مرد جوانی را دیدم که گلوله در قفسه سینه‌اش نشسته بود و به‌سختی نفس می‌کشید. معترضانی که از کمک‌های اولیه چیزهایی می‌دانستند به او کمک کردند، چون با رفتن به بیمارستان احتمال دستگیری‌اش می‌رفت. گلوبال نیوز هویت نازنین را فاش نکرده است، چراکه این نگرانی وجود دارد که او در خطر قرار گیرد.

نازنین برای کمک به یکی از اعضای نزدیک خانواده‌اش در ایران که درگیر مشکلات جدی سلامتی بود، یک‌شبه در بطن تحولات گسترده کشورش قرار گرفت.

او می‌گوید که مردم از ۴۳ سال درندگی، استبداد و دروغ‌گویی جمهوری اسلامی جان به لب شده‌اند و قتل مهسا اخگری بود که آتش خشم مردم را شعله‌ور کرد.

او شبی را که به تظاهرات پیوست، لحظه‌ای تعیین‌کننده در زندگی‌اش می‌خواند.

نازنین از آن شب چنین می‌گوید: «بسیجی‌ها با گاز اشک‌آور و تیراندازی به ما حمله‌ور شدند. همه فرار کردیم و مرد مهربانی در خانه‌اش را باز کرد و باعجله داخل خانه‌اش شدیم.»

او می‌افزاید که چشمانم از گاز اشک‌آور به سوزش افتاده بود. یکی از معترضان به من گفت که به چشمانم دست نزنم و سپس دود سیگار به صورتم فوت کرد تا درد و سوزشم را تسکین دهد.

نازنین می‌گوید که یکپارچگی و دلیری هم‌میهنانشان صحنه‌های زیبایی را در ذهنش آفریده، ولی دیدن سرکوب غیرانسانی معترضان ویرانش کرده است.

او می‌گوید: «حساسم دوگانه است. به جوانان ایران،



۲- ما خواستار تحقیقات گسترده درباره کشتار آبان ۹۸ و فشار برای توقف اعدام در ایران، در اجلاس قریب‌الوقوع کمیسیون حقوق بشر در ژنو هستیم.

۳- ما از دولت‌ها می‌خواهیم سفرا و نمایندگان جمهوری اسلامی را از کشورهایشان اخراج کنند.

۴- دسترسی آزاد مردم ایران به اینترنت باید محقق شود»

پرشین سیرکل تقدیم می‌کند

رسیا

**سی چهره؛ جدیدترین کتاب
دکتر عباس میلانی**




اروپا - سوئد: نشر باران	آمریکا: پارس	تورنتو: سرای بامداد	کانادا: پرشین سیرکل
Storgatan 768 lgh 1301 Tel: 706011204	1434 Westwood, #1 Tel: 310-441-1015	7181 Yonge, #127 Tel: 647-680-6462	30 Kem Rd, #104 Tel: 647-225-9200

خرید آنلاین: www.milanibooks.com

سحر صمدایی

Sahar Samadaei
Courtier immobilier résidentiel
sahar.samadaei@gmail.com
Cell: 514.625.2525

**مشاور رسمی املاک مسکونی
مونترال**

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه‌گذاری املاک در آمدزا

L'AGENCE IMMOBILIERE INC.
Real Estate Agency
660 - 1 Pl. du Commerce,
Be-des-Coeurs, Quebec H0E 1A1



EQUIPE
AMY ASSAAD
QUALITE IMMOBILIERE AGEE 3 QUARTIERS REAL ESTATE BROKER

مشاوره تخصصی انواع ملک، با ۲۷ عضو مسلط به ۱۸ زبان
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری و درآمدزا
اخذ وام مسکونی و تجاری از بانکها و موسسات مالی




**10% PREMIER DES COURTIERES
AU CANADA**
Avec Royal LePage

در زمره ۱% مشاورین برتر املاک در کانادا

AMYASSAAD.CA

AMY ASSAAD INFO@AMYASSAAD.CA 514 884 8000	MANYA NIAZI MANYA@AMYASSAAD.CA 514 222 2293
--	--



AMY ASSAAD INC. 1489 AVS. 381KUR, MONTREAL, H3H 5C4 | ROYAL LEPAGE DU QUARTIER - AGENCE IMMOBILIERE

Sutton

مینو اسلامی

**مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری**

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com
514 967 5743

پگاه شریفی

ایرانیان به جام جهانی ۲۰۲۲
روی خوش نشان ندادند



تیم ملی فوتبال ایران،
چطور «تیم جمهوری اسلامی» شد؟

انگلیس به تیم کی روش
شش گل زد اما اشکی ریخته نشد

پرونده
هفته

برای اولین بار در تاریخ تیم ایران بدون شادی و حمایت مردمی در مسابقات جام جهانی حضور پیدا کرده است. این امر نتایج خود را در اولین مسابقه نشان داد: تیم ملی زمین را به حریف واگذار کرد و در مجموع شش گل از حریف انگلیسی خورد.

تبوتاب جام جهانی برای ایرانیان خیلی زود شروع شد، آن هم نه در مستطیل سبز فوتبال و نه با سوت داور و نه در «قطر» و نه در این روزهای پراالتهاب ایران که هرروز کشته‌های به کشته‌ها اضافه، رقم و عددی از سِنِ کشته‌شدگان کم و پرده‌ای از جنایت و خشونت علیه مردم ایران برداشته می‌شود.

تبوتاب جام جهانی برای ایرانیان خیلی زودتر از زمانی شروع شد که جنازه کیان را خانواده‌اش از ترس دزدیده شدن در خانه، برهنه و در میان یخ‌ها بگذارند و چنین تصویر دردناک- چه صفت کوچک و محقری برای این عکس- را در خاطره تاریخ ثبت کنند.

تبوتاب جام جهانی برای ایرانیان و شاید بهتر است بگوییم خصوصاً «ایرانیانِ کانادا» از زمانی شروع شد؛ که خبر رسید تیم ملی فوتبال ایران نخستین دیدار تدارکاتی‌اش را پنجم ژوئن در ونکوور و مقابل تیم ملی فوتبال کانادا خواهد داشت. خبری که اگر عنصر «زمان» را می‌شد از آن حذف کرد، باید باعث خوشحالی اکثریت قریب به اتفاق فوتبال دوستان ایرانی ساکن در کانادا می‌شد.

اما این بار- و شاید برای اولین بار در تاریخ فوتبال ایران- این موضوع با مخالفت‌های شدیدی روبرو و به درگیری‌های پرتنش در فضای مجازی، بین دو گروه ایرانیان کانادا تبدیل شد. دو گروهی که یک‌سوی آن مخالفان آمدن تیم ملی به کشور کانادا بودند و دیگر سوی آن، موافقان.

موافقان و مخالفانی که همگی مهاجران سرزمینی هستند که سال‌های سال است، حکمرانانش، زمین ورزش را به میدانی سیاسی - نظامی تبدیل کردند؛ تصمیمی خلاف روح ورزش که وظیفه‌اش پیوند زدن است و نه تفرقه‌افکندن.

کشتی‌گیران اسرائیلی روبرو نشوند. این درحالی بود که محسن سه بر صفر جلو بود اما در میانه مسابقه از مربی می‌پرسد: «بخورم؟» - چیزی که تصاویر آن را ثبت کرده بودند- و جواب هم که مشخص بود.

• سال ۲۰۱۷: علیرضا کریمی درحالی که یکی از شانس‌های قهرمانی بود و با همین فرمان داشت مسابقه با حریف روسی‌اش را جلو می‌برد و امتیاز بالاتری هم داشت، به ناگاه متوجه فریادهای مربی‌اش از کنار تشک شد که به او می‌گفت «باید ببازد»، فرمانی که مشخصاً برای این صادر می‌شد که در صورت برد، باید با کشتی‌گیر اسرائیلی مسابقه می‌داد.

نتیجه: هشتگ «باید بازی» در توئیتر فارسی

شاید این موضوع برایتان جالب‌تر باشد وقتی که بدانید، رتبه اول را ورزشکاران سوریه‌ای داشتند، کشوری که درگیر «جنگ» بود و طبیعتاً باید پناهندگان زیادی می‌داشت؛ در صورتی که ایران، به گفته مسئولین در «امنیت» کامل بود و نه تنها ایرانیان که به گفته معاون دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی؛ «بشریت امنیت خود را مدیون حاج قاسم بود.»

حوصله کنید و به این موارد که مشتکی از خروار هستند، نگاهی ببیند:

• سال ۲۰۱۱: محسن حاجی‌پور و قاسم رضایی که در مسابقات کشتی قهرمانی جهان استانبول شرکت داشتند؛ یکی مجبور به باخت اجباری و دیگری وادار به بیماری اجباری شد تا با

بچه‌های بالا چه می‌گویند؟ باید «بازی» یا «ببری»؟!

بد نیست قبل از اینکه وارد زمین فوتبال شویم؛ نگاهی کلی‌تر به سیاست جمهوری اسلامی در زمینه ورزش ببیند.

ایدئولوژی حاکم بر جمهوری اسلامی در این ۴۳ سال؛ بارها، نتیجه یک بازی را که می‌توانست پیروزی و قهرمانی باشد به شکست خودخواسته تغییر می‌داد و اسفناک‌تر از آن، موجی از مهاجرت ورزشکاران را به وجود می‌آورد؛ تا جایی که در المپیک ۲۰۲۰ توکیو؛ ایران با پنج ورزشکار پناهنده، رتبه دوم کشوری را داشت که ورزشکارانش زیر پرچم کشور خودشان مسابقه نمی‌دادند و در تیم ورزشکاران پناهنده بودند.

باره نوشت: «ما هشدار دادیم که فرماندهان سپاه را به بهانه همراهی با تیم ملی به کانادا راه ندهید. هشدار دادیم که به جانیانی که به دخترچپه‌ها اسپری فلفل می‌زنند و زنان را از ورزش محروم می‌کنند ویزا ندهید. بازی تیم ملی در ونکوور برگزار می‌شود و ما با عکس قربانیان آنجا هستیم.» موضع‌گیری اسماعیلیون که همسر و فرزندش را در پرواز اوکراینی از دست داده است، طبیعتاً با واکنش مقامات و طرفداران جمهوری اسلامی روبرو شد؛ گروهی که در این سه سال بارها به او برجسب‌هایی زده بودند که واقعیت نداشت؛ از فتوشاپ عکس او در کنار مریم رجوی (در حالی که در عکس اصلی او در کنار همسرش پریسا ایستاده بود) گرفته تا این اواخر نسبت دادن دشمنی او به مردم ایران به خاطر «عقدۀ داغداری» که دارد. اما گذشته از موضع حکومت جمهوری اسلامی نسبت به این فرد و این تصمیم‌گیری - که جای بحث ندارد- افرادی که تعدادشان کم هم نبود و اتفاقاً خود را از مخالفان جمهوری اسلامی هم می‌دانستند، این تصمیم را اشتباه و به‌نوعی مشابه سیاست ورزشی جمهوری اسلامی در این سال‌ها می‌دانستند. تعدادی از این اظهارنظرها را که مخاطبان هفته در صفحه اینستاگرام و زیر پست‌هایی با همین

پرفشار، ماه‌ها دوری از خانواده و رنج کم کردن کیلوهای اضافی را ندارم و احساس پوچی می‌کنم. من سه سال است دارم برای استخدام شدن در اداره ورزش بروجرد دوندگی می‌کنم و با سالی یک‌بار آمدن در لیگ و قرارداد بستن نمی‌توانم زندگی‌ام را بگذرانم. من دیگر از وعده‌های پوچ خسته شدم.»

زمین ورزشی بالاخره «سیاسی» هست یا «سیاسی» نیست؟

اما چه شد که -پر اشتباه نیست اگر بگوییم برای اولین بار- بین مردمی که خودشان سال‌ها بود زخم خوره و مخالف سیاست ورزشی جمهوری اسلامی بودند؛ از این نظر که «زمین ورزشی «سیاسی» است یا «سیاسی» نیست؟» تفاوت نظر جدی و گسست افتاد.

مخالفت با بازی دوستانه تیم فوتبال ایران در کانادا با اعتراض سخنگوی انجمن خانواده‌های قربانیان هوپیمای اوکراینی شروع شد.

حامد اسماعیلیون که نزدیک به سه سال است به همراه دیگر خانواده‌های پرواز، به دنبال دادخواهی و به محاکمه کشیدن کسانی است که دستور شلیک به هوپیمای مسافربری را داده‌اند؛ در این

ترند شد. علیرضا با دلخوری، در اینستاگرامش نوشت: «آخرین سنگر سکوتۀ حق ما هم هیچ‌وقت گرفتنی نیست» البته که بعد از بازگشت به ایران فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی بیانیه داد و او را پهلوانی نامید که برای دومین بار به خاطر «مظلومیت مردم فلسطین» فداکاری می‌کند و از حقش می‌گذرد. آن‌ها این ورزشکاری که «باید می‌باخت» را به دیدار رهبر جمهوری اسلامی هم بردند که آنجا هم انگشتی از طرف ایشان گرفت!

• سال ۲۰۱۹: تیم ملی شطرنج ایران به مسابقات جهانی روسیه رفت تا تیم ایرانی با اسرائیل روبرو نشود.

نتیجه: علیرضا فیروزجا که به او لقب «سوپر استاد بزرگ» شطرنج را داده‌اند، زیر پرچم FIDE (فدراسیون جهانی شطرنج) مسابقه داد.

به این موارد باخت اجباری پیمان یاراحمدی را هم اضافه کنید؛ زمانی که نوجوانی بود و در مسابقات مجارستان، مربی به او می‌گوید؛ چاره‌ای جز باخت ندارد و باید تمارض به مصدومیت کند تا با حریف اسرائیلی روبرو نشود؛ تصویرهایی که مستند شده و نشان می‌دهد او گریه می‌کند.

نتیجه؟! دو سال پیش او با پنج مدال جهانی با کشتی خداحافظی کرد و گفت: «بعد از سال‌ها خون جگر خوردن در کشتی، دیگر تحمل تمرینات



علی کریمی و علی دایی در این روزها از اعتراضات مردم ایران بیشترین حمایت را داشته‌اند



علیرضا کریمی یکی از کشتی‌گیرانی بود که به باخت اجباری مجبور شد



سردار اکبر غمخوار؛ اولین مدیر عامل نظامی پرسپولیس



فضای قطر و جام جهانی



روسیه یکی از کشورهایی است که به اسپورت واشینگ متهم است



گفته می‌شود علی کریمی به کانادا آمده اما علی دایی همچنان در ایران است

پاسخ‌های کاربران ایرانی به تسلیت و اظهار نظر حاج صفی، کاپیتان تیم ملی

- دیگه دیر شده حاج صفی وقتی تا کمر در برابر حکومت تعظیم می‌کردین باید به فکر خدای رنگین کمان می‌بودین. شما وقیح هستین هم حکومتو میخاین هم مردمو. همیشه در دو طرف بود شما حکومت را انتخاب کردین.
- شما... ولایی هستین که نون در خون این کودکان و جوانان و جاویدنامان ایران زده‌اید ننگ بر شما شرف شما وجدان شما و انسانیت شما، شما اندازه یک هزارم آن ورزشکار اوکرایینی شرف نداشین
- تنها فرصت باقی‌مونده برای بخشیده شدن بازیکن‌ها بازی نکردن تو زمین. نه شادی بعد از گل می‌خوایم نه پست و استوری، برسونید به دست‌شون.
- دیگه حناتون رنگی نداره نمی‌تونین هم رئیسی و نظام رو راضی کنین هم مردم را. مردم پیروز می‌شن و روسیاهی برای زغال می‌مونه.
- کیان پیرفلک رو مصادره کردن به اسم خودشون. همه جا بنرش را زدن. این وسط بازیابنده نداره
- به امید باخت مفتضحانه تیم فوتبال جمهوری اسلامی. بعد از باخت مفتضحانه تیم فوتبال جمهوری اسلامی به خیابان‌ها می‌رویم و شادی خواهیم کرد.
- همدردی بازیکنان رو دو سه روز پیش تو عکساشون دیدیم. دعا کنید قبل از برگشتتون انقلاب بشه و بتونید فرار کنید چون بعدش دیگه راه فراری نیست
- دستوره! میخوان اگه باختن مردم نریزن خیابون.

ایرانیان کانادا در رابطه با این پرونده پاسخ ندهد، نباید میزبانی مسابقات دوستانه فوتبال را عهده‌دار شویم.»

تورنتو استار در همان زمان نظرسنجی هم برگزار کرد و از ۱۷ هزار شرکت‌کننده، ۸۴ درصد با انجام بازی مخالفت کردند.

از آن سوی میدان جمهوری اسلامی و وابستگان رسانه‌اش از جمله سپاه، شروع به مخالفت با این بازی دوستانه کردند. به‌عنوان نمونه؛ روزنامه جوان وابسته به سپاه، زبان‌های این بازی را بیشتر از فوایدش دانست چراکه «معاندان» جمهوری اسلامی، در کانادا حاشیه‌ساز خواهند شد.



خبرنگار دانمارکی در قطر با وجود داشتن مجوز، مورد هجوم به خاطر تهیه گزارش قرار گرفت

انجام شود. کاری که حکومت‌های دیکتاتوری همیشه نمونه‌هایی از آن را در برنامه‌های خود داشته‌اند. جمهوری اسلامی هم که سال‌ها بود روابطش با کانادا به سردی و بعد از سرنگونی هوایمی اوکرایینی به تیرگی کشیده بود؛ به گفته آن‌ها جمهوری اسلامی می‌خواست از این موضوع استفاده کند و ضمن ازسرگیری روابط به‌نوعی بر پیگیری و دادخواهی پرونده هوایمی اوکرایینی هم تأثیر بگذارد.

شهردار ونکوور هم از خانواده‌های کشته‌شدگان پرواز حمایت کرد. کندی استوارت گفت: «تا زمانی که سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به



یکی از مهم‌ترین قهرمانان شطرنج به فرانسه مهاجرت و از سال گذشته برای این

مضمون نوشته‌اند، بخوانید:

- حساب تیم ملی فوتبال را از حکومت جدا کنید.
- تیم ملی فوتبال ایران از بچه‌های همین مرز و خاک تشکیل شده که بیشترشان دلخوشی از سیاست‌های حکومت ندارند؛ بنابراین به آن‌ها به چشم سفیران حکومت نگاه نکنید.
- مردمی که مخالف دولت‌اند ولی تیم فوتبال همان دولت را تیم خودشان می‌دانند.
- بچه‌های فوتبال چه ربطی به سیاست دارن؛ این‌ها فرزندان و برادران ما هستند.
- کدام آفیسری به این لشکر... ویزا می‌دهد و به مادر من نمی‌دهد که قرار بود اینجا شیمی‌درمانی کند.
- ایران با حکومت فرق دارد؛ تیم فوتبال نماد ایران است، تعصب در این مورد را درک نمی‌کنم.
- مشکل تیم فوتبال نیست، تعداد افرادی که ربطی هم به فوتبال ندارند، با تیم وارد خاک کانادا می‌شوند.
- تیم ملی فوتبال وجود ندارد، تمام روابط ورزشی ایران توسط سیاست کنترل می‌شود.
- وقتی زنان را به ورزشگاه راه نمی‌دهند و با اسرائیل مسابقه نمی‌دهند؛ یعنی ورزش سیاست است.
- تیم ملی، تیم مردم است و تیم حاکمیت نیست.
- چرا به ۸۰ نفر ویزا دادند برای یک فوتبال؟
- اگر فرزندان خودتان هم در هواپیما بودند، این‌طور از بازی و صلح حرف می‌زدید؟
- پای این نظام از همه‌جا باید بریده شود.
- مفت‌خورها را راه ندهید.
- ورزش را چرا سیاسی می‌کنید؟
- ...
- هم‌زمان حامد اسماعیلیون و البته طرفداران لغو بازی استدلال‌های خودشان را داشتند. آن‌ها دعوت از تیم فوتبال ایران را به‌نوعی sport washing می‌دانستند که با هدف عادی‌سازی روابط بین کانادا و جمهوری اسلامی قرار بود



علیرضا فیروزجا، یکی از مهم‌ترین قهرمانان شطرنج به فرانسه مهاجرت و از سال گذشته برای این کشور مسابقه می‌دهد

و سردار شاکری، نایب‌رئیس هیئت‌مدیره باشگاه پیام مشهد بود.»

از طرفداری «تیم ملی فوتبال ایران» تا انزجار از «تیم جمهوری اسلامی»

دکتر مصطفی مهرآیین، جامعه‌شناس در کانال تلگرامی خود فایل صوتی را منتشر کرده است که طی آن به تحلیل اتفاقات امروز ایران و خیزش مردم بعد از کشته شدن مهسا امینی به دست گشت ارشاد می‌پردازد.

او در بخشی از این فایل صوتی بسیار شنیدنی می‌گوید (نقل به مضمون): «به قدری اتفاقات در ایران با سرعت رقم می‌خورد که فرصت برای نقد و تحلیل‌شان نیست.»

حرف ساده و درستی که درباره این موضوع هم صدق می‌کند، فقط پنج ماه از قرار بازی دوستانه تیم فوتبال ایران و کانادا گذشته که تیم محبوب فوتبال ایران (حداقل با مشاهدات موجود) به تیم نامحسوب جمهوری اسلامی بدل می‌شود و تصاویر و بنرهای بازیکنانش در اعتراضات مردمی به آتش کشیده می‌شود چراکه اعضای این تیم پیش از رفتن به جام جهانی به دیدار کسی می‌روند (یا برده می‌شوند، فرقی هم دارد مگر؟) که این روزها یکی از عوامل اصلی کشتار مردم است.

که در سایت رادیو فردا درباره حضور سرداران سپاه در تیم‌های فوتبال نوشته بود و آن‌ها را معرفی کرده بود. لیست بلند بالایی که در سال‌های بعد به قد و عرضش هم اضافه شد اما فعلاً به همین لیست قدیمی قناعت کنید که عبارت‌اند از: سردار اکبر غمخوار؛ اولین مدیرعامل نظامی پرسپولیس، سردار مصطفی آجورلو؛ مدیرعامل سابق پاس و استیل آذین، سردار کریم ملاحی؛ مدیرعامل پاس همدان و سردار احمد شهریاری؛ مدیرعامل صبای قم؛ سردار ناصر شفق و سردار جعفری؛ ذی‌نقدهای فوتبال تبریز؛ سرهنگ جعفر جعفری از فرماندهان ارشد سپاه استان فارس و رئیس باشگاه فجر مقاومت سپاسی و سردار عزیز محمدی؛ رئیس سازمان لیگ فوتبال ایران.

این روزنامه‌نگار ضمن اشاره به این نکته که خراسان بیشترین سرداران فوتبال را دارد؛ توضیح داده بود: «شاید هیچ شهری چون مشهد و هیچ استانی مانند خراسان رضوی، شاهد حضور سرداران سپاه در فوتبال نباشد. هر دو تیم معروف مشهدی یعنی «ابومسلم» و «پیام مقاومت» در سال‌های اخیر همواره توسط سرداران سپاه اداره شده‌اند. سردار علی صلاحی، مدتی مدیرعامل باشگاه پاس و سپس باشگاه پیام مشهد بود. سردار هاشم غیائی راد، مدیرعامل باشگاه پاس تهران

در نهایت اینکه «بازی دوستانه» ایران و کانادا لغو شد، در این فضا عده‌ای منتقد حامد اسماعیلیون به دلیل این موضع‌گیری به سرانجام رسیده، شده بودند و از اینکه بلیت‌هایشان لغو شده بود اظهار ناراحتی می‌کردند، آن‌ها بر این استدلال پافشاری می‌کردند که «تیم ملی فوتبال ایران»، از مردم و برای مردم است و ربطی به جمهوری اسلامی ندارد.

فوتبال ایرانی سیاسی نیست اما در محاصره سرداران سپاه است

یکی از دلایل خانواده‌های قربانیان پرواز هواپیمای اوکراینی برای مخالفت با حضور تیم ملی فوتبال در کانادا، «سپاه» بود. نیروی نظامی که فرمان سرنگونی هواپیمای ps752 را داده بود و ۱۷۶ مسافر را کشته بود و البته که در این ۴۳ سال زحمت سرکوب مخالفان و به گفته خودشان «امنیت مردم» را همه جور به دوش گرفته بود. اما «سپاه» با فوتبال در این سال‌ها چه نسبتی داشته که ورود تیم ملی به کانادا به نوعی ورود این نهاد و افراد وابسته به آن‌ها - قرار بود نزدیک به ۹۰ نفر با تیم فوتبال ایران به کانادا بیایند- به شمار می‌آمد؟

گریزی می‌زنیم به مقاله سال ۲۰۱۰ مراد ویسی



➤ حامد اسماعیلیون از اولین کسانی بود که تیم ملی فوتبال را بهانه‌ای برای ورود سپاهیان به خاک کانادا دانست



➤ قطر برای زنان شرکت کننده در جام جهانی ۲۰۲۲ محدودیت پوشش مشخص کرده است



➤ احسان حاج‌صفی، کاپیتان تیم ملی قبل از مسابقه با قطر از مردم حمایت کرد



➤ تصاویر شادمانی فوتبالیست‌ها دقیقاً در روزهایی منتشر شد که مردم داغدار کیان پیرفلک بودند



➤ تصویری از اعتراضات مردم



➤ کنسل شدن بازی ایران و کانادا

مصیبت‌زده و داغ‌دیده حرکت کنید و دین خود را به مردم ادا کنید. تاریخ قابل تکرار نیست، از خود نام نیک بر جای بگذارید.»

یحیی گل محمدی نوشت: «توی درس معرفت همیشه بیشتر از صفر به شما داد.»

امید نمازی، کمک‌مربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران عکسی از علی کریمی و علی دایی را گذاشت و نوشت: «این دو مرد خیلی چیزها برای از دست دادن داشتند، ولی کنار مردم ماندند. شما چی؟» سردار پاشایی، مربی سابق تیم ملی کشتی فرنگی ایران گفت: «ملاقات ورزشکاران با مقامات دولت بخشی معمول از زندگی ورزشکاران است، درک می‌کنم. خود من نیز با مسولان حکومت دیدار داشته‌ام. اما در بزنگاهی که مردم در حال انجام یک انقلاباند و در تلاش برای تغییر حکومت، ورزشکاران نمی‌توانستند رفتن به جام جهانی و دیدار با قاتلان مردم را تحریم کنند؟»

داریوش یزدانی، ملی‌پوش پیشین فوتبال هم تصویر دیگری از سر خم کردن ملی‌پوشان مقابل ابراهیم رئیسی را گذاشت و به‌طعن نوشت: «ظاهراً این بازیکنان به خاطر انعطاف خوب بدنی، راهی جام جهانی شدند. شرمساری.»

اما شگفت‌زدگی مردم از نحوه عملکرد تیم ملی فوتبال به همین‌جا ختم نشد و در نشست مطبوعاتی شب قبل از بازی ایران و انگلستان؛ احسان حاج‌صفی، کاپیتان تیم؛ موضع‌گیری کاملاً متفاوتی با روزهای قبل پیش گرفت.

او صحبتش را با جمله «به نام خدای رنگین‌کمان» از کیان پیرفلک، پسر بیچه نه‌ساله ایده‌ای که به دست مأموران جمهوری اسلامی کشته‌شده، شروع می‌کند، به مردم تسلیت می‌گوید و با آن‌ها ابراز همدردی می‌کند.

کاپیتان تیمی که تا آن روز همگی‌شان به نحوی - و گویا دیکته شده- مدام تکرار می‌کردند که تمرکزشان روی «فوتبال» است و دیگر هیچ؛

خود تمرکز کند و به مسائل سیاسی مرتبط با اعتراضات سراسری کاری ندارد. شادی کردن یا خواندن سرود ملی تصمیمی شخصی است و سعی می‌کنیم آن را بزرگ نکنیم.

کارلوس کی‌روش هم در پاسخ به این سؤال که سرمربی‌گری تیم کشوری که حقوق زنان در آن رعایت نمی‌شود چه منفعتی برای او دارد؛ با تندی گفته بود: «شما که خبرنگار یک کمپانی خبری خصوصی هستید چه مبلغی برای این سؤال دریافت می‌کنید؟» پاسخی که مورد توجه و تشویق رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی قرار گرفت.

• آخرین پنالتی گل می‌شود؟

جام جهانی ۲۰۲۲ در قطر یکی از متفاوت‌ترین، جام جهانی‌هایی است که مردم ایران تجربه می‌کنند. آن هم نه به دلایلی فوتبالی، نه به دلیل این که تیم کشورشان در گروهی قرار گرفته که کارشناسان به آن عنوان «گروه مرگ» را داده‌اند؛ نه به خاطر اینکه بعد از ۲۴ سال، ایران دوباره رودرروی آمریکا می‌شود یا با یکی از بهترین تیم‌های جهان، انگلیس که جزو ۵ تیم اول فوتبال است، بازی‌ها را شروع کرده است.

این جام جهانی متفاوت است چراکه اگر بخواهیم به ساده‌ترین شکلش بگوییم، این بار حمایت بسیاری از هم‌میهنانشان را به دلیل عملکردی که پیش گرفتند از دست دادند و کار تا جایی پیش رفت که این بار مردم به جای اظهار امیدواری برای پیروزی، برایشان آرزوی شکست کردند.

فوتبالیست‌ها و ورزشکاران رشته‌های مختلف هم در صفحه‌های اینستاگرام و توئیترشان، انتقادهای تندوتیزی به آن‌ها داشتند.

حشمت مهاجرانی، سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران به بازیکنان تیم ملی گفت: «مگر شما فرزندان این آب‌و‌خاک نیستید؟ پس با مردم

در میان آن‌ها فوتبالیست‌هایی هستند که ساکت نشسته‌اند، کسانی که لبخند می‌زنند؛ کسانی که سر خم می‌کنند تا آن‌ها برایشان دست بزنند و البته کسانی که به نمایندگی از تیم صحبت می‌کنند:

وحید امیری از رئیس‌جمهوری که کارش را با هیئت مرگ آغاز کرده و همچنان در همین هیئت مشغول خدمت‌رسانی است، می‌خواهد که «حمایت مادی و معنوی‌اش را از بازیکنان دریغ نکند.» علیرضا بیرانوند از بودن در این جلسه ابراز خوشحالی می‌کند و آن را باعث افتخارش می‌داند. مرتضی پورعلی‌گنجی و رامین رضاییان هم قول می‌دهند که تمام تلاششان را بکنند تا دل مردم را شاد کنند.

بعد از این دیدار که موجب خشم و تعجب بسیاری شده و درست در زمانی که جامعه مهپوت کشته شدن کیان پیرفلک است، عکس‌های شادمانی بازیکن‌های فوتبال در سایت فیفا، منتشر می‌شود. این برخورد تیم فوتبال که مردم گمان و امید داشتند که در این روزهای سخت همراهی‌شان کنند، موجی از انتقادات و خشم را به بار می‌آورد تا جایی که بنرها و تصاویر آن‌ها به آتش کشیده می‌شود.

اما این برخورد تیم ملی همچنان ادامه پیدا می‌کند و آن‌ها در نشست با خبرنگاران هم سعی در نادیده گرفتن وضعیت موجود داشته و ذره‌ای به شرایط مردم اشاره نمی‌کنند؛ حتی زمانی که مستقیماً و مشخصاً از آن‌ها درباره اعتراضات پرسیده می‌شود، چنین جواب‌هایی را می‌دهند:

کریم انصاری‌فرد: ما یک تیم واقعی هستیم و به همین خاطر از یکدیگر دفاع می‌کنیم. همان‌طور که من وظیفه دارم بازی کنم، وظیفه شما هم سؤال کردن است. ولی همه باید کارمان را در حرفه خودمان درست انجام بدهیم.

علیرضا جهانبخش: این تیم می‌خواهد بر مسابقات



دیدار رئیسی و بازیکنان فوتبال

آن را تأیید می‌کند؛ اما نه به این دلیل که این کشور کوچک‌ترین کشور میزبان در مسابقات جام جهانی بوده است، بلکه به دلیل سیاست‌ها و قواعدی که پیش گرفته است.

قطر در این دوره اعلام کرده اگر تماشاگران زن از لباس باز و برهنه استفاده کنند؛ مجازات و جریمه می‌شوند و شرکت‌کنندگان باید شانه و پاهای خود را بپوشانند. همچنین از توریست‌ها خواسته که در جمع ابراز محبت نکنند و به فرهنگ این کشور احترام بگذارند. مصرف الکل هم تنها در مکان‌های مشخص شده در ورزشگاه‌ها مجاز است و سن قانونی برای نوشیدن الکل بالای ۲۱ سال است.

این کشور به روزنامه‌نگاران شبکه ایران اینترنتشال برای پوشش جام جهانی فوتبال، ویزا نداده که گفته می‌شود این اقدام را تحت فشارهای جمهوری اسلامی انجام داده است.

همچنین ویدیویی از برخورد با یک خبرنگار دانمارکی در قطر منتشر شد. راسموس تانتولت، گزارشگر شبکه TV2، در حال تهیه گزارش بود که امنیتی‌های قطر به او حمله می‌کنند. آن‌ها این خبرنگار را تهدید به شکستن و تخریب دوربینش می‌کنند در حالیکه راسموس به آن‌ها می‌گوید: «شما تمام دنیا را به اینجا دعوت کرده‌اید. چرا نمی‌توانیم فیلم‌برداری کنیم؟ اینجا که یک مکان عمومی است.»

گرت وال، خبرنگار آمریکایی هم در صفحه اینستاگرامش خبر داده بود که پس از عکس گرفتن از شعاری روی یک دیوار، مأموری به او نزدیک و به او می‌گوید عکاسی ممنوع است. در حالیکه هیچ تابلوی عکاسی ممنوعی در این محدوده نبوده است. در نهایت هم از او خواسته می‌شود که عکس را از گوشی‌اش پاک کند.

هم‌وطنان عزیز و بزرگوارم. در این روزها که حال دل اکثر ما خوب نیست به دعوت رسمی فیفا و فدراسیون فوتبال قطر برای حضور در جام جهانی به همراه همسر و دخترانم جواب منفی دادم، که کنار شما در میهنم باشم و همدردی خود را با تمام خانواده‌هایی که عزیزان خود را در این روزها از دست داده‌اند اعلام کنم. به امید روزهای روشن برای ایران و ایرانی.»

بتا به گزارش بی‌بی‌سی، این پست در طول کمتر از ۱۱ ساعت پس از انتشار، از سوی بیش از ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار کاربر، لایک شد.

علی کریمی از بستن مچ‌بند سبز تا دعوت به ایستادن در سمت درست تاریخ

علی کریمی، پیشینه پروپیمانی در حمایت از مردم در این سال‌ها دارد، از بستن مچ‌بند سبز در زمان میرحسین موسوی تا حمایت از مردم در آبان ۹۸ و تا همین امروز که به دلیل موضع‌گیری‌اش با مال و جانش تهدید شده است.

او که در این روزها ستاره مردم بودن را به ستاره دنیای فوتبال بودن، ترجیح داده است در پاسخ به یکی از نمایندگان مجلس که گفته بود: «اگر فردی فهم خواندن سرود ملی را ندارد لازم نیست در تیم ملی باشد» استوری منتشر و نوشت: «قابل توجه بازیکنان ملی، سمت درست تاریخ را انتخاب کنید.»

این جام؛ «جهانی» است؟

سپ بلاتر، رئیس سابق فیفا که در زمان ریاست خودش این کشور به‌عنوان میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ انتخاب‌شده؛ گفته است که تصمیم اشتباهی گرفته‌اند، چون قطر کشور بسیار کوچکی است و فوتبال و جام جهانی برایش بیش‌از حد بزرگ است. اظهارنظری که برخورد‌ها و سیاست‌های «قطر»

حضورشان در جام جهانی را به‌منظور بی‌احترامی به مردم نمی‌داند: «اگر ما اینجا بییم دلیل بر این نیست که صدایشان نباشیم یا به آن‌ها احترام نگذاریم. ما هرچه داریم از مردمان هست. اینجا هستیم تا سخت تلاش کنیم، بجنگیم، بهترین عملکردمان را در زمین بگذاریم و گل بزینیم و گل‌مان را تقدیم به مردم داغدار ایران کنیم و امیدوارم که شرایط آن‌طور که مردمان می‌خواهند رقم بخورد و همه شاد بشوند.»

سوت پایان به هنگام یک شروع تازه

کاپیتان، تلاشی می‌کند تا شاید در آخرین فرصت‌ها بتواند، دل طرفدارانش را به دست بیاورد، تا دوباره بتواند آن‌ها را به زمانی برگرداند که تیم ملی را از «ایران» و نه از «جمهوری اسلامی» می‌دانستند. اما گویا و بازم به گواه نظرهای بسیاری که برای این خبر و در جواب به او نوشته‌شده؛ فرصت‌ها سوخته و وقت بازی به پایان رسیده است و تیم فوتبال جمهوری اسلامی در نگاه بسیاری، دیگر تیم ملی «ایران» نیست.

علی دایی، جام جهانی ۲۰۲۲ و امید به روزهای روشن

علی دایی در خیزش این روزهای مردم ایران، نهایت همراهی و همدردی را با مردم داشته و سعی کرده است، صدای آن‌ها باشد. در این مسیر، او تهدید و پاسپورتش هم برای مدتی ضبط شد اما همچنان به حمایت خود از مردم ادامه داد.

دایی که یکی از باارزش‌ترین فوتبالیست‌های دنیا به شمار می‌آید، در این دوره هم رسماً از سوی فیفا و فدراسیون فوتبال قطر به همراه همسر و دو دخترش برای حضور در جام جهانی دعوت‌شده بود اما او در یک پست اینستاگرامی اعلام کرد این دعوت را رد کرده است. او نوشت: «با درود به



علی کریمی در جنبش سبز هم با بستن دستبند سبز از مردم حمایت کرد



علی دایی دعوت فیفا برای حضور در جام جهانی با خانواده‌اش را رد کرد



سپ بلاتر، رئیس سابق فیفا گفته؛ انتخاب قطر؛ تصمیم اشتباهی بوده



فریبا علیزاده

مشاور ارشد امنیت مالی و بیمه
Financial Security Advisor

سالها تجربه موفق در زمینه مالی و بیمه
فارغ التحصیل ارشد مدیریت از
John Molson Concordia

Sun Life Financial

ارائه خدمات مالی و بیمه برای:

- اشخاص، شرکت ها، مشاغل آزاد و حرفه ها
- بیمه عمر، از کار افتادگی و بیماریهای خاص
- بیمه دانشجویی، بیمه سفر و بیمه سلامت
- بیمه وام مسکن
- انواع سرمایه گذاری

KRSP, RESP, TFSA, RRIF, LIF, GIA

همکاری با بیش از ۲۵ موسسه مالی و بانکیها به منظور ارائه بهترین خدمات

<https://www.sunlife.ca/beribaalizadeh> beribaalizadeh@sunlife.com

438-345-5066

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا موقت کانادا برای کلیه برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کار آفرینی، خوشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.

معصومه علیمحمدی
مشاور رسمی
مهاجرت

info@icpimmigration.com
icpimmigrationtocanada
icpimmigrationtocanada
@ICPimmigrationTOCANADA
WWW.ICPIMMIGRATION.COM

Canadian Association of Professional Immigration Consultants
L'Association Canadienne des Conseillers Professionnels en Immigration
عضو انجمن مشاوران متخصص مهاجرت و شهروندی کانادا

CICC CCIC
Canadian Immigration Consultants
Collège International des Consultants en Immigration
عضو رسمی انجمن مشاوران رسمی مهاجرت و شهروندی کانادا

Tehran
Office: 021-2288-1684
Mobile: 0937-489-6676

جهت مشاوره و تعیین وقت
فیلی با دفتر ما در مونترال
تماس حاصل فرمایید.

Montreal
Office: 514-289-9011 / 514-289-9044
WhatsApp: 514-778-9011
Address: 1117 Ste. Catherine West,
511# Montreal, Qc. H3B 1H9

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca
(514) 844 - 4492

Residential Real Estate Broker

شهره شهبان

مشاور املاک در کلان شهر مونترال

- خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف مونترال جهت خرید
- هزینه محضر هدیه من به خریداران

514-290-2210
shahrianrealtor@gmail.com

خسرو شمیرانی

گفت‌وگو با دکتر رضا مریدی،
سیاستمدار و وزیر سابق در کانادا

حامد اسماعیلیون تبدیل به یکی از مدیران سیاسی شده است



گفت‌وگوی ویژه

تحلیل شما از تحولات جاری در ایران چیست؟ جنبش اعتراضی؟ انقلاب؟ قیام؟

من فکر می‌کنم آنچه امروز در ایران می‌گذرد ادامه همان حرکتی است که ملت ایران به خصوص بانوان ایرانی در هفته‌های پس از تأسیس جمهوری اسلامی در اعتراض به حجاب و روسری شروع کردند. در آن زمان متأسفانه مردان کمی در آن تظاهرات شرکت کردند، ولی امروز در ایران می‌بینیم بانوان، مردان، کودکان، دانشجویان و دانش‌آموزان همه با هم حرکتی را شروع کردند که چیزی جز یک خیزش انقلابی نیست. دلیلش هم این است که خواسته مطرح آن‌ها برچیدن یک نظام حکومتی جبار است که ۴۳ سال بر ایران حکومت کرده است. بنابراین قطعاً عنوان خیزش انقلابی بر این حرکت اطلاق می‌شود.

بسیاری معتقد هستند این انقلاب بی‌رهبر است. نظر شما چیست؟

من معتقدم این خیزش انقلابی بی‌رهبر نیست؛ رهبران متعددی دارد که در شهرها مختلف این خیزش را هدایت می‌کنند. البته باید بگویم کلمه «رهبر» در طی ۴۳ سال گذشته در ایران به خاطر وجود دو فردی که این عنوان به آنها داده شد (خمینی و خامنه‌ای) تبدیل به کلمه زشتی در فرهنگ سیاسی مردم شده است. به همین خاطر من می‌خواهم به جای رهبر کلمه مدیریت سیاسی را به کار ببرم. الآن مدیران سیاسی زیادی در داخل ایران هستند که در نقاط گوناگون این خیزش انقلابی را مدیریت می‌کنند و این حرکت طبیعتاً نیاز به مدیریت سیاسی دارد و ما وجود آن را عملاً

در محلات گوناگون شهرها می‌بینیم.

آیا از نظر شما داشتن رهبری واحد ضروری است؟

به نظر من هر حرکت اجتماعی نیاز به مدیریت دارد، ما در اینجا هم می‌بینیم که وقتی کارگران یا کارکنان یک موسسه اعتصاب می‌کنند، مدیریتی هست که این حرکت کارگری، اجتماعی یا سیاسی را هدایت می‌کند. بنابراین برای خیزش انقلابی که الآن در ایران جریان دارد هم قطعاً مدیریت سیاسی نیاز است و این مدیران سیاسی هم الآن در نقاط مختلف ایران و بخش‌های گوناگون شهرها و روستاها و مؤسسات و... حضور دارند و این جنبش را هدایت و مدیریت می‌کنند و البته که خدمات آن‌ها بسیار مؤثر و تلاششان قابل تقدیر است.

تصور من بر این است که رژیم جمهوری اسلامی به هیچ‌وجه قادر نخواهد بود تا یک سال دیگر همچنان در ایران مستقر باشد. این خیزش انقلابی رژیم را قطعاً به‌زانو در خواهد آورد.

منظور من رهبری (یا به قول شما مدیریت) متمرکز است. حالا این می‌تواند یک فرد باشد یا یک شورا. آیا می‌توان یک انقلاب را که باید سیستم کهنه را سرنگون و با نظام نو جایگزین کند بدون رهبری متمرکز به نتیجه رساند؟ آیا چنین نمونه‌ای در تاریخ داریم؟

کاندیداهای رهبری یا مدیریت سیاسی جامعه، همان‌طور که گفتیم، مدیرانی هستند که در نقاط مختلف ایران این حرکت را در منطقه و ناحیه خودشان هدایت می‌کنند. ولی در کل اگر در ایران به آن مرحله برسیم باید از درون همین جنبش مدیران سیاسی در سطح مملکتی هم پیدا شوند که بتوانند این جنبش را در سطح مملکتی مدیریت کنند. به عقیده من در آینده بسیار نزدیک از بین مدیران سیاسی و مدیرانی که در تشکلهای و احزاب سیاسی تجربه چندین ساله، گاهی چند دهه و بعضی‌ها خیلی بیشتر در نقش اپوزیسیون فعالیت داشتند بیرون می‌آیند. این‌ها طبیعتاً خواهند توانست دور هم جمع شوند و یک گروه واحدی برای مدیریت سیاسی این خیزش و همچنین گذار از این رژیم تشکیل دهند. به وجود آمدن این تشکل جمعی را خیلی دور نمی‌بینم.

نقش سازمان مجاهدین خلق در حرکات جاری را چه می‌بینید؟ آیا برای این سازمان در شکل‌گیری نظام جدید در ایران نقش قائل هستید؟

سازمان مجاهدین خلق هم مانند بقیه تشکلهای و جریان‌های سیاسی اپوزیسیون قطعاً می‌تواند

در این خیزش نقش داشته باشد. بقیه گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی هم به همین ترتیب و حتی کسانی که به تشکل‌های سیاسی وابسته نیستند در این حرکات چه در داخل ایران و چه خارج از کشور فعال هستند و زحمت می‌کشند.

به‌رحال ایران کشور بزرگی است و در این کشور برای همه‌جا هست؛ به‌خصوص در بعد سیاسی آینده ایران که معتقدیم باید یک حکومت کاملاً دموکراتیک و آزاد شکل بگیرد. در چنین سیستمی همه تشکل‌های سیاسی از چپ و راست، ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک، همه و همه‌جا دارند و باید حضور داشته باشند. این نهایتاً بر عهده ملت ایران خواهد بود که مدیریت کشور ایران را به دست چه افراد و گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی بسپارند. بنابراین هیچ تشکلی نباید حذف شود و در عین حال هیچ تشکل سیاسی هم نباید ایران را از طریق اعمال افکار ایدئولوژیک اداره کند.

دنایای قرن ۲۱، به‌خصوص ایران امروز به‌هیچ‌وجه آمادگی یک حکومت ایدئولوژیک چه مذهبی و چه فلسفی را ندارد. همه می‌توانند در کنار همدیگر برای سازندگی ایران کمک کنند و به عقیده من سازمان مجاهدین خلق هم از این قاعده مستثنا نیست و انتخاب نهایتاً بر عهده ملت ایران خواهد بود. نکته مهم این است که ما باید همگی برای استقرار دموکراسی در ایران فعالیت کنیم و در دموکراسی برای همه‌جا هست.

درباره فساد در سازمان مجاهدین و سرکوب گسترده‌ی درون‌سازمانی آنها بسیار زیاد گفته و نوشته شده است آیا به نظر شما این اتهامات بی‌پایه هستند یا از نظر شما برای حضور سازمان مجاهدین در شکل‌دهی به نظام آینده ایران بی‌اهمیت محسوب می‌شوند؟

نظر خاصی در این مورد ندارم. زیرا تا آنجا که من می‌دانم این گفته‌ها و نوشته‌ها در جایی به‌صورت شفاف و عادلانه مطرح نشده و مورد بررسی بی‌طرفانه قرار نگرفته که بشود در مورد این گفته‌ها و نوشته‌ها اظهار نظر کرد.

نظر شما درباره آقای حامد اسماعیلیون و جایگاه او در سازمان‌دهی و احیای رهبری جنبش چیست؟

دکتر حامد اسماعیلیون که همسر و فرزندش را در فاجعه هواپیمای اوکراینی از دست داد، همراه با دیگر دوستان‌شان در نقش سخنگوی انجمن خانواده‌های هواپیمای اوکراینی فعالیت‌ها و خدمات بسیار چشمگیری انجام دادند و همچنان ادامه

سازمان مجاهدین خلق هم مانند بقیه تشکل‌ها و جریان‌های سیاسی اپوزیسیون قطعاً می‌تواند در این خیزش نقش داشته باشد. بقیه گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی هم به همین ترتیب و حتی کسانی که به تشکل‌های سیاسی وابسته نیستند در این حرکات چه در داخل ایران و چه خارج از کشور فعال هستند و زحمت می‌کشند.

می‌دهند. از وقتی که خیزش انقلابی در ایران شروع شد، او و دوستانی که همراهش هستند در برگزاری تظاهرات در تورنتو و همین‌طور برلین و جاهای دیگر خیلی زحمت کشیدند و همچنان ادامه می‌دهند. زحمات همه‌شان قابل تقدیر است.

در ارتباط با مسئله رهبری که فرمودید در ایران آینده رهبران و مدیران سیاسی جامعه یکی دو نفر نیستند. ما همین حالا هم مدیران سیاسی متعددی در اقصی نقاط دنیا داریم و قطعاً آقای حامد اسماعیلیون هم تبدیل به یکی از این مدیران سیاسی شدند و مثل بقیه زحماتشان قابل تقدیر است. آینده ایران در سیستم دموکراتیک حتماً یک مدیریت سیاسی جمعی و به انتخاب مردم ایران خواهد بود.

ما شاهد فرهنگ اتهام زنی از یک‌سو و فرهنگ چاله‌میدانی از سوی دیگر هستیم که دست در دست هم به تضعیف اعتماد در جامعه و ایجاد فضای مسموم دامان

می‌زنند. آیا به نظر شما این یک پدیده مهم است یا یک پدیده حاشیه‌ای؟

متأسفانه فرهنگ اتهام زنی یا به قول شما چاله‌میدانی دقیقاً نمی‌دانم از چه موقع در فرهنگ ایرانی داخل شده ولی واقعیتی است که وجود دارد. ما ایرانی‌ها همیشه به فرهنگ غنی خود افتخار می‌کنیم و من وقتی که این نوع فرهنگ را می‌بینم شرمند می‌شوم و با خودم می‌گویم آیا منظور ما از فرهنگ غنی واقعاً این است! خب طبیعتاً نیست ولی موضوعی است که وجود دارد. به نظر من این فرهنگ هم برخاسته از رژیم دیکتاتوری است که در ایران حکومت کرده و مردم را به یک نوع بی‌فرهنگی سوق داده است. البته منظورم از کلمه مردم قطعاً عامه مردم نیست، بلکه یک گروه بسیار معدودی از مردم هستند که از این نوع فرهنگ پیروی می‌کنند.

از نظر من این نوع فرهنگ یک پدیده کاملاً حاشیه‌ای است و ما اصلاً نباید نگران آن باشیم. ما در این دو ماه اخیر کاملاً دیدیم که ایرانیان از هر تبار، عقیده سیاسی و از هر جنسیتی چقدر زیبا در کنار همدیگر هستند. چه در داخل ایران و چه در کشورهای دیگر، دست در دست هم در کنار خیابان زنجیره انسانی تشکیل دادیم و در تظاهرات با هم و در کنار هم شرکت کردیم. این باعث خوشحالی فراوان است که ما ایرانیان این اتحاد، اتفاق و همدلی را داریم و قطعاً این ارتباط را بین خودمان بیشتر و عمیق‌تر خواهیم کرد که به همدیگر محبت کنیم و احترام بگذاریم و بتوانیم ایران آینده را در صلح و آرامش در کنار همدیگر دوباره‌سازی کنیم.

آیا باید با این دو نمود فرهنگی (اتهام‌زنی بی‌اساس و ناسازگویی‌های چاله‌میدانی) برخورد کرد؟ آیا در جهت برخورد با این دو مشکل برای خودتان و دیگر فعالان سیاسی و فرهنگی وظیفه‌ای قائل هستید؟ همه ما ایرانیان باید با این نوع فرهنگ مبارزه کنیم؛ قطعاً بیشترین وظیفه هم بر عهده روشنفکران، روزنامه‌نگاران، دانشمندان و مدیران جامعه است. معلمین، اساتید دانشگاه و هر کس در هر موقعیتی که است باید با این فرهنگ مبارزه کند. چراکه این فرهنگ، فرهنگ واقعی ایرانی نیست و ایرانیان مردمانی بودند که همیشه به دنبال صلح، دوستی، آشتی و احترام به دیگران بودند.

ما باید این نوع فرهنگ را به‌کل از بین ببریم و این وظیفه همه فعالان سیاسی و فرهنگی و همه

درباره رضا مریدی

دکتر رضا مریدی، سیاستمدار ایرانی - کانادایی، نماینده پیشین مجلس انتاریو از حوزه ریچموند هیل و وزیر پیشین پژوهش و نوآوری انتاریو است. دکتر رضا مریدی از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ نماینده منطقه ریچموند هیل در پارلمان انتاریو، از طرف حزب لیبرال بود. در همین دوران او به مدت ۷ سال در کابینه استانی خدمت کرد که ۵ سال از آن در دولت خانم کاتلین وین و به عنوان وزیر پژوهش و نوآوری بود. علاوه بر این رضا مریدی در حوزه فعالیت‌های سیاسی مربوط به ایران نیز فعال بوده و در مخالفت با نظام حاکم بر ایران نیز سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های بسیاری داشته است. او همچنان در این زمینه فعال است.



یکی از شگردهای جمهوری اسلامی در طول این ۴۳ سال این بوده که به مردم بگوید در ایران به خصوص در حاشیه کشور، مخصوص در غرب و همچنین شرق که عبارت است از آذربایجان و کردستان و خوزستان و در شرق بلوچستان تنش‌های قومی هست و احتمالاً تمایلات تجزیه طلبانه وجود دارد. از یک طرف می‌خواهد بقیه مردم ایران را با ترک‌ها و کردها و عرب‌ها و بلوچ‌ها روبه‌روی هم قرار دهد و از طرف دیگر می‌خواهد بین ترک‌ها و کردها و همین‌طور بقیه اقوام اختلاف بیندازد. البته باید بگویم احساسات تجزیه طلبانه در استان‌های حاشیه‌ای ما وجود دارد و وجودش را نباید نفی کرد ولی این احساسات طبیعی نیست، افرادی که تابع این نوع تفکر هستند تعدادشان محدود است ولی در عین حال خود این احساسات و جریانات تجزیه طلبانه اتفاقاً نتیجه همان سیاست‌های یک‌صدساله گذشته ایران است؛ سیاست‌های پانیرانیستی که در ایران بوده

نیز می‌توانیم ایران را به کشوری مثل کانادا تبدیل کنیم که همه با هم و در کنار هم و همچنین با قبول تفاوت‌های فردی و اجتماعی، همدیگر بپذیریم. ما باید بپذیریم که در ایران نیز مثل همه کشورها، تفاوت‌های گوناگون مردمی وجود دارد و این دیدگاه را تبدیل به سیاست رسمی دولت کنیم. در دولت دموکراتیک آینده ایران قطعاً این نکته یکی از پایه‌های اساسی سیستم حکومتی خواهد بود که ایران مملکتی متکثر است و حکومت و فرهنگ باید تکثرگرا باشد و تفاوت‌ها پذیرفته شود و نسبت به آن احترام قائل شویم، هم تفاوت‌های فردی و هم تفاوت‌های جمعی که وجود دارد و باید بدانیم قدرت مملکت ما در تکثر ماست.

یکی از نگرانی‌هایی که درباره آینده ایران مطرح می‌شود احتمال درگیری‌های قومی و تنش در نتیجه تمایلات تجزیه طلبانه است. آیا شما هم این نگرانی دارید؟

ایرانیان است و اگر کسی به دیگری کم احترامی می‌کند یا نسبت به یک قوم، تبار و ملتی چنین رفتاری داشته باشد ما باید با این نوع رفتار مبارزه کنیم. به خصوص ما که در کشوری مثل کانادا زندگی می‌کنیم باید ببینیم که در اینجا مردمان از ۲۰۰ ملیت متفاوت و تبار گوناگون در کنار هم زندگی می‌کنند و همه فرهنگ، هویت و فردیتشان قابل احترام است. ما هم در ایرانی که از ۸۵ میلیون ایرانی از تبارهای گوناگون در نقاط گوناگون ایران تشکیل شده، همه باید همدیگر را بپذیریم و آن سیاست یکسان‌سازی مردمی، فرهنگی، زبانی که در یک‌صد سال گذشته در ایران حاکم بوده را باید کنار بگذاریم، انسان‌ها را به همان شکلی که هستند قبول کنیم و به هویت، فرهنگ و زبانشان احترام بگذاریم.

باید بپذیریم فرهنگ ایرانی مجموعه‌ای از این فرهنگ‌هاست بنابراین باید این اتحاد را تقویت کنیم. اگر الان بتوانیم چنین کاری کنیم در آینده

رنگارنگی تباری و فرهنگی ایران را نفی کرده است. ما می‌بینیم که استان‌های حاشیه‌ای، حتی استان خوزستان که به استان زرخیز معروف است یا استان آذربایجان نیز به همین ترتیب، خوب همه این‌ها از لحاظ اقتصادی فوق‌العاده ضعیف‌تر از استان‌های مرکزی هستند. به‌خصوص در دوران رژیم جمهوری اسلامی، استان‌های حاشیه غرب و شرق ایران به‌خصوص بلوچستان که محروم‌ترین استان ایران است، دولت نه تنها تبعیض قومی، تباری و فرهنگی در مورد مردمان این استان‌ها قائل شده بلکه از نظر اقتصادی هم آن‌ها را به حاشیه رانده است.

مثال بارزش شهر تبریز است، که پایتخت دوم ایران و محل تولد ۵ پادشاه قاجار بوده. یک‌صد سال پیش‌ازین تبریز بزرگ‌ترین شهر ایران از نظر جمعیت، اقتصاد و فرهنگ بود ولی امروز یازدهمین شهر ایران به‌حساب می‌آید. همین موضوع گویای این مطلب است که تمایلات تجزیه‌طلبی که بین بعضی از گروه‌های ایرانی ساکن استان‌های مرزی به وجود آمده نتیجه مستقیم اعمال دولت‌ها در یک‌صد سال گذشته‌الخصوص در دوران جمهوری اسلامی است. ولی در کل مردمان ایران قرن‌ها با هم زندگی کردند و قرن‌ها هم با هم زندگی خواهند کرد.

مدیران سیاسی سیستم آینده دموکراتیک ایران قطعاً این نوع تبعیض‌ها را برطرف خواهند کرد و ایرانی‌ها باز هم قرن‌ها در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد. من شخصاً نگران ماجرای تجزیه‌طلبی و تجزیه ایران نیستم گرچه نفی نمی‌کنم که تمایلات تجزیه‌طلبانه در استان‌های مرزی ایران چه در شرق و چه در غرب و حتی در شمال ایران (گیلان و مازندران) نیز وجود دارد. ولی این تمایلات نگران‌کننده نیست و با سیاست‌های درستی که دولت‌های آینده حکومت دموکراتیک پیش بگیرد می‌شود آن‌ها را کمتر و کمتر کرد و حتی احیاناً از بین برد.

آیا تلاش برای شکل دادن به یک شورای رهبری برای دوران گذار منطقی، ضروری و عملی است؟

وجود یک شورای مدیریت یا شورای رهبری سیاسی برای دوران گذار کاملاً منطقی و ضروری است. اصولاً بدون وجود یک مجموعه مدیریت سیاسی که بتواند خروج جمهوری اسلامی و ورود حکومت بعدی را حتی به‌صورت موقت، یا دولت گذار عملی کند، کاملاً ضروری است. من فکر می‌کنم در

طول زمان و هرچه این جنبش و خیزش پیشرفت می‌کند نیاز به وجود این شورا قطعاً بیشتر می‌شود و در بین کوشندگان سیاسی چه در داخل و چه خارج و به‌طور طبیعی این شورای جمعی حتماً شکل خواهد گرفت. من تردیدی در این ندارم و به نظر من این شورا باید همه نیروهای دموکراسی‌خواه را دربرگیرد. از نظر من وجود و حضورش ضروری است و زیاد هم دور نیست که این شورا تأسیس و تشکیل شود.

از نظر شما ده اصل اساسی که مدیران دوران گذار از جمهوری اسلامی به‌نظام نوین باید آن‌ها را اساس کار خود قرار دهند چیست؟

به نظر من ۱۰ اصل اساسی که مدیران دوران گذار

نظر خاصی در این مورد (فساد و سرکوب در سازمان مجاهدین) ندارم. زیرا تا آنجا که من می‌دانم این گفته‌ها و نوشته‌ها در جایی به‌صورت شفاف و عادلانه مطرح نشده و مورد بررسی بی‌طرفانه قرار نگرفته که بشود در مورد این گفته‌ها و نوشته‌ها اظهار نظر کرد.

است و یا به‌عنوان پادشاه موروثی و دائمی. در هر دو حال رئیس کشور در واقع یک مقام صرفاً تشریفاتی است و هیچ‌گونه حق دخالت در مدیریت کشور اعم از کشوری و لشکری را ندارد. در چنین سیستمی قدرت دست مجلس و نمایندگان مردم است، همان نمایندگانی که دولت را انتخاب می‌کنند و دولت هم مستقیماً در مقابل مجلس مسئول است.

۴. رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر،
۵. استقرار مدیریت غیرمتمرکز در کشور،
۶. پذیرش و قبول تبارهای گوناگون که در ایران هستند و آزادی زبان و فرهنگشان،
۷. تنظیم پیش‌نویس قانون اساسی با مشارکت همه تشکلهای سیاسی و افراد صاحب‌نظر در رشته تنظیم قانون،
۸. تصویب قانون اساسی؛ از طریق فرزندم یا از طریق مجلس مؤسسان منتخب مردم،
۹. تشکیل مجلس شورای ملی، از طریق انتخابات با نظارت بین‌المللی و سپس معرفی دولتی که منتخب مجلس شورای ملی است
۱۰. انتقال قدرت از دولت دوران گذار به دولت منتخب مجلس شورای ملی.

سؤال آخر: آیا از نظر شما یک سال دیگر همچنان شاهد رژیم اسلامی در ایران هستیم؟

تصور من بر این است که رژیم جمهوری اسلامی به‌هیچ‌وجه قادر نخواهد بود تا یک سال دیگر همچنان در ایران مستقر باشد. این خیزش انقلابی که مردم ایران از دانش‌آموزان گرفته تا مردان و زنان بزرگسال، همه با هم در داخل ایران شروع کردند و همین‌طور حرکاتی که میلیون‌ها ایرانی در کشورهای گوناگون شروع کردند این رژیم را قطعاً به‌زانو در خواهد آورد.

رژیم جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی، سیاسی و اخلاقی فاسد است و در صحنه جهانی بسیار منزوی شده است. در رأس آن افراد ناقابل و ناکارآمد قرار دارند. این رژیم آن عوامل و عناصری که برای مدیریت یک کشور ضروری است از روز اول هم نداشته است و الان هم ندارد و در بدترین شرایط قرار دارد، بنابراین امکانی برای ادامه فعالیتش وجود ندارد. من مطمئنم در آینده خیلی نزدیک این حکومت ساقط خواهد شد و ملت ایران صاحب مملکت خودشان می‌شوند.

آقای دکتر رضا مریدی گرامی از شما سپاسگزاریم.

باید در نظر بگیرند و به آن عمل کنند عبارت‌اند از:

۱. قبول یکپارچگی ایران،
 ۲. قبول جدایی دین از سیاست در ایران،
 ۳. استقرار دموکراسی در ایران،
- درباره این اصل سوم یک توضیح را ضروری می‌بینم و آن اینکه: شکل حکومت آتی ایران می‌تواند جمهوری پارلمانی یا پادشاهی پارلمانی باشد که در آن رئیس مملکت به‌عنوان رئیس‌جمهور موقتی

71 تخفیف ویژه برای خوانندگان مجله‌ی هفته
با استفاده از کد تخفیف زیر در وبسایت پرستوک

HaftehMag
PARASTOOK.COM



WhatsApp (647) 227 8077
Facebook Instagram TikTok Parastook.Book




Advanced Computer خدمات کامپیوتری
بامدیریت بک‌ی‌زی

تعمیر ✂️ فروش 📦
نصب ⚙️ آموزش 📺
ویروس‌یابی 🛡️

(416) 226-6939 (416) 471-7138
babakyazdi2@gmail.com advancecomputer@rogers.com
6012A Yonge St. North York ON. M2M 3V9

کتاب فروشی سرای بامداد

کتاب «رودخانه سنت لوران»
را می‌توانید از کتاب‌فروشی سرای بامداد تهیه نمایید.



Tel: (647) 680-6462
7181 Yonge Street, Unit 127, Vaughan, ON L3T 0C7

کتاب فروشی پگاه

کتاب «جادوی عصاره گیاهان»
را می‌توانید از کتاب‌فروشی پگاه تهیه نمایید.



Tel: (416) 223-0850
5513 Yonge St, North York, ON M2N 5S3



ادبیات
فرہنگ
ہنر سینما

نویسنده: الیزابت بوون
مترجم: مریم حسینی

ساعت موروثی

قسمت اول

نقد داستان

در داستان «ساعت موروثی» روایت و خاطره و داستان به هم می آمیزند. کلارا که حافظه خود را از دست داده، ساعتی از عمه بزرگ خود به ارث می برد که صد سال است از کار نیفتاده و حتی در اثر بمباران ها آسیب ندیده است. نویسنده ساعت را به صورت آناتومی زمان توصیف می کند. این ساعت به کلارا کمک می کند به گذشته خود سفر کند تا آن را کشف کند و خواننده در این سفر گاهی شخصیت اصلی داستان را همراهی می کند و گاهی دورتر از او می ایستد و شاهد جریان افکار و کردار اوست. به دلیل شرایط متافیزیکی داستان، خواننده قادر نیست تشخیص بدهد که آیا اتفاقات واقعی هستند یا خیالی.



نگاه می کردیم، دخترعمو روزانا برگشت و به مادرت گفت: «داشتم به کلارا می گفتم که سرانجام ساعت به او می رسد. «مادرت که می دانست آن ساعت چه نقش مهمی در زندگی روزانا ایفا می کرده است، خیلی تحت تأثیر قرار گرفت. یاد می آید که مسیر ما به سمت قطار خیلی شلوغ و پرهیاهو بود و درست پیش از آن که شروع به حرکت کنیم معلوم شد که انگشت سبابه دست راست تو آسیب دیده است. واقعن صحنه هولناکی بود: انگشتت کبود و سیاه شده بود و چند زخم کوچک زشت و بدترکیب روی دستت دیده می شد. تو خیلی ساکت و آرام بودی ولی ما شک داشتیم که ارباب پاول حقه ستم کارانه تری در سر نداشته باشد. وقتی سوار قطار شدیم این قضیه باعث شد که تو به طور طبیعی کمی عصبی شوی. پس مادرت که امیدوار بود بتواند تو را سرحال بیاورد گفت: «خوب، که این طور کلارا، وقتی دخترعمو روزانا به بهشت برود، ساعت اسکلتی دوست داشتنتی اش را برای تو می فرستد. من نمی دانم که آیا تو از موضوع بهشت رفتن دخترعمو روزانا آن قدر ترسیدی یا از کلمه اسکلتی به هراس افتادی که به گریه افتادی و تقریباً یک حالت هیستریک پیدا کردی. من که دوست نداشتم تو را در حال گریه کردن در واگن قطار ببینم گفتم: «تو میدانی چرا دخترعمو روزانا این ساعت را دوست دارد؟ برای این که ساعت بیش از صد سال است که در حال تیک تاک کردن است و هرگز از کار نیفتاده است. ولی انگار این حرف من بیشتر تو را ناراحت کرد.»

کلارا با حالتی متمرذانه گفت: «خوب عمه ادی،

تردید داشت که آیا باید ساعت را از آن جا بیرون ببرد یا نه و پیش از آن که من پس از صرف چای آن جا را ترک کنم، نظرش عوض شد و تصمیم گرفت این کار را نکند چون این کار باعث می شد که ساعت بی خودی تکان بخورد و تلق تولوق راه بیاندازد. او گفت: «این که در نهایت چطور می شود ساعت را به خانه کلارا برد به من ارتباطی ندارد. من در طول زندگی خود چنین ریسکی نخواهم کرد.»

کلارا با تعجب پرسید: «به خانه من بیاید؟»

- «عزیزم، البته باید به این موضوع فکر کنیم.»
- «ولی منظورت از ساعت چیست؟ تو از کدام ساعت صحبت می کنی؟»

دوشیزه ادی دتر شروع کرد به چاپلوسی کردن، چپ چپ به برادرزاده اش نگاه کرد و بعد با ناراحتی رنگش قرمز شد انگار کلارا حرف بی ربطی زده است و سپس گفت: «چطور مگر؟ ساعت خودت - همان که برای تو گذاشته است. می دانی که مدام در حضور تو درباره آن حرف می زند. همان ساعت اسکلتی که تو این قدر دوستش داری. چرا خودت را به نفهمی زده ای؟ اگر دخترعمو روزانا بفهمد که این ساعت برای تو این قدر بی اهمیت است، خیلی ناراحت خواهد شد. دیروز بحث بر سر این بود که بهتر است این ساعت را از جای خودش حرکت بدهند یا نه و همین بحث، آن روز که تو آن لباس را پوشیده بودی دوباره تکرار شد...»

- «همان کت قرمز رنگم بله ولی چرا؟»

- «وقتی که ما از داخل درب باغ زمستانی به تو

عمه ادی گفت: «بله حالا می توانم ترا تجسم کنم که کت کوچک قرمز رنگت را که مثل کت مأموران بزرگراه است به تن کرده ای و در محوطه اطراف سندی هیل جست و خیز می کنی. فکر می کنم که تا آن موقع هرگز تو را این قدر شاد و سرزنده ندیده بودم. آن روز، یک روز زیبای ماه مارس بود. هوا گرفته ولی گرم و آفتابی بود و من و دخترعمو روزانا و مادر تو در باغ زمستانی نشسته بودیم و در باغ هم باز بود. هر بار که تو رقص کنان به انتهای محوطه، جایی که ما نشسته بودیم می رسیدی، طره موهایت را به سوی دیگر پرتاب می کردی و باز رقص کنان برمی گشتی. مادرت می ترسید که تو بیش از حد هیجان زده شوی. من می گفتم: «شاید اشتیاق او به خاطر این هوای بهاری است «ولی دخترعمو روزانا می گفت: «نه، حتمن به خاطر ساعت این قدر هیجان دارد. «هر سه ما پائین آمده بودیم تا روز را در آنجا بگذرانیم. پاول هم آمده بود و پیش دخترعمو مانده بود. من به خاطر نمی آورم در آن موقع او کجا بود. شاید باز بدعق شده بوده و همان دوروبرها می پلکیده.»

برادرزاده او، کلارا گفت: «من آن کت را به خاطر می آورم ولی آن روز را به یاد ندارم. چه چیزی شما را به یاد آن روز انداخت؟»

- «همان طور که می دانی، دیروز در سندی هیل بودم. آن ها دارند دو نفر دیگر از خدمتکارهای خانه دخترعمو روزانا را می برند. بنابراین او تصمیم گرفته است قسمت های بیشتری از خانه، از دم آن اتاق انتظار کوچک تا کتابخانه را تعطیل کند. او

اگر این طور که شما می‌گویید چنین اتفاقی افتاده پس حتمن مرا ناراحت کرده است. می‌دانم که در زمستان سالی که آن کت را به تن می‌کردم فقط شش سال داشتم. حالا سی‌ساله هستم. نباید توقع داشت یک نفر همه چیز را به خاطر بیاورد.»

عمه ادی با محبت به او نگاه کرد و گفت: «بله پیش از آن که تو از زندگی خودت چیزی به یاد بیاوری، من همه چیز تو را به خاطر دارم. البته من همیشه به تو علاقه داشته‌ام—درحالی که تو همیشه به خودت علاقه داشته‌ای. منظورم این نیست که با نا مهربانی بگویم تو نباید خودت را دوست داشته باشی. چرا که نه؟ تو یک شخصیت استثنایی هستی.»

- «فکر می‌کنم این فقط نظر شماست!»

عمه ادی با لحنی سرزنده تر گفت: «حداقل برای من! اگر یک کاری از تو بخواهم انجام می‌دهی؟ دفعه بعد که به سندی هیل رفتی با شور و علاقه درباره ساعت صحبت کن. بگذار دخترعمو بداند که تو چقدر انتظار این واقعه را می‌کشی.»

- «ولی این ممکن است کار بدی به نظر بیاید...؟»

- «چرا کلارا؟ تو میدانی که دخترعمو روزانا دوست دارد تو و پاول نسبت مالی کاملن طبیعی رفتار کنی. پس اگر می‌شود مسائل مربوط به پول را مطرح کرد، چرا نشود در مورد ساعت صحبت کرد؟ به خصوص که دخترعمو در ذهن خودش ساعت را متعلق به تو می‌داند؟»

درست است. مسئله باقی گذاشتن ارث کاملن جدی بود و هیچ چیز مزخرف و یاوه‌ای در رابطه میان روزانا دتر و دو وارث جوان او وجود نداشت. او از زمان کودکی آن‌ها به این مسئله اشاره کرده بود و آن‌ها را وارثان خود خوانده بود. سعی می‌کرد مرتب در منزل خود با آن‌ها دیدار کند و اصرار داشت که آن‌ها در مورد توقعات خود با او حرف بزنند و بحث کنند. او مدت‌ها قبل محتوای وصیت‌نامه خود را آشکار کرده بود و پیشنهاد کرده بود که همه بندهای وصیت‌نامه خیلی خوب و مشخص بیان شوند و برای این که عدالت برقرار شود، هیچ‌یک از موارد بدون صدور اطلاعیه تغییر داده نشود. جدا از ماترکی که برای امور خیریه در نظر گرفته شده و میراثی که برای خدمتکارهای قدیمی کنار گذاشته شده و ۵۰۰۰ دلار که به ادی دتر (که مشتاقانه اعلام کرد این مقدار خیلی زیادی است) اختصاص داده شده بود، قرار شد مابقی اموال روزانا به‌طور مساوی بین پاول آردین و کلارا دتر تقسیم گردد که به ترتیب پسر دخترعمه و دختر پسرعموی روزانا و نوه عمه-نوه دایی پدر و مادرهای یکدیگر محسوب می‌شدند. کلارا کودکی

که به مناسبت جشن ازدواج آن‌ها به سندی هیل دعوت شده بود، وقتی در هنگام دست‌به‌دست کردن عروس و داماد در کنار عروس که تاج بزرگی روی سر داشت ایستاده بود، از آنجا می‌توانست ببیند که پاول با رضایت غیرقابل وصفی خم شد تا چک پانصد پوندی‌ای را که روزانا برای ماه‌عسل به او هدیه داده بود، در کیفش بیاندازد.

دو سال بعد از این واقعه وقتی کلارا بیست‌و یک‌ساله شد، طالع خود را در شخصی به نام هنری هارلی یافت. هنری که پیش از آشنایی با کلارا از ازدواج کرده بود، ناچار شد به کلارا بگوید که هیچ چشم انداز روشنی برای تغییر شیوه زندگی خود و پیوستن به کلارا نمی‌بیند. هنری مرد ثروتمندی نبود و همسرش بی‌عیب و نقص بود. پرداخت نفقه او را فلج می‌کرد و او مستعد آن نبود که اجازه دهد تهمت و رسوایی بر شغلش خدشه‌ای وارد کند. کلارا تصمیم گرفت لجوج و خودسرانه مطابق احساساتش عمل کند و برای رسیدن به خواسته‌هایش امیدوارانه به دنبال راه‌حل بهتری باشد. در ضمن، فقر او که هیچ‌کس نمی‌توانست هیچ نامی روی آن بگذارد، همه چیز را دشوارتر می‌ساخت. شرایطی که رابطه آن دو تحت آن شکل گرفت، همواره برای هنری هشداردهنده و برای کلارا ستمگرانه بود. تاکنون نه سال می‌شد که وضع به همین منوال می‌گذشت و به همین دلیل بود که کلارا در سن سی‌سالگی هنوز مجرد مانده بود. با گذشت سال‌ها، کلارا به خاطر غفلت عمدی و تزلزل‌ناپذیر دخترعمو روزانا یا به دلیل تحمل مصمم او رفته‌رفته نسبت به دخترعمو روزانا حق‌شناس‌تر و سپاس‌گزارتر شده بود و پیش از آغاز جنگ، برای این که دیگر مرتب به سندی هیل نمی‌رفت خودش را سرزنش کرد. از زمان شروع جنگ به‌طور جدی مشغول کار شده بود. بسته شدن آن منطقه ساحلی هم سفر به لندن را محدود می‌کرد، البته سفر به لندن گاهی با ارائه درخواست دیدار با خانواده ممکن بود. تأثیر دخترعمو روزانا در محیط همسایگی‌اش آن قدر پرمایه بود که این روزها نمی‌شد از کسی انتظار داشت. موقعیت عمومی و خطرناک سندی هیل باعث شده بود که نتوان از خانه به‌عنوان یک بیمارستان یا پناهگاه برای کودکان استفاده کرد؛ تاکنون هیچ سربازی هم در آن جا به‌طور موقت ساکن نشده بود. بنابراین تا همین روزهای اخیر مستخدمین میان‌سال خانه هم در جای خود باقی مانده بودند.

قرار بود سندی هیل به پاول برسد و پاول قصد خود

خود را با مادر بیوه‌اش در یک‌خانه کوچک در ایلیینگ گذراند. پاول کودکی خود را با پدرش که دکتر چندان موفق نبود، در حومه یک شهر صنعتی گذراند. محیط اطراف هیچ‌یک از دو جوان مانند سرشت و مزاج آن‌ها قادر نبود آن‌ها را به سمت آینده‌ای مساعد و فرخنده رهنمون گردد. در ضمن، دخترعمو روزانا به آن‌ها هیچ مستمری یا هدیه‌ای نمی‌داد—با وجودی که گاهی اوقات کلارا که دختر با دقتی بود شک می‌کرد که روزانا بعضی بدهی‌های پاول که سررسید آن‌ها نزدیک بود را پرداخت می‌کرده است. دخترعمو روزانا که خودش تنها فرزند خانواده بود، از دیدن نزاع این دو تک‌فرزند جوان و بانشاط لذت می‌برد و خشنود می‌شد. این که آن دو در وراثت از دخترعمو روزانا شریک شده بودند، باعث می‌شد نتوانند با هم رابطه شاد و نزدیکی داشته باشند. پاول کله‌شوق، با آن سرگرد و کوچک خود، که ناگهان تغییر خلق و خو می‌داد، خونسرد می‌شد، و لاف می‌زد از یک‌طرف و کلارا با موهای بلوند دارای تارهای محکم و مرغوب، با ناز و تکبر پری‌وار خود از طرف دیگر، در هنگام بازدید از سندی هیل— که وقت تدارک عملیات زیرکانه علیه یکدیگر بود، به‌ندرت احساس آرامش می‌کردند. وقتی دخترعمو روزانا آن‌ها را بیرون می‌فرستاد تا بازی کنند (برای این که او قادر نبود هیچ‌یک از آن دو نفر را به مدت طولانی تحمل کند) مطمئن بود که هر دو آن‌ها به‌قدر کافی سرسخت هستند. دو کودک مانند دوتکه کاغذ سنباده نابود نشدنی روی هم ساییده می‌شدند. ممکن بود کسی فکر کند که هنگام انتخاب دو وارث هم سن و سال و از جنس مخالف، روزانا مانند دخترهای ترشیده دوست داشته خود را با یک داستان رومانتیک سرگرم کند و هدفش این بوده که آن دو نفر با هم ازدواج کنند و به همین خاطر خصومت آشکار آن دو نفر موجب خرسندی او می‌گشته چون می‌توانسته به‌منزله نخستین مرحله عاشقی باشد. ولی آن چه پیش آمد نشان داد که واقعیت غیر از این بود برای این که ازدواج پاول در سن بیست‌ودو سالگی باعث تعجب هیچ‌کس نشد و تأثیر بد و معکوسی نگذاشت. عجیب است که کلارا اصلن از این کار خوشش نیامد. برخلاف روزانا که تصمیم گرفت به این مسئله توجه نکند، کلارا به گستاخی معمولی پاول در این انتخاب پی برد. ادمه، عروس خوشبخت - مثل کلارا بلوند بود ولی از نوعی بسیار متفاوت—در همان نگاه اول می‌شد فهمید که او فقط یک حلقه دیگر از زنجیره بلند هوس‌های پاول است که پاول می‌توانست از روی عادت با او در شهر بگردد. هیچ خصوصیتی در ادمه وجود نداشت که نشان دهد او می‌تواند آخرین حلقه این زنجیر باشد. کلارا

کلازا جوابی نداد. دخترعمویش با بی‌صبری تکرار کرد: «الان چه کار می‌کنی؟»

- «می‌خواهم یک پشت‌دری را بازکنم. اشکالی ندارد؟»

- «نه ولی دوباره آن را ببند چون دیگر پریس و مارچانت اینجا نیستند که پس‌ازاین که تو اتاق را ترک کردی، دور اتاق برقصند و آن جا را تمیز کنند. میدانی که؟» ساعت اسکلتی که در نور روز شکل عجیب‌وغریب آن هویدا می‌شد به‌طور غیرقابل وصفی ترسناک بود. کلازا از درون شیشه ساعت به چرخ‌ها، دندانه‌ها، فنرهای ساعت نگاه کرد که محکم و پابرجا کار می‌کردند. در زنگ برافراشته ساعت که با لرزش محسوسی در انتظار پایان زمان بود، کلازا با خود اندیشید که نگریستن به آناتومی زمان کار هولناکی است. ساعت صفحه و صورتی نداشت. دوازده عدد آن به یک حلقه سیمی جوش داده شده بودند که حالا برای کلازا نمایان شده بود. وقتی نگاه کرد دید که دست ظریفی که مقابل صفحه‌ای بی‌زمینه قرار گرفته بود، یک... دو... حرکت خیالی کرد و به جلو رفت. همین کافی بود. اگر تا کنون حس نکرده بود، حال کم‌کم می‌توانست حس کند که سلامت عقل او در هریک ششم ثانیه که دور این تیک ناشنیده می‌گردد، یک درجه بیشتر رو به ویرانی می‌رود. کلازا که عقب‌نشینی می‌کرد، به دیوارهای اطراف اتاق انتظار نظر انداخت: مستطیل‌های تیره‌الگوی را دید که تابلوهایی از آن‌ها آویخته شده بود. می‌توانست به خاطر بیاورد کدام تابلو روی کدام مستطیل نصب شده بود. نام کتاب‌های موجود در قفسه کتاب‌های زیر ورقه‌ها را هم به خاطر داشت. ولی تا جایی که به یاد می‌آورد، قبلن هیچ‌وقت ساعت را ندیده بود.

وقتی کلازا به اتاق نشیمن بازگشت، دخترعمو روزانا گفت: می‌بینی که بعدازاین همه مدت هیچ آسیبی ندیده و هنوز خوب کار می‌کند.»

کلازا نیروهایش را جمع کرد و گفت: «منظور شما این است که همیشه همین‌طور بوده است؟»

- «نه منظورم این نیست. منظورم این است که با وجود بمباران آسیبی ندیده است. چون همان‌جا ایستاده، می‌توانیم امیدوار باشیم که تو را دیده که از اتاق خارج شده‌ای. می‌توانی این را یک امر بدیهی بدانی، همان‌طور که من میدانم. لازم نیست هر وقت که به اینجا می‌آیی سریع بروی که آن را ببینی.» اگرچه، دخترعمو روزانا چندان رنجیده‌خاطر به نظر نمی‌رسید، کلازا گفت: «واقعن نظرتان این است؟» و لبخند زد تا دخترعمو را

بستم. دخترعمو روزانا به دری در سمت چپ خود اشاره کرد و افزود: بنابراین خانه در این جا به پایان می‌رسد.»

- «می‌شود که بعدن آن را ببینم؟» دخترخاله روزانا خیره نگاه کرد: «البته اگر به گردوخاک علاقه داری.» چشمان او که همیشه برجسته بود، امروز بزرگ‌تر به نظر می‌رسید. در صورت و رفتارش چیزی بود که در نگاه اول کمتر موردتوجه قرار می‌گرفت ولی پس از چند لحظه تا مدتی توجه شما را به خود جلب می‌کرد و می‌توانستید با خود بگویید که آغازشدن یک پایان را به چشم خود دیده‌اید. در شصت‌وپنج سالگی، احساس می‌شد که این زن فربه در حال کوچک شدن است و با همان بی‌تفاوتی عظیمی که اتاق به اتاق خانه‌اش را تعطیل می‌کرد، از زندگی کنار می‌کشید. کلازا متوجه شد که اخلاق دیکتاتور مآبانه روزانا سرانجام رو به تحلیل می‌رود. با اینکه ناهار با حفظ بسیاری از آداب و تشریفات گذشته صرف شد ولی لذیذ و دلچسب نبود. املت تخم‌مرغ خشک‌شده بود و مثل لاستیک بود. حالت تحقیرآمیزی که دخترعمو روزانا هنگام خوردن آن داشت، بیشتر شبیه تحقیر ذائقه خودش بود که حالا دیگر نمی‌شد بر آن خرده گرفت.

وقتی ناگهان صدلی‌اش را به سمت آتش چرخاند با زبان بی‌زبانی گفت که میز را ترک می‌کند و میهمانش می‌توانست هر طور دوست داشت رفتار کند. کلازا هم مثل او بلند شد و یک‌راست به سمت دری رفت که از زمان بروز جنگ دیگر همواره بسته مانده بود. این راه او را به سمت در اتاق انتظار هدایت کرد و در اولین پیچ به سمت کتابخانه پیش برد. همان هنگام صدای ساعتی را شنید که همان‌طور که انتظار می‌رفت مرتب تیک‌تیک می‌کرد. پنجره فرانسوی اتاق انتظار بالا کشیده شده و بسته‌شده بود. فقط چند پرتو نور از سمت ایوان بر روی صدلی راحتی‌ای می‌افتاد که روی آن را پوشانده بودند و چند پرتو نور هم‌روی تخته‌ای می‌افتاد که روی قفسه کتاب‌ها قرار داده بودند و ساعت را بالای آن گذاشته بودند. حالا و فقط حالا کلازا می‌توانست سوسوی شیشه گنبد ماندی را ببیند که صدای تیک‌تاک از درون آن بلند می‌شد.

دخترخاله روزانا صدا زد: «آن جا دنبال چه می‌گردی؟ به دنبال ساعتی می‌گردی؟»

- «هنوز نمی‌توانم آن را ببینم.»

- «خوب تو باید بدانی که ساعتت چه شکلی است. خدا می‌داند!»

برای فروش آن را از کسی مخفی نکرده بود. به نظر او وقتی صلح روزهای خوش گذشته را بازمی‌گرداند، می‌شد سندی هیل را به یک نوان خانه خصوصی تبدیل کرد و خوب از آن استفاده کرد. درست است؛ خانه از ابتدا هم از برخی لحاظ شبیه یک موسسه بود، البته یک موسسه گران‌قیمت: خانه با دیوارهای سنگ چخماقی بلند در وسط باغ قرار گرفته و درختان بلوط سبز آن را احاطه کرده بودند و بر آن سایه می‌انداختند. خیابان به سمت پائین تپه پیش می‌رفت و از میان برج و باروهای همیشه‌سبز می‌گذشت تا به خیابان اصلی ببینوند که به یک تفریح‌گاه ساحلی ساده متصل می‌شد. سندی هیل را عموی بزرگ روزانا ساخته بود و روزانا در اواخر عمرش آن را همراه با ثروت قابل‌توجهی به ارث برده بود. خانه به نحو معقولی توسط درختان محصورشده بود و می‌توانست در امان از بادهایی که از جانب دریا می‌وزید در زیر نور آفتاب بیارامد. از روی بالکن، از سمت باغ زمستانی مجاور و از سمت پنجره‌های بزرگ طبقه بالا و پائین ساختمان، می‌توانستید، اگر این سرگرمی دوست‌داشتنی شما بود، از تماشای چشم‌انداز کانال بالای بیشه بلوط سبز لذت ببرید. در داخل ساختمان، اتاق‌ها با کاغذدیواری دارای گل‌های برجسته‌ابریشمی پوشیده شده و با تجهیزات قوی، خوب گرم می‌شدند. اتاق‌ها طوری طراحی شده بودند که شما از درون درگاه، آن‌ها را در یک ردیف با چهارچوبی از جنس کاج می‌دیدید. آن‌ها موزه‌ای از اشیاء هنری بی‌اعتبار درست می‌کردند که همواره تاکنون سالم و بی‌خدشه نگه داشته شده بودند.

در یکی از گودال‌های نزدیک زمین‌های اطراف خانه، دریاچه کوچکی قرار داشت که در بیشتر اوقات روز نوری بر آن نمی‌تابید. یک کوشک بر این دریاچه مشرف بود. از وقتی که کلازا برای آخرین بار به خانه آمد، بمبی بر این دریاچه فرود آمده بود که تنها بمب فروافتاده بر سندی هیل محسوب می‌شد. انفجار باعث شده بود حائل‌های پشت درو پنجره‌ها، پیچ‌خورده و از کوشک کنده شوند و به نحوی غیرقابل‌انتظار باغ زمستانی شیشه‌ای را که در غرب خانه قرار داشت، سربه‌سر نابود کنند... می‌شد گفت این روز که روز بازگشت کلازا بود و از گفتگوی او با عمه ادی زمان زیادی نمی‌گذشت، تقریباً امتداد وهم‌آلودی از خاطرات عمه بود. ماه مارس بود. هوا گرفته ولی گرم و روشن بود. کلازا و دخترعمو روزانا در اتاق نشیمن مخصوص صبح‌ها نشسته بودند. دخترعمو روزانا گفت: «همان‌طور که ادی حتمن به تو گفته، آن‌ها پریز و مارچانت را بردند و من هم در اتاق پذیرایی و کتابخانه را



تولد

به زن، به همه‌ی زنان وطنم

بی‌راه و بیگانه
سر درگم هزار غم خرد، عابران،
آنان که بایدت به کمک می‌شتافتند،
آرام سوی خانه و کاشانه می‌شدند.
ای وای از آن جدائی و این جرئت
فریاد از این جنون شجاعت.
گیل آوا!
ای خوشه‌ی شکسته‌ی سرخ انگور
آهای درخت خون!
گیل آوا!
اینک بگو به ما
تا با کدام اشک، رشادت را
ما شست و شو کنیم!
چونان ترا کجا
ما جستجو کنیم؟!
ای بر توأم نماز
ای بر توأم نیاز هزاران هزارها
تکرار شو
بسیار شو
ای مرگ تو تولد زن در دیار من
یکتای من، خجسته، گیل آوا

گیل آوا!
ای کودک کرانه و جنگل
ای دختر ترانه و ابریشم و بلوط
از کوره راه دامنه و ده
با ما بگو که بوی چه عطری
یا بال رنگ رنگ چه مرغی ترا کشاند
تا پایتخت مرگ
چشم که خفته بود که چشمانت
راه از ستاره جست؟
دست که بسته بود که دستانت
از میخ‌های کلبه ربود آن تفنگ پر؟
گیل آوا!
ای روشنای چشم همه خانوار رنج
بی‌شمع و شیچراغ
در پیش، چون گرفتی این راه پرهراس
و آن گاه با کدام نشانی
بر خلق در زدی که جوابت نداد خلق؟
وقتی گلوله‌ی تو به بن بست کوجه‌ها
بر چشهی جنایت
دندان ببر بود که در گوشت می‌خزید
وقتی فشنگ آنان
در قامتت بهاری در خاک می‌کشید

نرنجانده باشد.
- «مگر این که تو وقت خواب راه بروی و هنگام
روز بخوابی، که در این صورت بهتر است به
پزشک مراجعه کنی. - آیا تا به حال باغ زمستانی
را دیده‌ای؟»

- «هنوز نه، من -»

- «آن جانبست-راستی لازم است ببینی که از آن
ساعت مراقبت می‌شود. باید از همان مردی که از
ساوث استون رفته بخوایم آن را برای بیست و چهار
سال کوک کند. حالا دیگر او از ساعت مراقبت
می‌کند... از وقتی که آن تعمیرکار قبلی بدبخت -
اتفاق بسیار تکان‌دهنده‌ای بود! - و تازه... یک چیز
دیگر: حواسات خیلی به پاول باشد، وگرنه قبل از
این که بتوانی جم بخوری، ساعت را برای خودش
برداشته. اگر چه تو نیازی نداری که من این چیزها
را به تو بگویم!»

کلارا بهت زده گفت: «نه، نه، البته که نه، دختر عمو
روزانا... او خیلی دوستش دارد.»

روزانا با نگاه خیره و معنی‌داری گفت: «به همان
دلیلی که ما می‌دانیم... اصلن میدانی کلارا، با
توجه به همه این پیش‌آمدها، تو نباید از دست
پاول ناراحت باشی. او فقط می‌خواسته کمی
سرگرمی داشته باشد. آخی... عزیزم... خیلی
خنده‌دار بود، باید بگویم که من هم خیلی
خندیدم. حالا می‌توانم تو را مجسم کنم -»

- «من همان کت سرخ‌رنگ را پوشیده بودم؟»

- «سرخ‌رنگ؟ خدای من... نه، حداقل امیدوارم
که آن کت را نپوشیده باشی: اگر در سن
چهارده سالگی لباس سرخ‌رنگ می‌پوشیدی خیلی
چاق نشانت می‌داد. نه این‌طور نبود. وقتی که آنجا
ایستاده بودی و آن شیء شیشه‌ای روی سرت
بود، هر کس دیگری جای تو بود دو برابر آن به
نظر می‌رسید. اگر چه - من گفتم:» خوب دیگر،
بس کن پاول، این‌طوری نمی‌تواند زیر آن شیشه
نفس بکشد: آن را از روی سرش بردار. «دختر عمو
روزانا که امروز برای اولین بار از ته دل شاد شده
بود، نتیجه‌گیری کرد که:» البته کار سختی است،
گفتنش راحت است. «بعد اخلاقیش عوض شد.
عبوس و ملول به کلارا نگاه کرد و گفت:» گفتمی
می‌خواهی یک دوری بزنی؟ حالا که این‌طور
می‌خواهی، بهتر است بروی.» / ادامه دارد

توضیح: جهت شنیدن این داستان با
صدای مترجم، خانم مریم حسینی، به
لینک مربوطه روی سایت هفته مراجعه
کنید .

خال قهوه‌ای

کودکی که در کوچه‌ی ما به دنیا آمد یک خال قهوه‌ای یا یک چیزی شبیه یک ماه‌گرفتگی روی کتف پیش داشت، البته کسی اهمیت نمی‌داد، همه تبریک می‌گفتند و مراتب خوشحالی و شغفشان را به سمع و نظر مادر و پدر کودک می‌رساندند، حتی یکی از مراجعه‌کنندگان گفت بهتر است به میمنت تولد این عضو جدید خاندان، یک جشن درخور برگزار کنیم!

اما من همه‌اش حواسم به آن خال قهوه‌ای بود، به شکل عجیب خال، که مثل سر یک بز بود با یک شاخ بلند و یک شاخ کوتاه!

حتی از روی خطوط بدن کودک می‌توانستم بدن بز را در ذهنم ترسیم کنم، یک بز نجدی بلندقامت با گوش‌های آویزان، تعجب می‌کردم چرا کسی متوجه این موضوع نشده بود، به نظرم بجای مزخرف‌گویی و تعارفات مسخره‌ی تکراری، می‌شد و باید، در مورد خال قهوه‌ای کودک تازه بدنیا آمده حرف می‌زدیم، همه! مادر و پدر کودک باید در بحث شرکت می‌کردند و توضیح می‌دادند که چرا و چطور چنین طرحی به‌وجود آمده آنهم روی کتف چپ!

آقای مظفری البته کمی مضطرب بود، خانم مظفری چیزی در گوش آقای مظفری گفت و رفت، آقای مظفری هم گفت که باید برود اما قبل از رفتن تاکید کرد که اذان و اقامه‌ی جفت گوش‌های بچه با من! یعنی خودش! و رفت!

من هنوز کمی گیج بودم یادم هست هنوز برای حرف زدن در بین آشنایان احساس می‌کردم باید دستم را بلند کنم، وضعیت بدی بود چون همین دیروز توی مدرسه زیر بغل کاپشنم پاره شده بود و من دوست نداشتم موقع حرف زدن در مورد موضوع جدی خال قهوه‌ای کتف چپ بچه، پارگی زیر بغلم را همه ببینند، از طرفی هم نمی‌توانستم بفهمم چرا کسی حتی اشاره‌ای گذرا به موضوع خال و بز و شاخ کوتاه و بلند نمی‌کند، پیش خودم فکر کردم شاید کسی خال را ندیده یا درک صحیحی از شکل خال ندارد، و باز پیش خودم فکر کردم کسانی که موضوع به این واضحی را نمی‌توانند ببینند حتما پارگی زیر بغل من را هم نمی‌توانند ببینند!

لبخندی بر لبانم نشست، دستم را بلند کردم و گفتم ببخشید! روی کتف بچه شکل سر یک بز هست که یک شاخ کوتاه و یک شاخ بلند دارد!

سکوت شد! یک سکوت بد! از آن سکوت‌ها که می‌توانی سنگینی‌اش را روی شانه‌هایت حس کنی!

مادر کودک اما سکوت را شکست و با چهره‌ای برافروخته همانطور که مرا به بیرون هدایت می‌کرد و در عین حال سعی می‌کرد دست راستم را که هنوز بالا گرفته بودم به سمت پایین فشار دهد گفت:

شما اول اون حرفه‌ی زیر بغلت رو بدوز بعد در مورد شکل خال روی کتف پسر من حرف بز!

و من آنجا فهمیدم حرف نزدن لزوماً به معنی ندیدن نیست!



ماجرای من و میکائیل

بخش ۴

نزدیکای صبح از خواب پریدم. دیدم دست راستم بی حس و سوزن سوزن می‌شه. هوا گرگ و میش البته مایل به میش بود. تلویزیون هم همینجوری برای خودش داشت فیلم پخش می‌کرد. عینک رو صورتم نبود. چشمهایم را چلاندم ببینم چه فیلمی است. دیدم فرانک آندروود از سر شب تا الان از وایس پریزیدنتی شده رییس‌جمهور آمریکا. یه فحش دادم و کورمال کورمال گشتم دنبال کنترل که یه صدایی از پشت کاناپه گفت اینجاست! برگشتم پشت سرم را نگاه کردم. دیدم سه تا نره خر نشستن پشت میز نهارخوری و چیزمیز می‌خورند، مخم کار نمی‌کرد! یه فحش دیگه دادم. از اولی محکم‌تر.

قبل از اینکه چیز دیگه‌ای بگم اسرافیل گفت: سریال جالبی بود دلمون نیومد خاموشش کنیم یه روز می‌آیم از اول سر حوصله همشو دنبال می‌کنیم! آپولو از جا بلند شد و گفت: «بچه‌ها تخم‌مرغ عسلی می‌خورید یا «ول‌دان»؟! میکائیل گفت: «قربون دستت حالا که پاشدی یه بسته نون لواش هم از تو فریزر دربیار بذار گرم شه!»

اسرافیل گفت: «عجب جلبیه این پدر سوخته کوین استیسی، منو یاد جبریل می‌ندازه.» هنوز جمله‌اش تمام نشده بود میکائیل یه سقلمه بهش زد، یعنی خفه!

آپولو یه نگاهی به میکائیل و اسرافیل انداخت اما چیزی نگفت. اسرافیل تلاش کرد سوتی که داده بود درست کنه گفت: «مرد واقعی به این میگن!» آپولو طاقت نیاورد گفت: «آره اگر منم مادر مسیح را ... الان مرد واقعی بودم!» میکائیل گفت: «خفه شید همتون بابا می‌خوایم یه لقمه گوه بخوریم پاشیم بریم دنبال بدبختی‌مون.»

اسرافیل گفت: «کنترل کجاست جای حساسش رو نفیمدم چی شد!» میکائیل گفت: «نمی‌خواد بابا! پاشیم بریم خیلی کار داریم.» آپولو گفت: «نون داغ کردم!» اسرافیل گفت: «بده این بهروز بدبخت بخوره، گشنت همیشه!»

سر ایکی ثانیه آماده شدن برن. برگشتم به اسرافیل گفتم کوین اسپسیسی! ... اسمش کوین اسپسیسی نه استیسی! رفتن...! / ادامه دارد

بازیگران زن در انقلاب زنانه‌ی ایران گزارشی از بی‌حجاب اسلامی شدن زنان بازیگر در خیزش انقلابی اخیر



هنرپیشه و خواننده سرشناس فرانسوی دیگر در حمایت از مردم ایران موهای خود را قیچی کردند. بینوش فیلم این گیسوبران را در حساب اینستاگرامش گذاشت و نوشت: «در همبستگی، برای حق آزادی برای زنان و مردان ایرانی.» از جمله بازیگرانی که در این ویدئو هستند می‌توان از: ایزابل آجانی، جین بیرکین، شارلوت گینزبورگ، ایزابل هوپیر، ایزابل کاره، باربارا پروای، ژولی گایه، آنجل خواننده نام برد.

در کشور ایتالیا کارزاری راه افتاد تا زنان بخشی از گیسوان خود را ببرند و برای سفارت‌خانه جمهوری اسلامی بفرستند و به این‌گونه سفارت‌خانه‌ی جمهوری اسلامی در رم مورد هجوم نامه‌ای موی زنان ایتالیایی قرار گرفت و بهترین پیام همبستگی از انقلاب زنان ایرانیان را به گوش حکومت خشن و تروریست جمهوری اسلامی رساند.

در ترکیه علاوه بر زنان بی‌شماری که در کلیپ‌های مختلف موی خویش قیچی کردند و احزاب سیاسی و فمینیست که به حمایت خیزش انقلابی زنان ایران گردهم‌آیی تشکیل دادند و تظاهرات کردند. خواننده و هنرمند شهیر اهل ترکیه، ملک موسو، در حین اجرای کنسرت، موهای خود را در حمایت از زنان ایران قیچی کرد. شمار زیادی از بازیگران، خواننده‌ها و فعالان حقوق زنان در ترکیه نیز در یک هفته گذشته، به مرگ مهسا امینی و نادیده گرفته شدن حقوق زنان در ایران واکنش نشان دادند.

زنان اهل ترکیه بسیاری در حمایت از زنان ایرانی صدای رسای خودشان را بلند کردند و بیانیه دادند و گیسو بریدند کسانی مانند: الیف شافاک، نویسنده، ماهسون، ابرو گوندش و حدیثه، خواننده، هولیا ازمیر، نقاش و بازیگرانی چون پینار دنیز، ادا اجه، نورگل یشیلچای، دمت اوزدمیر، گوکان آلکان، بورجو بیربیک، بیرجه آکالای، بوراک دنیز، نسیم‌لهان یلدان، صدا باکان، داملا سونمز، طوبا بویوکاوستون، آکین

شده باشد. البته ناگفته نماند که محمدعلی طاهری پس از چندین سال زندان زیر حکم اعدام سرانجام آزاد شد و اکنون در تورنتو زندگی می‌کند.

وقتی پگاه آهنگرانی بازیگر جوان و مشهور ایرانی برای هیئت داوری جشنواره فیلم متا در دوی برگریده شد کسی تصورش را نمی‌کرد بدون حجاب اسلامی برای دادن جایزه روی سکو برود. حضور بدون حجاب اسلامی او با لباس ساده‌ی سیاه، ولوله‌ای در بین حکومتی‌ها بر پا کرد و قطعی شد که پگاه آهنگرانی که زیر حکم است و هر لحظه به جمهوری اسلامی باگردد دستگیر خواهد شد دیگر قصد بازگشت به «جمهوری اسلامی ایران» را ندارد.

برای این که اهمیت این موضوع را درک کنیم به یاد بیاوریم این‌ها برای آن که بتوانند زن غیرمسلمانی را بی‌حجاب نشان دهند کلی هزینه می‌کردند تا به کشور غیراسلامی بروند و بازیگر زن غیرمسلمان در فیلم‌های‌شان بازی کند تا فروش‌شان بالا برود یا وقتی رابعه اسکویی بازیگر سینما و تلویزیون به ترکیه رفت و در چند سریال تلویزیونی بدون حجاب بازی کرد و دعوای جناحی رژیم بالا گرفته و معامله‌شان با «جم تی‌وی» به هم خورد و او مجبور به برگشتن به داخل کشور شد مجبورش کردند به مشهد برود و مانند فیلم فارسی‌های قدیمی آب توبه بر سر خود بریزد و دیگر البته در سینما بازی نکرد و تنها در فیلم‌های امنیتی مانند گاندو در تلویزیون دیده شد.

وقتی دیگر تک‌توتوک این‌سو و آن‌سو زنی بدون حجاب اسلامی در ایران، یا خارج از ایران آن‌هایی که تا پیش‌ازاین عکس بدون حجاب خود را منتشر نمی‌کردند، دست به انتشار عکس بدون حجاب خود زدند بازیگران سایر کشورها مانند دوی امدادی شروع کردند به قیچی کردن موی خود و کلیپ‌های گوناگونی از آن‌ها منتشر شد.

ژولیت بینوش بازیگر شهیر فرانسوی، به همراه ده‌ها

انقلاب اخیر مردم ایران را در جهان به انقلاب زنانه می‌شناسند. این شهرت به این دلیل نیست که مردان در آن حضور ندارند به این دلیل ساده است که با طغیان زنان علیه حجاب و با رمز ژینا (مهسا) امینی آغاز شد و شعار محوری آن «زن، زندگی، آزادی» است. در همان آغاز شکل‌گیری زنان با بریدن موی خود نشان دادند که عزم‌شان را جزم کرده‌اند تا موی که ابزار قتلشان شده است را قیچی کنند و بدون حجاب اسلامی به خیابان‌ها آمدند و سنتی دیرینه را بیدار کردند و در سراسر جهان صادر کردند. زنان بازیگر با کمی تأخیر به این جنبش پیوستند اما نقش بسیار مثبتی داشتند برای جهانی کردن آن.

نخستین بازیگری که عکس خود را بدون حجاب اسلامی منتشر کرد کتایون ریاحی بود که بعد هم با وزیر ارشاد یکی به دو کرد و به او گفت برود دنبال شغل شرافتمندانه‌ای بگردد که نیمه‌شب نیروهای امنیتی به خانه‌اش ریختند و از آن پس اخبار ضدونقیضی از او منتشر شد از این که در بیمارستان روانی بستری شده است تا این که هنوز در چنگ نیروهای امنیتی است.

نخستین بازیگری که بدون حجاب اسلامی جلوی دوربین آمد و موی خود را هم با قیچی کوتاه کرد «آبان عسکری» بود. او اندکی بعد ویدئو دیگری از خود منتشر کرد که به دلیل فشارهای آمده بر او خواهان لغو پاسپورت و ملیت ایرانی خود شد و چون چند سال پیش محمدعلی طاهری بنیان‌گذار «مؤسسه عرفان حلقه» که در دهه ۱۳۸۰ خورشیدی بسیار گسترده شد و پیروان زیادی پیدا کرد و سرانجام طاهری دستگیر شد به اعدام محکوم شد و او درخواست کرد بتواند ملیتش تغییر دهد گفتند که «آبان عسکری» از پیروان او بوده است به‌رحال پس‌ازآن هیچ خبری از او منتشر نشده است و معلوم نیست به چه سرنوشتی دچار شده است. احتمال دارد تحت‌فشار نیروهای امنیتی توسط همسرش محمد کارت به سکوت وادار



بی شک چنین است اما اسم مهم نیست این مسمی (مسمّا) که یکی است. آینده ایران را نمی توان به طور قطع پیش بینی کرد اما یک چیز قطعیت کامل دارد بی شک تاریخ به عقب بر نمی گردد و دیگر هیچ چیز مثل سابق نمی شود لخت بودن «رهبی» بر همه آشکار شده است و این مردم دیگر نمی توانند حکومت دیکتاتوری را بپذیرند. جمهوری اسلامی از آبان ۹۸ مُرد و اکنون این مجلس ختم آن است که دارد برگزار می شود.



پروانه والی

این مقاله توسط
خانم دکتر
پروانه والی
مدیریت داروخانه

World در تورن هیل پشتیبانی شده
است.

ایمیل: Parvaneh.vali@gmail.com

تلفن: ۹۰۵۵۹۷۵۱۵۰

فکس: ۹۰۵۵۹۷۵۱۵۳

نشانی: World on Yonge



درباره نویسنده:

مصطفی عزیزی،

کارگردان،

تهیه کننده و

نویسنده سینمایی

است.



پهن کنند و او را موجب افتخار ایران و ایرانیان بدانند. اما زن بودن در جمهوری اسلامی یعنی ناموس مردان حاکم بودن و آن ها بر نمی تابند که ناموس شان در کنار مردان اجنبی ظاهر شود که باید در خانه بنشینند و مردان پای روی آن ها گذارند و به معراج بروند. گلشیفته به جای راه رفتن روی فرش قرمز پشت میز بازجویی رفت و نه تنها قهرمان نشد که به ضدقهرمانی که آبروی زن ایرانی مسلمان را برده است تبدیل شد. او را ممنوع الخروج کردند و نتوانست در فیلم بعدی که قرار بود در آن بازی کند به ایفای نقش بپردازد و سرانجام به هزار زحمت از کشور خارج شد و بقیه ماجرا را هم که می دانید. گلشیفته فراهانی به یکی از مشهورترین بازیگران ایرانی در هالیوود تبدیل شده است و صدای رسای زنان ایرانی است.

هنگامی که از زهرا امیرابراهیمی فیلم خصوصی اش توسط یکی از مردان بازیگر تغاتر منتشر شد و به یک موج بزرگی دامن زده شد امیرابراهیمی که تازه مشهور شده بود با عوض شدن جای قاتل و مقتول مجرم شناخته شد و مجبور شد کشور را ترک کند و دوباره از صفر شروع کند تا جایزه ی بهترین بازیگر زن را از کن بگیرد جایزه ای که تاکنون هیچ زن بازیگری از ایران نگرفته است.

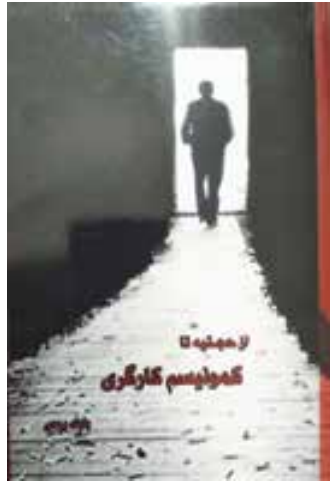
شبم طلوعی هم به دلیل این که پدرش بهایی بود و از او خواسته بودند تا پدرش را انکار کند و نکرده بود مجبور شد ترک دیدار کند و در غربت با سعی تلاش کارنامه ی کاری خود را پربارتر کند.

حالا همه ی زنان بازیگر مستقل و غیرحکومتی به هم رسیده اند حتا نازنین بنیادی که در ایران به دنیا آمد اما در بریتانیا بزرگ شد نیز به این جمع پیوسته است. دهها و صدها نام دیگر از هنرمندان و کنشگران سیاسی و فعالین حقوق بشری را می توان اینجا ردیف کرد. ممکن است نام هایی از قلم افتاده باشد که



آکینوزو، جمره باسیل، آیتاچ شاشماز، کرم بورسین، چاعلار ارطغرل، ابرو شاهین، آسلیهان مالبوراه هانده ارچل و بسیاری دیگر. متأسفانه مردم ترکیه با انفجارهایی که بنام داعش در آن جا صورت گرفت خسارت این حمایت خود را دیدند و هنوز این عملیات تروریستی و بمب گذاری ادامه دارد هیچ بعید نیست این حملات تروریستی از سوی جمهوری اسلامی و به نام داعش انجام شود درست مانند حمله ی شاهچراغ در شیراز.

در مناطق مرزی سوریه و ترکیه نیز زنان کُرد به حمایت خیزش انقلابی مردم ایران گیسو بریدند و همین طور در تمام قاره ها از شرق و غرب جهان زنان بسیاری به حمایت از زنان ایرانی گیسو بریدند و اوضاع داشت از این حیث عادی می شد که ترانه علیدوستی بازیگر مشهور بدون حجاب اسلامی در خیابان ظاهر شد و در اینستاگرامش با گرفتن تابلوی «زن، ژیان، نازادی» و سری بدون حجاب اسلامی موج جدیدی به راه انداخت و دومینوزن زنان بازیگر دیگری شروع به انتشار عکس های بدون حجاب اسلامی خود شدند. این که زنان ایرانی بدون حجاب اسلامی در مجامع ظاهر شوند برای حاکمان ایران خط قرمزی ست که نباید رد کرد. بازیگر ارزشمندی مانند سوسن تسلیمی را آن قدر آزار دادند که ترک خانه و کاشانه کرد و به سوئد رفت و البته آن جا به پیشرفت هایی دست پیدا کرد بعد نوبت گلشیفته فراهانی شد وقتی آوازه ی شهرت گلشیفته جهانی شد ریدلی اسکات او را برای بازی در فیلم سینمایی «یک مشت دروغ» یا «مجموعه دروغ ها» (Body of Lies) برای بازی در کنار لئوناردو دی کاپریو و راسل کرو انتخاب کرد و گلشیفته در نقش «عایشه» پرستاری که مستقیم با دی کاپریو بازی داشت ظاهر شد. با چنین سرمایه ای به ایران برگشت و شاید انتظار داشت برایش فرش قرمز



عنوان کتاب: از حجتیه تا کمونیسم کارگری
نویسنده: بابک یزدی
ویراستار: ناصر اصغری
ناشر: کانون خاوران
تاریخ چاپ: شهریور ۱۳۹۳

بابک یزدی نویسنده کتاب «از حجتیه تا کمونیسم کارگری: فعال و مدافع زندانیان سیاسی، از بنیان‌گذاران سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران و کانون خاوران، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری و دبیر کنونی این حزب در شرق کانادا است.

این کتاب دارای ۲۳۶ صفحه است که شامل یادداشت‌های پراکنده‌ی یک فعال سیاسی تبعیدی است که به مناسبت‌های مختلف نوشته شده است و شامل بخشی از خاطرات، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و نوشته‌هایی است که در سال‌های اخیر در سایت‌ها، نشریات و روزنامه‌های مختلف به چاپ رسیده است.

بابک یزدی بخش اول کتاب را این‌گونه شروع می‌کند: انسان با خدا متولد نمی‌شود، ولی در بسیاری از موارد شرایط زمانی-مکانی در او تأثیری فراوان دارد. من هم مثل خیلی‌های دیگر نه تنها پدر، مادر، زبان، محل تولد، رنگ پوست و... را خودم انتخاب نکردم بلکه علاوه بر این‌ها خدا و مذهب و خرافات هم از خانواده و محیط به من تحمیل شد و متأسفانه ۲۳ سال طول کشید تا توانستم خودم را از این قید و بندها و خرافات آزاد کنم. این کتاب روی سایت آمازون قابل دسترسی است.



عنوان کتاب: نگاه این جهانی
عنوان دوم: در دفاع از سکولاریسم اخلاق و سیاسی
عنوان به زبان اصلی:
 The secular outlook In defense of Moral and Political Secularism

نویسنده: پل کلیتو Paul Cliteur
ترجمه: برزو نابت
چاپ نخست به انگلیسی: ۲۰۱۰
چاپ نخست به فارسی: بهار ۱۴۰۱
ناشر: سرای بامداد- تورنتو

کتاب «نگاه این جهانی» در ۴۳۰ صفحه است و دارای ۴ بخش که عبارتند از:
 (۱) خداناباوری، ناشناس انگاری، خداباوری
 (۲) آزاداندیشی، یک: سنجش دین
 (۳) آزاد اندیشی، دو: آزادی بیان
 (۴) سکولاریسم اخلاقی و سیاسی
 هر بخش شامل جستارهایی است که به صورت کامل بسط و گسترش داده شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

پل لکیتور (زاده ۱۹۵۴ آمستردام) استاد دانشگاه در فلسفه و حقوق و کوشنده سیاسی است. او همزیستی خدا ناباوران و خداباوران را تنها در سایه سکولاریسم شدنی می‌داند. در پیش‌گفتار اشاره می‌کند «نگاه این جهانی» می‌کوشد نشان دهد که سکولاریسم تنها سلسله‌ای از قاعده‌ها و تدبیرهای بنیادین قانونی نیست بلکه یک جهان‌بینی است، مجموعه‌ای است از گزاره‌های اخلاقی، تصویری است از زندگانی نیکو-زندگانی‌ای نیکو، که بدون توسل به موجودی فرا طبیعی بتوان آن را زیست.

برزو نابت مترجم «نگاه این جهانی» و نویسنده «جای پای مردم شوریده، در هوای آفتاب» و کتاب‌های دیگری است که هم اکنون در هلند زندگی می‌کند.

این کتاب قابل دسترسی در کتابفروشی سرای بامداد در تورنتو است.



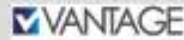
فروشگاه دانیکا افتتاح شد

انواع آجیل و محصولات ایرانی، برنج، کنسرو، سبزیجات خشک
انواع چای و دمنوش ایرانی



با قهوه و شیرینی
مهمان ما باشید

5571 Boul. de la Verendrye Montreal, QC H4E 3R6



همراه با شما در خرید آگاهانه
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

آتوسا تنگستانی فر

مشاور املاک و متخصص وام مسکن

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041

atosa.tfar@gmail.com

8290 Boul. Décarie # 150
Montreal, QC H4P 2P5



بهروز باباخانی

Behrooz Babakhani

مشاور رسمی وام مسکن،
بیمه و برنامه‌های بازنشستگی

با بیش از ۱۴ سال سابقه موفق
در زمینه تهیه وام مسکن
در استان کبک

Mortgage Broker &
Financial Security Advisor

Behrooz@Babakhani.ca

514-606-5626



محمد تائبی

مشاور بیمه

• Mohammad Taebi

Personal-lines Damage Insurance Broker, MIA

• بیمه منزل

• بیمه موتور

• بیمه اتومبیل

• بیمه مالکان خانه در برابر

کلاهبرداری

بهترین بیمه‌نامه را از

بین شرکت‌های مختلف بیمه می‌خواهید؟

با من تماس بگیرید!



514-866-BIME

800-361-1321 Ext:321



Mohammad.Taebi@jgfortin.com



Agence Immobilière
GROUPE IMMOBILIERE
LONDONO
REALTY GROUP INC



شهرام والقان

کارشناس املاک مسکونی

- ✓ خرید، فروش، اجاره، پیش فروش و پیش خرید هوشمندانه
- ✓ کمک به فروش خانه شما در کمترین زمان و بیشترین قیمت
- ✓ مشاوره جهت سرمایه‌گذاری مطمئن املاک
- ✓ ارزیابی رایگان ملک شما
- ✓ تسلط به زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ترکی

(438) 402-9363

📞 Shahram.alamshahi
📧 Shahram_realtor
✉️ shahram@londonogroup.com



ROYAL LePAGE
Du QUARTIER
AGENCE IMMOBILIÈRE

نازک سلیمانپور

مشاور رسمی املاک مسکونی در استان کبک

- ارزیابی رایگان ملک برای فروشندگان
- مشاوره رایگان برای خریداران
- همکاری با تیم حرفه‌ای جهت اخذ وام مسکن

(438) 872-7373

Nazak Soleimanpour

Courtier Immobilier Résidentiel
Residential Real Estate Broker

✉️ soleimanpournazak@royalpage.ca

Office: 6971 Ch. Côte-de-Liesse, #C, Montréal (St-Laurent), QC H4T 1Z3



وکیل رسمی دادگستری کبک

Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



Riahi Legal

نیوشا ریاحی

WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونتreal

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

آنچه رویای شماست، تلاش من خواهد بود

مشاور املاک مسکونی و تجاری

خریده، فروش، پیش فروش و اجاره کلیه املاک
مسکونی، تجاری و صنعتی
خرید و فروش بیزنس ها
کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ بهره
همراهی در کلیه امور مربوط به محضر



هلیا حارثی دوست

(514) 996-1065

helia_realtorIntl

helia@londonogroup.com

GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

Proxim

داروخانه پروکسیم شادی کبک



بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

در خیابان سن لوران

PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK



دلیوری رایگان به منزل شما
در سراسر منطقه مونتreal بزرگ، لاول و ساوت شور

دسترسی شما به دارو همه روزه
و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

Tel: (514) 288-4864

Fax: (514) 288-4682

4084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8

kabakc@groupeproxim.org



22' *We say her name at each game: Mahsa Amini*

تريبون
آزاد
هفته

آیا تجربه حکومت مذهبی امری اجتناب‌ناپذیر بود؟

مروری کوتاه بر چرایی شکل‌گیری حکومت اسلامی در ایران

از انقلاب مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷ پای ثابت این جنبش‌ها بودند، با صدور فتوا، بیانیه و اعلامیه سعی در گره زدن اهداف سیاسی این خیزش‌ها به مذهب داشتند. بعدها با ظهور روشنفکران مذهبی نظیر علی شریعتی معجونی تازه از مذهب و مارکسیسم پدید آمد. چپی‌های مخالف سلطنت پهلوی با وجود اعتقاد به مارکسیسم همچنان تحت تأثیر تربیت سنتی ایرانی، دل در گرو مذهب داشتند. این دلدادگی ایرانیان به مذهب باید در قالب حکومتی مذهبی و در عمل برایشان میزان اعتبار باورشان را محک می‌زد. نتیجتاً در انقلاب ۱۳۵۷ اتوپیای یک نظام سیاسی که هم جمهوری باشد تا به سلطنت دوهزاروپانصدساله خاتمه دهد و هم توأم با مذهب باشد در قالب جمهوری اسلامی متبلور شد. این همان تجربه‌ای بود که اروپاییان تاوانش را در دادگاه‌های تفتیش عقاید پرداخته بودند و حال ایرانیان نیز باید تجربه مشابهی می‌کردند تا این بدهی تاریخی را تسویه نمایند. اینکه چرا سایر کشورهای خاورمیانه چنین تجربه عملی را کسب نکردند دو دلیل عمده دارد. نخست اینکه پیشرفت‌های نسبی ایران در عصر پهلوی اعتمادبه‌نفسی کاذب در مخالفین او ایجاد کرد که بتوانند بدون اتکاء به استراتژی شاه و در قالب نظامی غیرسلطنتی پیشرفت‌ها را دوچندان کنند. نباید در این اثنا تأثیر شوروی به‌عنوان قطب مارکسیسم را نادیده گرفت که برای نفوذ در بین ملت‌ها بذر کینه علیه حکام متحد با غرب را در دل مردمشان می‌کاشت. دوم اینکه ماهیت تشیع در ایران عنصر جداکننده‌ای بود که بیش از مذاهب دیگر در پی تحکیم قدرت سیاسی تحت عنوان

ایالات‌متحده از لاک الهام گرفت. در روزهایی که اروپا وارد عصر تازه‌ای در جهان‌بینی و صنعت شده بود، ایران درگیر جنگ با روس‌ها بود و خرافه‌گرایی و تاجر دربار قاجار لشگریان ایران، که روزگاری فاتحان بی‌رقیب شرق بودند را به مقهوران جنگ بدل کرد. اولین اعزام دانشجو از ایران به اروپا در عصر ولیعهدی عباس میرزا روی داد که باب اندیشه‌های نوین را به ایران گشود. استمرار چنین اقدامی در صدارت اندک امیرکبیر سبب ورود و ظهور اولین طیف از روشنفکران ایرانی شد که سهم بسزایی در مشروطه‌خواهی داشتند اما بیان همه اصول مقبول عصر روشنفکری ایشان را با خطر تکفیر از جانب مراجع مواجه می‌کرد. از این رو جرقه‌های روشنفکری مذهبی در ایران زمانی زده شد که روشنفکران برای تظهير آراء و افکار خود مجبور به ترکیب مذهب با دستاوردهای فکری و صنعتی غرب شدند. برخلاف اقشار سنتی رادیکال که هرگونه تماس با غرب را تحریم کرده بودند، روشنفکران مذهبی استفاده از دستاوردهای آنان را مادامی‌که برخلاف مواضع روحانیون نبود را برای جامعه مفید می‌دانستند. مثلاً زمانی که استفاده از چراغ از جانب برخی از مراجع محرم شد، این سخن بین مردم باب شد که امام اول شیعیان فرموده بود: من از این آب جاری می‌توانم برای شما روشنایی بیاورم که اشاره به توربین‌های آبی بود که در اروپا برای تولید برق به خدمت گرفته شده بودند. این روند تا دهه‌های چهل و پنجاه ادامه یافت و روشنفکری مذهبی حتی بین ملی‌گرایان حامی دکتر مصدق نیز رخنه کرد. روحانیون شیعه هم که

بسیاری از اندیشمندان سیاسی و اجتماعی ایرانی در روزهای اخیر متفق‌القول هستند که نظام مبتنی بر مذهب در ایران نتوانسته است به اهداف خود جامه عمل بپوشاند و کارنامه‌ای مفتضح با اقتصادی ورشکسته و اجتماعی گسسته به بار آورده است. نظریه حکومت مذهبی را نه در انقلاب ۱۳۵۷ بلکه باید در جنبش‌های ایرانی جست‌وجو کرد که یک سر آن توسط روحانیت شیعه رهبری می‌شد. در اینکه مذهب نزد ایرانیان تا دهه‌های اخیر جایگاهی قدسی و غیرقابل انتقاد داشت شکی نیست اما امتزاج مذهب و سیاست جزء نقاط کور جامعه ایران بود که حتی علماء اخباری شیعه آن را تکفیر می‌کردند. هرچند در انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران به‌نوعی حاکمیت معنوی دین در جامعه اعتقاد داشتند اما به روشنی درک کرده بودند که تفوق یک جامعه در گرو پیروی از اصول مدیریتی و سیاسی است که بزرگانی چون جان لاک، ولتر و کانت در اوج عصر روشنگری با عبرت از تجربه تلخی که اروپا در قرون وسطی کسب کرده بود، تبیین کردند. خروجی مهم عصر روشنگری تمرکز بر ماهیت فرد و قرارداد اجتماعی در جامعه مدنی بود که قانون را به جای مواضع کلیسا فصل‌الخطاب قرار می‌داد. این دیدگاه بعدها منتج به تفکیک قوا و تبدیل تدریجی پادشاهی‌های مستقر در اروپا به حکومت‌های مشروطه شد و تمرکز قدرت در دست فرد، گروه، خانواده و عقیده خاصی را خلاف مصالح انسانی دانست. جدایی دین از سیاست در اندیشه‌های جان لاک ریشه‌های لیبرالیسم را دوانید تا جایی که توماس جفرسون در تدوین و تنظیم بیانیه استقلال

فیروز نیکخواه

تربیون آزاد هفته متعلق به خوانندگان است. تنها محدودیت انتشار مطالب در این بخش قوانین کانادا و همچنین اساسنامه‌ای است که برای این بخش تدوین و اعلام شده است.

دروغ و فریب، ابزار اصلی رژیم اسلامی از آغاز تا امروز

این مناطق با تغییر رژیم روبرو شدند. این خیزش فراملی در نهایت در سال ۲۰۱۱ به سوریه رسید و مردم آنجا با راه‌پیمایی‌ها و اعتراضات گسترده خواهان کناره‌گیری بشار اسد شدند. در ابتدا بشار اسد خواست به‌طور مسالمت‌آمیز قدرت را واگذار کند، ولی جمهوری اسلامی با گسیل نیروهای نظامی و دلارهای نفتی، اسد را از کناره‌گیری منصرف و اقدام به سرکوب مخالفین او کرد. جمهوری اسلامی برای توجیه این لشکر کشی، با شعارهای آزادی قدس و نابودی اسرائیل که زمانی خمینی مطرح کرده بود به میدان آمد و با هدف ایجاد یک قدرت شیعی در منطقه عملاً خود را درگیر یک جنگ فرسایشی کرد. در آن زمان که ایران هنوز از وضع اقتصادی نسبتاً خوبی برخوردار بود، روشنفکران و مردم اعتراضات محسوسه‌ای به این درگیری فرامرزی از خود نشان ندادند. مداخله ایران در سوریه چون همخوانی با منافع استراتژیک روسیه در سوریه داشت (حفظ بنادر استراتژیک طرطوس و لاذقیه در دریای مدیترانه)، به نظر می‌رسد محرک این ماجراجویی جمهوری اسلامی در سوریه، روسیه باشد که با بهره‌برداری و

از فردای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی رهبران و در رأس آن‌ها خمینی حیل‌گر با تجربه شعارهای راهبردی متعددی را برای بقاء رژیم ضد ایران و ایرانی مطرح کردند. در ابتدا در آن جو پراشتهاب و به پشتیبانی میلیونی مردم متوهم، خمینی گفت: «ملی‌گرایی ضداسلام است». با توسل به همین شعار رهبران و گردانندگان حکومت در طی این ۴۳ سال گذشته با اقدامات ضدملی منابع ایران را به تاراج برده و محیط‌زیست ما را به نابودی کشانده‌اند. دومین شعار خمینی با شروع جنگ و برای بقاء حکومت، شعار، «جنگ نعمت است بود». او با این شعار سرمایه‌های مادی و انسانی را درگیر جنگی خانمان‌سوز کرد که هنوز مردم ایران دارند تاوان آن را پس می‌دهند. بعد از آزادسازی خرمشهر، خمینی و سایر رهبران وقت، با کوبیدن بر طبل جنگ، شعار راهبردی دیگری را با این مضمون که، «راه قدس از کربلا می‌گذرد» را بر اذهان مستولی کردند که تا به امروز خسارات جبران‌ناپذیری به کشور زده است. با آغاز بهار عربی که از کشورهای شمال آفریقا آغاز گردید، کشورهای بسیاری در

ولایت و مرجعیت بود. پتانسیل تشکیل حکومت مذهبی در ایران به دلیل بحث مرجعیت و اطاعت از مجتهد در امور زندگی، زمینه تابعیت از روحانیون در عرصه سیاسی را تسهیل کرد. خواه یا ناخواه امروز ملت ایران وارث حکومتی مذهبی است که با وجود تمام مشکلات آگاهی ارزشمندی به ارمغان آورده است. یقیناً هیچ نیرویی به جز خود روحانیت نمی‌توانست این چنین مردم ایران را دین‌گریز و سکولار نماید. مردمی که اصلاحات شاهان پهلوی را رد می‌کردند حال به فاصله چند نسل موضعی متناقض اتخاذ کرده‌اند. هزاران جلد کتاب و هزاران کسروی هم نمی‌توانستند این درجه از آگاهی که ملت ایران با تجربه کسب کرده را ارائه نمایند، چراکه اگر تشکیل حکومت مذهبی تنها در بعد ذهنی می‌ماند بازم وسوسه رسیدن به سراب عدالت و برابری از طریق مذهب را در ضمیر مردم ظاهر می‌ساخت. ملی‌گرایی دیگر میوه این پدیده است که در خیزش اخیر به‌وضوح دیده می‌شود. روزگاری که پرچم ایران هیچ اهمیتی برای ایرانی نداشت و در هرخانه علم سیاه عزا یافت می‌شد اما پرچم ملی نه، به واسطه همین آگاهی منسوخ شد و امروز ملی‌گرایی وجود هر ایرانی در هر سن و مقام را فراگرفته است. اتحاد ملی شکل گرفته به برکت همین آگاهی است که علی‌رغم همه توطئه‌ها برای تفرقه، یکپارچگی بی‌نظیر بین اقوام ایرانی را برجسته کرده و ایرانی بودن را بر همه‌چیزی تفوق بخشیده است. نظام حاکم نشان داد که کشور نه با دعا و تزکیه بلکه با منطق، مدیریت عقلانی و دانش پیشرفت می‌کند و این خواست نسل امروز است.

درباره نویسنده:
نیما زهتابی تحصیلات خود را در رشته مهندسی مکانیک آغاز و به‌طور هم‌زمان در نشریه علمی دانشکده مکانیک و نشریه سیاسی-دانشجویی دانشگاه تبریز شروع به فعالیت کرد. ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در اروپا سبب شد تا به تحقیق پیرامون فرهنگ و سیاست کشورهای اروپای غربی به‌عنوان فعالیتی جانبی روی بیاورد و مقالاتی در این زمینه تالیف کند. در حال حاضر برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری ساکن کانادا است.

نقش
رأی‌لی
سلا در
دست
ید در
ه‌شده.

چه در داخل و چه بیرون از مرزها، جمهوری اسلامی تلاش دارد با توسل به خطر تجزیه ایران همه را ساکت کند و به حکومت ایران بربادده خود ادامه دهد. گرچه با توجه به خواست اسرائیل و همسایگان مدعی داشتن هم‌زبانان خود در ایران و بخصوص سرکوب اقوام مختلف ایرانی توسط جمهوری اسلامی، خطر تجزیه بالقوه وجود دارد. ولی سؤال اساسی از حاکمان جمهوری اسلامی این است که؛ اگر شما علاقه‌مند به حفظ یکپارچگی ایران هستید و می‌خواهید مردم هم به این خواست ملی ارج بگذارند، آیا حاضرید در سیاست خارجی خود تجدیدنظر کنید؟ آیا حاضرید، منابع و ثروت‌های ایران را صرف مردم خود این سرزمین کنید؟ آیا حاضرید سیاست و اقتصاد را به دست انسان‌های با سواد و کاردان بسپارید؟ آیا حاضرید دست از سیاست‌های کلان تخریب محیط زیست این سرزمین بردارید؟ آیا حاضرید چپاولگران ثروت‌های این ملت که مناصب قدرت را قبضه کرده‌اند به پای میز محاکمه کشیده شوند؟ آیا حاضرید دست از تجویز ایدئولوژی ۱۴ قرن پیش به جوانان دست برداشته و با جهان هماهنگ شوید؟ آیا حاضرید به همان قانون اساسی خودتان عمل کنید؟

آن‌ها می‌گویند ما به هیچ‌وجه حتی به یک مورد از موارد بالا عمل نمی‌کنیم و شما هم باید با همین وضع موجود و این کاستی‌ها بسازید زیرا اگر ما نباشیم ایران تجزیه می‌شود. این نشان می‌دهد این حکومت اصولاً دغدغه تجزیه ایران را ندارد و تنها هدفش از طرح شعار «خطر تجزیه ایران» تاکتیکی است تا بتواند به استمرار نظام ضد ایران و ایرانی خود ادامه دهد. حاکمان جمهوری اسلامی باید بدانند که در هیچ کجای دنیا و در هیچ مقطع تاریخی تا اکثریت مردم کشوری پشتیبان حکومتش نباشند، صرفاً با توسل به ارتش و اسلحه نمی‌شود از تجزیه سرزمینی جلوگیری کرد. برای دشمنان یکپارچگی ایران، اراده حفظ تمامیت ارضی اکثریت مردم این سرزمین عامل بازدارنده است و نه قدرت نظامی.

همکاری‌های امنیتی روسیه و اسرائیل شد و از آنجائی که روسیه اطلاعات محرمانه از مواضع ایران در اختیار داشت، اسرائیل به راحتی قادر گردید به کرات مواضع نیروهای ایرانی را هدف جنگنده‌های خود قرار داده و ایران را عملاً در آنجا زمین‌گیر کند.

با کشته شدن قاسم سلیمانی که نقش هماهنگ‌کننده نیروهای ضد اسرائیلی را در منطقه بازی می‌کرد، ایران عملاً در منطقه دیگر نقش تأثیرگذار خود را از دست داد و شعار اگر در سوریه نجنگیم باید در مرزهایمان بجنگیم به فراموشی سپرده شده.

در طی سال‌های اخیر و با اوج‌گیری اعتراضات داخلی به هزینه‌های کلانی که جمهوری اسلامی در لبنان، سوریه، عراق، یمن و برخی کشورهای بر مردم ایران تحمیل کرده، به دلیل فساد افسارگسیخته هیئت حاکمه، بی‌ارزش شدن پول ملی، تورم کمرشکن و... دیگر شعارهای قبلی کارایی‌های خود را از دست داده‌اند. حکومت ناتوان از حل مشکلات ناشی از تفکرات ایدئولوژیک و شعارهای فریبکارانه، در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. اکنون حاکمان ایران متوسل به شعار جدیدی شده‌اند، با این مضمون که اگر این حکومت سقوط کند ایران تجزیه می‌شود. متأسفانه و مطابق روال گذشته چپ‌هایی که هنوز در پشت دیوار آهنین بسر می‌برند و جهان را دوقطبی ارزیابی می‌کنند، این شعار را در بوق و کرنا کرده و مخالفان جمهوری اسلامی را به سکوت دعوت می‌کنند. غافل از اینکه خود جمهوری اسلامی طی این ۴۳ سال گذشته با پیش بردن سیاست خودی و غیرخودی عملاً مردم این سرزمین که حافظ یکپارچگی ایران طی هزاران سال بوده‌اند را تجزیه کرده است.

رهبران جمهوری اسلامی از ابتدای به قدرت رسیدن کشور مستقلاً بنام ایران را به رسمیت نشناختند. خمینی از همان ابتدا همواره امت اسلام را بر ایران اسلامی ترجیح می‌داد و همواره به‌طور تاکتیکی از ایران به‌عنوان یک کشور یاد می‌کرد و نه به‌عنوان سرزمین ما ایرانیان.

اکنون با توجه به وطن‌پرستی اغلب ایرانیان،

شناخت از ایدئولوژی حاکمان ایران خواسته با هزینه‌های ایران از منافع خود در منطقه حفاظت کند. این نتیجه‌گیری نه بر اساس اسناد و مدارک که قابل دسترس نیست، بلکه بر اساس همسویی منافع استراتژیک روسیه با تفکر ایجاد حلال شیعی جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

با سنگین شدن هزینه‌های حضور ایران در سوریه، و انتقادهایی که از هر سو به‌ویژه توسط مردمی که زیر بار تحریم‌ها قرار داشتند، شعار آزادی قدس به تدریج کمرنگ گردید استراتژیست‌های جمهوری اسلامی برای موجه جلوه دادن هزینه کردنشان از جیب مردم به فکر طرح شعار راهبردی دیگری جهت توجیه مداخلاتشان در سوریه افتادند. آن‌ها در آن شرایط شعار «اگر در سوریه نجنگیم باید در مرزهای ایران بجنگیم» را طرح و بر سر زبان‌ها انداختند. این شعار تا سال‌های اخیر نیز کاربرد داشته و دستمایه اصلی توجیه برای روشنفکران به‌ویژه چپ‌های حامی روسیه (شوروی به‌زعم آن‌ها) در داخل و خارج از ایران بکار گرفته می‌شد. با دخالت علنی روسیه در جنگ سوریه و تثبیت دولت بشار اسد و تأمین منافع استراتژیک روسیه، دیگر دلیلی برای حضور نیروهای جمهوری اسلامی در سوریه وجود نداشت. در این زمان بود که روسیه با توصیه و اصرار خواهان خروج ایران از سوریه شد و چون حاکمان ایران زیر بار این خروج مفتضح و بی‌نتیجه نمی‌رفتند، روسیه برای فشار بر ایران روابط خود با اسرائیل را ارتقا بخشید و شروع به همکاری‌های امنیتی با اسرائیل نمود و تا جایی پیشرفت که اعلام کرد روابط ما با اسرائیل استراتژیک است. در حالیکه داشتن روابط استراتژیک با ایران را منکر گردید. دلیل این تغییر موضع روسیه روشن است. روسیه برای حفظ بنادر مذکور و دسترسی به آب‌های مدیترانه نیازمند همکاری‌های اسرائیل که در موقعیت برتر نسبت به ایران قرار دارد، است. نتیجه این رویدادها گرم شدن روابط روسیه و اسرائیل و تحمیل خسارات عظیم مالی و نیروهای انسانی به جمهوری اسلامی بوده است.

گسترش روابط روسیه و اسرائیل منجر به

کارزاری اعتراضی در شبکه‌های اجتماعی: نام مهسا امینی را در دقیقه ۲۲ بازی‌های جام جهانی فریاد بزنیم



کاربر دیگری هم با عنوان Hope گفته است: «دقیقه ۲۲ توی استادیوم همه یک‌صدا بگن مهسا امینی. قشنگه نه؟»

کاربر دیگری هم به اسم Negaar گفته است: «دقیقه ۲۲ بازی‌های فوتبال، همه تماشاگران اسم مهسا را فریاد خواهند زد. به یاد تک‌تک عزیزانی که امروز کنارمون نیستن و عزیزان در بندمون. به امید روزهای بهتر. به امید آزادی.»

یکی دیگر از کاربران با عنوان Vashig هم پیشنهاد کرده است: «اکت‌های اعتراضی در جام جهانی برای تمام بازی‌ها ۱.۱ اکت اعتراضی هنگام پخش سرود جمهوری اسلامی ۲. توزیع نمادهای انقلاب مردم ایران در بین تماشاچیان همه کشورها ۳. شعار مهسا امینی در دقیقه ۲۲ بازی‌ها ۴. هو کردن مهدی ترابی و وحید امیری هنگام دریافت توپ.»

کاربر دیگری هم با اسم Hiwa_Kurdistan گفته است: «شماری از فعالان حقوق بشر از هواداران فوتبال خواسته‌اند تا با توجه به سن مهسا امینی در دقیقه ۲۲ هر مسابقه‌ای، نام او را فریاد بزنند تا به جهانیان یادآوری کنند که در ایران چه می‌گذرد.»

ما. روز تولد #مهسا_امینی و سن‌اش... به یاد ژینا مسابقه‌های فوتبال را به صحنه حضور انقلابی تبدیل می‌کنیم. دقیقه ۲۲ هر مسابقه نامش را فریاد می‌زنیم... مهسا امینی، ۲۲ سال سن داشت و در روز ۲۲ شهریور امسال نیز توسط گشت ارشاد بازداشت شد که در نهایت در زمان بازداشت توسط پلیس جمهوری اسلامی، به کما رفت و کشته شد. در شبکه‌های اجتماعی نیز این کارزار با استقبال گسترده کاربران مواجه شده است، طوری که گفته می‌شود صداوسیما جمهوری اسلامی مجبور خواهد شد همه بازی‌ها را سانسور کند. کاربری با عنوان کوکتل هم در توئیتر گفته است: «در تمام بازی‌های جام جهانی در دقیقه ۲۲ همه با هم، یک‌صدا نام مهسای عزیز را فریاد می‌زنیم.»

کاربری با عنوان flextron هم گفته است: «هرکسی انگلیسیش خوبه به دنیا اینو بگه که دقیقه ۲۲ #مهسا_امینی را فریاد بزنند.»

کاربری با عنوان HAMTA هم با اشاره به اعزام نشدن خبرنگاران صداوسیما جمهوری اسلامی به قطر گفته است: «خبرنگارهای خودت رو نفرست، نگذار خبرنگارهای رسانه آزاد هم بروند، اما با دقیقه ۲۲ بازی‌ها می‌خواهی چیکار کنی؟»

کارزاری در شبکه‌های اجتماعی با عنوان کارزار دقیقه ۲۲ به راه افتاده است که در آن از تماشاگران بازی‌های جام جهانی در قطر خواسته شده است که در دقیقه ۲۲ هر بازی، نام مهسا امینی را فریاد بزنند. در شبکه‌های اجتماعی، کاربران زیادی نسبت به رفتار تیم فوتبال ایران اعتراض کرده‌اند و دیدار اعضای این تیم با ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری اسلامی قبل از بازی‌ها را نشانه‌ای از همراهی کردن این تیم با دولت سرکوبگر تعبیر کردند. درعین‌حال، خبرهای رسیده به هفته، حاکی از آن است که گروهی از ایرانیان در تورنتو برای اعتراض به تیم فوتبال ایران و همچنین برای یادآوری اعتراضات سراسری در ایران و همبستگی با معترضان، راهی قطر شده‌اند.

به گزارش هفته و به نقل از شبکه‌های اجتماعی، کارزار دقیقه ۲۲ با نشانه #SayHerName22 فقط مختص به بازی‌های تیم ایران نیست، بلکه درخواست شده است که نام مهسا امینی در همه مسابقات این جام، فریاد زده شود. نگین شیرآقایی، خبرنگار و فعال سیاسی که گویا به‌عنوان مبتکر این کارزار شناخته می‌شود، در توئیتر نوشته است: «نام ژینا اسم رمز ماست و ۲۲ کد پیروزی

BMO Bank of Montreal

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن

با مناسب ترین نرخ بهره
و
در سریع ترین زمان ممکن
در سرتاسر کانادا

514-834-8053
mehrdad.moradkhani@bmo.com

Top Performer
of years
2020 & 2021

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری
با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و انفرادی
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفتری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>
info@elanaccounting.ca

دریچه مهاجرت

سهیل احمدی
مشاور رسمی مهاجرت به کانادا

عضو انجمن مشاورین رسمی مهاجرت کانادا

CICC CCIC

کلیه خدمات مهاجرتی و شهروندی کانادا از طریق تخصص، کار،
تحصیلی، دانش آموزی، سرمایه گذاری، پناهندگی و الحاق خانواده
با تعیین وقت قبلی

www.ImmigrationDoor.com

لغات مستقیم از ایران با دفتر کانادا

ImmigrationDoor

+1 (514) 232-1326 +1 (514) 748-0949

4055 Rue Saint-Catherine, Unit 165, Westmount, Montreal H3Z 3Z6

Century 21
Century 21 Unique

نینوس گیورگیزنیا
مشاور ارشد املاک در کانادا
عضو دائمی کانون بین المللی مهندسين نقت

- خرید، فروش، پیش فروش و اجاره
- املاک مسکونی، تجاری، صنعتی، کشاورزی و بیزنس
- با ۲۲ سال سابقه فعالیت در حوزه املاک

Ninous Givargiznia B.Sc
Professional Real Estate Broker
(514) 816-4080
ngivargiznia@gmail.com

Amelie Wang
Real Estate Broker Residential
(514) 916-1151
hongshan.wang@century21.ca

www.Century21.ca/ninous.givargiznia
203 Boul Hymus, Suite 208, Pointe - Claire, Qc, H9R1E9



سياست
اقتصاد
جامعه



مراسم یادبود در تورنتو برای علی عراقی از کشته شدگان اعتراضات در تبریز به خاطر عشق به کشورش پس از سال‌ها سکونت در کانادا به ایران بازگشته بود



پروپاگاندای جمهوری اسلامی، دوره افتاده و باز تبلیغ می‌کند که سعید علی عراقی وسط تبریز بر اثر تصادف فوت کرده است و مرگش ربطی به اعتراضات ندارد! تف بر شرفتان که جوان مردم را می‌کشید و زبانتان هم دراز است.»

باید اذق، رسانه‌ای که اخبار آذری‌ها را پوشش می‌دهد هم گفته است: «بنا به اخبار رسیده، سعید علی عراقی، جوان ترک آذربایجان شب ۲۴ آبان در تبریز به دست مأموران سرکوبگر به شهادت رسیده است. در گزارش‌های ارسالی عنوان شده سعید علی عراقی پس از ضرب و شتم توسط نیروهای سرکوبگر به دلیل شدت جراحات وارده به شهادت رسیده است.»

کاربر دیگری با نام مادر یوناتان هم از دستگیری مردم در مراسم ختم علی عراقی گفته است: «علی عراقی، یکی از کشته شدگان اعتراضات در تبریز، جوانی بود که به دلیل جراحات وارده توسط مأموران، جان خودش را از دست داد. دیروز که مراسم عزاداری علی در مسجدی در منطقه پرواز تبریز برگزار شد، مأموران بی‌شرف به اون مسجد هجوم آوردند و مردم را دستگیر کردند.»

سازمان حقوق بشر آذربایجان (ارک) هم گفته که «خبر کشته شدن علی عراقی به دست نیروهای سرکوبگر» را تأیید می‌کند.

کاربری هم به اسم ملیسا گفته: «یادامه وقتی حرف هزینه‌های سنگین مهاجرت شده بود، مامان علی عراقی گفته بود یک پسر بیشتر که ندارم...»

حسن رونقی، برادر حسین رونقی از زندانی‌های شناخته‌شده اعتراضات اخیر، در توئیتر گفته است: «علی عراقی در کوی ایردک ولیعصر تبریز با ضرب و شتم شدید مأموران کشته شد.»

وحید بهمن، پژوهشگر تاریخ هم در توئیتر گفته است: «خبر کشته شدن دو جوان آذری در اعتراضات روزهای اخیر، به نام‌های علی عراقی و آیلار حق (دانشجوی پزشکی) در سطح شهر تبریز پیچیده و طبق معمول هم حاکمیت سناریوی نخنما شده خودکشی و پریدن از بلندی را مطرح کرده است. امیدوارم خانواده‌های این دو عزیز بیشتر روشنگری بکنند.»

نیلی ثابت هم در صفحه‌اش گفته: «علی عراقی، پسری که در تبریز کشته شد، پسر معلم زبان دوران راهنمایی مادر مدرسه‌فرزنگان یک تبریز بود. او پسر خانم یزدانی بود. آن قدر این زن، پرشور و مهربان بود، آن قدر با بچه‌ها صمیمی بود که همه دوستش داشتیم. آیا الان اون زن پر از زندگی دیگه میتونه زندگی کنه؟»

کاربر دیگری هم به اسم آلیا گفته: «علی عراقی در تبریز مورد ضرب و شتم سرکوبگران قرار گرفت و به دست مزدوران کشته شد. خبر تصادف او، دروغ مأموران است تا خانواده بتوانند جنازه‌اش را تحویل بگیرند. لطفاً این خبر را نشر بدهید تا خون این جوان، پایمال نشود.»

کاربر دیگری به اسم توحید جوادی هم گفته: «دستگاه

علی عراقی متولد ۱۳۷۸ در روز ۲۴ آبان در تبریز مورد ضرب و شتم مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفت و در جریان اعتراضات، کشته شد. او چند سال قبل با ویزای دانش‌آموزی به کانادا آمده بود. دوستانش در تورنتو می‌گویند او چند سال قبل به ایران برگشته بود، چون به قول خودش، عاشق شهرش بوده و دوست داشته به ایران برگردد. دیروز هفدهم نوامبر هم برخی دوستانش در تورنتو، مراسمی به یاد علی عراقی در منطقه Bayview Village تورنتو برگزار کردند.

به گزارش هفته و به نقل از شبکه‌های اجتماعی، کشته شدن علی عراقی، موج گسترده‌ای از اعتراضات را در فضای حقیقی و مجازی نیز به وجود آورد. در فضای مجازی از او به‌عنوان قهرمانی یاد کرده‌اند که به میل و اراده خودش به ایران بازگشته و در نهایت در مسیر آزادی و عدالت، جانش را فدا کرده است.

بردیا از دوستان علی در تورنتو نیز در گفت‌وگو با هفته می‌گوید: «حوالی تابستان سال ۲۰۱۸ بود که از علی پرسیدم برنامه‌ات برای تابستان چیست؟ گفت دارم به ایران برمی‌گردم. وقتی علت را از او جویا شدم، گفت که من خانواده‌ام و زندگی‌ام در ایران است و عاشق ایران هستم. می‌گفت حالا شاید یک روزی دوباره به کانادا برگردد، اما می‌گفت حالا دیگر نمی‌توانم در کانادا باشم. این اواخر هم شنیدم که در حال انجام کارهای مهاجرتی بود که بتواند دوباره به کانادا برگردد.»



امیر ابوالحسنی



مجتبی سیاهپوش



عرشیا صادقیانی

سابقه سربازی اجباری در سپاه، در دسر بزرگ ایرانی-کانادایی‌ها برای ورود به آمریکا

از همسر و دو فرزند کوچکم که در کانادا به دنیا آمده‌اند و در کانادا بزرگ شده‌اند، بازجویی شد. با ما مثل جنایتکارها رفتار کردند. آن روز، طاقت‌فرساترین روز زندگی‌ام بود. حتی برای آوردن شیرخشک از خودرویمان هم مأموران، ما را همراهی کردند. احساس می‌کنم که شهروند درجه سوم هستم. در این بین، کانادا نیز مسئولیت همه این اتفاق‌ها را به دوش آمریکا می‌اندازد.»

مجتبی در دوران خدمت سربازی‌اش در سپاه در بخش آرشیو کار کرده و به قول خودش، حتی یک بار هم اسلحه دستش نگرفته است.

نوید صادقیانی، ساکن ونکوور نیز با محدودیت سفر به آمریکا مواجه است. پسرش عرشیا صادقیانی ۱۳ ساله به‌عنوان قهرمان کانادا در رشته رباتیک، موفق به شرکت در مسابقات قهرمانی جهان در دالاس نشد، چون پدرش بیش از ۳۰ سال پیش در سپاه، خدمت کرده بود.

سارا ابراهیمی، ساکن بریتیش کلمبیا هم با محدودیت ورود به آمریکا مواجه است. او می‌گوید دخترش قصد داشته برای ادامه تحصیل به نیویورک برود، اما با منع ورود به آمریکا روبرو شدند.

سارا می‌گوید: «این خیلی توهین‌آمیز است که بعد از پرداخت این همه مالیات در کانادا، نمی‌توانم خانواده‌ام را در آمریکا ببینم. حتی در تعطیلات هم برای رفتن به بسیاری از نقاط اروپا و مناطق کارائیب، با محدودیت سفر مواجه هستیم.»

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

به‌اندازه کافی، شهروند کانادایی نیست. به گفته او، همین محدودیت‌های سفر باعث شده است که برخی افراد نتوانند با والدین خود در ایالات متحده، دیدار کنند و حتی گاهی کودکان بیمار به دلیل این محدودیت‌ها نمی‌توانند به درمان در آمریکا دسترسی داشته باشند.

سی‌بی‌سی در گزارش خود گفته که بر اساس سرشماری اخیر، ۲۱۳ هزار و ۱۶۰ ایرانی تبار در کانادا حضور دارند. امیر می‌گوید حدود ۸۰ هزار نفر از این جمعیت ایرانی تبار ممکن است تحت تأثیر این محدودیت‌های سفر قرار بگیرند، از جمله دختر نوزادش.

در این بین، آژانس خدمات مرزی کانادا (CBSA) گفته است مواردی از جمله ممنوعیت ورود ایرانیان کانادایی به ایالات متحده و سایر کشورها را پیگیری خواهد کرد، چون قدرت و اختیاری برای مداخله در تصمیمات مهاجرتی سایر کشورها ندارد.

مجتبی سیاهپوش، هم ایرانی دیگری است که همین مشکل را دارد. او ساکن اوکوئوکس در آلبرتا است. مجتبی می‌گوید که یک هفته قبل، کارفرمایش به او اطلاع داده است که تا پایان امسال، موقعیت شغلی‌اش را از دست خواهد داد، چون او قرار بوده که هم در غرب کانادا و هم در آمریکا فعالیت کند، اما با وجود محدودیت‌های سفر نتوانسته است به تعهدات کاری‌اش عمل کند.

مجتبی می‌گوید: «در جولای امسال هم دوباره تلاش کردم که به آمریکا بروم. در مرز به مدت هفت ساعت

سربازی اجباری در سپاه پاسداران به یک معضل جدی برای برخی از ایرانیان مقیم کانادا تبدیل شده است. این گروه از ایرانی کانادایی‌ها برای کار در آمریکا و حتی سفر تفریحی به همسایه جنوبی، با تحریم مواجه هستند و در خیلی از موارد، اجازه ورود به آمریکا به آن‌ها داده نمی‌شود. رسانه کانادایی سی‌بی‌سی با گروهی از این ایرانیان، گفت‌وگو کرده است. آن‌ها گفته‌اند به دلیل سربازی اجباری در دوران جوانی، حالا با اعمال محدودیت‌های سفر، تنبیه شده‌اند و به‌عنوان شهروند درجه دوم با آن‌ها برخورد می‌شود.

امیر ابوالحسنی، ساکن ساسکاتون از جمله این گروه از ایرانیان است. وقتی کارفرمای امیر در آمریکا از او درخواست کرده بود که به کارولینای شمالی بیاید و آنجا کار کند، امیر خانه خود را در ساسکاتون فروخت، اما در ژانویه امسال وقتی در فرودگاه کلگری می‌خواست همراه خانواده‌اش به آمریکا برود، از سفر آن‌ها جلوگیری شد، چون دوران سربازی امیر در سپاه بود. دولت ترامپ در سال ۲۰۱۹ سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد.

امیر می‌گوید: «همه مردان بالای ۱۸ سال در ایران مجبور به گذراندن سربازی اجباری هستند و از هر سه نفر مشمول خدمت سربازی، یک نفر مجبور است در سپاه خدمت کند. سربازی نرفتن موجب می‌شود که فرد از دریافت پاسپورت یا برخی خدمات محرم شود و حتی گاهی فرد مشمول مجازات می‌شود.»

امیر می‌گوید این عادلانه نیست که به خاطر سربازی اجباری، مجازات شود. او می‌گوید که احساس می‌کند



کلاهبرداری ۱۱ هزار دلاری از یک دانشجوی ایرانی در ادمونتون

و در آن همه انواع روش‌های کلاهبرداری در کانادا را به دانشجویان می‌گفتند.

ناولین کاور، رئیس انجمن دانشجویان کنکوردیا، می‌گوید که از افزودن آموزش کلاهبرداری به برنامه‌های جدید دانشجویان پشتیبانی می‌کند، اما باید آموزش‌هایی مکرر از راه ای‌میل و شبکه‌های اجتماعی هم در دسترس باشد.

او می‌گوید که این اتفاق سبب شده است تا به دیگر دانشجویان درباره کلاهبرداری هشدارهای بیشتری داده شود.

کاور که دانشجوی سال چهارمی است می‌گوید که خودش هم از این تماس‌های مشکوک داشته که پس از تماس با کنکوردیا متوجه شده که آن‌ها کلاهبرداری‌اند.

او می‌گوید کلاهبرداری از جنس کلاهبرداری‌های که پریسا تجربه کرده، چون پای مأمور جعلی دولت در میان است و به تبع آن هم تهدید وضعیت تحصیلی و مهاجرتی، دانشجویان را سخت درگیر می‌کند.

کنکوردیا می‌گوید که از قربانیان کلاهبرداری با برنامه‌های پرداخت شهریه، بودجه حمایتی و دسترسی به مشاوره رایگان و خدمات شغلی حمایت می‌کند.

ردیابی فعالیت‌های کلاهبردارانه البته دشوار است، اما آمار مرکز مبارزه با کلاهبرداری کانادا حاکی از افزایش کلاهبرداری در این کشور است.

سال گذشته، این مرکز بیش از ۱۰۰ هزار گزارش کلاهبرداری دریافت کرد که نسبت به سال قبل ۱۳۰ درصد افزایش داشته است.

از ژانویه تا پایان سپتامبر سال جاری، بیش از ۴۳ هزار قربانی کلاهبرداری، ۳۶۲.۷ میلیون دلار از دست داده‌اند.

منبع: وب‌سایت شبکه خبری سی‌بی‌سی

پس از واریز وجه، تماس‌گیرنده چند دقیقه‌ای او را پشت خط نگه می‌دارد و درعین حال به او اطمینان می‌دهد که همه‌چیز خوب است و به‌زودی پولش را پس خواهد گرفت.

چند ساعت بعد، پریسا پس از گفت‌وگو با هم‌اتاقی‌اش، متوجه شد که ۱۰ هزار و ۹۰۰ دلار از او کلاهبرداری کرده‌اند. این مبلغ را قرار بود پریسا برای شهریه ترم دومش بپردازد.

پریسا هر چند شک‌هایی کرده بود، ولی ترس او را از انجام کار صحیح بازداشته بود. او همچنین این اواخر یک رشته پیامک تهدیدآمیز نگران‌کننده گرفته بود که این نیز او را به این تصور انداخته بود که این تماس‌ها می‌تواند در ارتباط با آن‌ها باشد.

پریسا هر چند کلاهبرداری‌هایی همچون فیشینگ را می‌شناسد، اما می‌گوید که هرگز درباره کلاهبرداری که مدعی‌اند مأمور دولت‌اند چیزی نشنیده بوده و همچنین در عمرش دستگاه خودپرداز بیت‌کوین ندیده بوده است.

پریسا این کلاهبرداری را به پلیس گزارش داد و پلیس هم گفت به دلیل واریز پول و حضور کلاهبرداران در خارج از کشور کاری نمی‌تواند انجام دهد.

او همچنین این کلاهبرداری را به کنکوردیا گزارش کرد. او گفت که آن‌ها اطلاعاتی درباره بوریس‌های احتمالی به او دادند و همچنین مهلت پرداخت شهریه‌اش را تمدید کردند و نیز یک نامه هشدار کلاهبرداری برای دیگر دانشجویان فرستادند. او همچنین کارزار برای گرفتن کمک مالی در GoFundMe راه انداخته و البته نگران است که نتواند به تحصیل ادامه دهد.

پریسا، به‌عنوان یک دانشجوی ایرانی در کانادا، می‌گوید که از او کلاهبرداری شده است و دانشگاه‌ها باید به دانشجویان درباره این شگردها آموزش دهند.

او می‌افزاید که باید این موضوع را با دانشجویان در میان می‌گذاشتند و دست کم یک ایمیل می‌فرستادند

پریسا قنبری، دانشجوی دانشگاه کنکوردیا ادمونتون، که نزدیک به ۱۱ هزار دلار در کلاهبرداری تلفنی از دست‌داده است، می‌گوید که دانشگاه‌ها باید بهتر به دانشجویان خارجی درباره شیوهی رایج کلاهبرداری در کانادا آموزش دهند.

به گزارش هفته و به نقل از «سی‌بی‌سی»، پریسا ۲۷ سال دارد و برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، پاییز امسال، از ایران به ادمونتون آمده است. در ۲۰ اکتبر، کسی با او تماس می‌گیرد و می‌گوید که شخصی از حساب آمازون پریسا برای خرید وسایل الکترونیکی و افتتاح حساب‌های بانکی در کشورهای مختلف استفاده کرده است.

پریسا هر چند که از آمازون خرید نمی‌کند، ولی وقتی تماس‌گیرنده به او گفت که نامش در فهرست مجرمان قرار گرفته است، از فکر اخراج از کانادا به‌واهمه افتاد. تماس‌گیرنده به او گفت که بی‌درنگ برای پاک کردن نامش اقدام کند. چند دقیقه بعد، شخصی دیگر که خود را مأمور دولت معرفی می‌کرد با او تماس گرفت. پریسا به‌سرعت اطلاعات تماس‌گیرنده را آنلاین جست‌وجو کرد و به یک تارنمای رسمی (تارنمایی که البته از آن زمان حذف شده است) با نام و شماره تلفن او رسید.

کلاهبردار، تلفنی، پریسا را تحت فشار گذاشت تا دو بار نقدی از حساب بانکی‌اش برداشت کند و پول را به بهانه تأیید و محافظت از آن به یک دستگاه خودپرداز بیت‌کوین در فروشگاه‌های در مرکز شهر واریز کند. در این میان، تماس‌گیرنده همچنین از او خواست برای حفظ امنیت اطلاعاتش با کسی در مورد تراکنش‌ها صحبت نکند.

پریسا گفته است: «می‌دانم که کارم منطقی نبوده است، ولی آن زمان آن قدر ترسیده بودم که هر چیزی را باور می‌کردم. صادقانه بگویم که با روند کارها در کانادا چندان آشنایی ندارم.»



» افزایش قیمت برخی از مواد غذایی مانند کاهو موجب تغییرات موقت در منوی غذای رستوران‌ها شد.

تلاش برای مهار تورم، آیا روند کنونی نتیجه می‌دهد؟

نیز نسبت به سال قبل حدود یازده و نیم درصد افزایش یافته که این روند از سال ۱۹۹۱ تا امروز بی‌سابقه است. از طرف دیگر، قیمت تعدادی از مواد غذایی به‌ویژه گوشت و میوه‌های تازه کاهش یافته است. در میان مواد غذایی اما قیمت برنج و کاهو افزایش یافته تا جایی که افزایش قیمت کاهو به اندازه‌ای قابل توجه بوده که نقش خود را در منوی غذای رستوران‌ها نشان داده است. به‌طور کلی و با در نظر گرفتن میزان تورم سالانه، ماه اکتبر در مورد مواد غذایی بهتر از ماه سپتامبر بود و این روند کاهشی - هر چند اندک - می‌تواند نوبدبخش روزهای بهتر برای اقلام غذایی باشد.

آیا با وجود افزایش قابل توجه نرخ بهره ممکن است نرخ تورم دوباره افزایش پیدا کند؟ باوجوداینکه بسیاری از کارشناسان و اقتصاددانان با مشاهده کم شدن نرخ تورم بین ماه‌های ژوئن و اکتبر ممکن است به این نتیجه رسیده باشند که تورم کنترل شده یا شاید در مسیر کاهش قرار

آمار همچنان از نرخ افزایش دستمزدها بالاتر است. بانک مرکزی امسال با هدف کنترل و کاهش تورم، در هفت نوبت نرخ بهره بانکی را افزایش داد و انتظار می‌رود حتی با وجود نتایج مثبتی که در ماه‌های ژوئن تا اکتبر به دست آمده است بار دیگر در تاریخ ۷ سپتامبر نرخ بهره را حدود بیست و پنج صدم تا نیم درصد بالاتر ببرد. کنترل و مهار تورم به راحتی ممکن نیست چراکه با ظهور و ورود علائم آن به بازار دیگر نمی‌توان به راحتی از شرش خلاص شد و ممکن است تنها با چند دانه برف شروع شده و در نهایت به بهمنی سهمگین تبدیل شود. بهمنی که از آن با عنوان تورم افسارگسیخته یاد می‌شود. با در نظر گرفتن این نکته که بهای اقلامی مانند بنزین و وام مسکن افزایش یافته است اما به دلیل کاهش سایر اقلام مانند مواد غذایی تورم در جایگاه خود تثبیت شد. نرخ افزایش قیمت بنزین نسبت به سال گذشته، پس از سه ماه کاهش پیاپی، در ماه اکتبر مجدداً افزایش یافت و حدود نه و دو دهم درصد گزارش شد. همچنین نرخ بهره وام مسکن

ظاهراً به نظر می‌رسد تورم در اقتصاد کانادا در ماه‌های اخیر به نقطه اوج رسیده و کمی رو به کاهش گذاشته است. نرخ تورم را با معیاری با نام شاخص قیمت مصرف‌کننده می‌سنجند که تغییرات قیمت را در سبدهی متشکل از ۷۰۰ کالای موردنیاز موردبررسی قرار می‌دهد. بنا بر گزارش اداره آمار کانادا، شاخص قیمت مصرف‌کننده در ماه اکتبر نسبت به ماه پیش از آن چندان تغییر نکرد اما نسبت به مقدار مشابه در سال گذشته افزایش چشم‌گیری داشته است. نرخ تورم در ماه اکتبر نسبت به سال گذشته حدود شش و نه دهم درصد افزایش یافت که در مقایسه با نرخ معیار یا هدف که بین ۱ تا ۳ درصد تعریف شده است، فاصله زیادی دارد. پس از ماه ژوئن امسال تا کنون که نرخ تورم به بیشترین حد خود یعنی حدود هشت درصد رسید به‌مرور و با گذر از قله روندی کاهشی به خود گرفته و امید است در سال جاری این روند همچنان ادامه یابد. باوجوداینکه نرخ تورم در ماه اکتبر امیدبخش است اما طبق گزارش اداره



در میان قدرت‌های اقتصادی جهان، کشورهایی مانند چین، ژاپن و سوئیس توانسته‌اند نرخ تورم را بین ۲ تا ۳ درصد نگه دارند.

هفت و هفت دهم درصد گزارش شد که نسبت به ماه گذشته کمتر بود و اقتصاددانان را نسبت به روند کنونی امیدوارتر کرد.

دلیل دیگر کمتر بودن نرخ تورم در آمریکای شمالی این است که بانک مرکزی آمریکا و کانادا زودتر از سایر کشورها اقدام به انجام تغییرات در نرخ بهره بانکی کرده‌اند. عاملی که مؤثر بوده ولی درعین حال انتقادهای زیادی به دنبال داشته است. در روز دوشنبه هفته گذشته رئیس بانک مرکزی آمریکا اعلام کرد که این کشور "به‌زودی" روند افزایشی نرخ بهره بانکی را کندتر خواهد کرد.

در میان قدرت‌های اقتصادی عضو گروه بیست، اوضاع تورم در برخی بسیار وخیم و در برخی قابل قبول است. در میان این کشورها می‌توان به آرژانتین با ۸۸ درصد و ترکیه با ۸۵ درصد تورم اشاره کرد که با اعداد و ارقام آمریکای شمالی فاصله‌ای بسیار دارد. از سوی دیگر هستند کشورهایی که با وجود تمام مشکلات یکسان جهانی نرخ تورم در آنها در حد ایده‌آل کنترل شده است. از این میان می‌توان به چین، سوئیس و ژاپن اشاره کرد که نرخ تورمشان بین ۲ تا ۳ درصد مهار شده است.

منابع: وبسایت شبکه‌های خبری رادیو کانادا، لاپرس، سی‌تی‌وی نیوز، فایننشال و لودووار

نکرد که مقایسه نرخ تورم کشورهای مختلف ممکن است ارائه‌دهنده تصویر درستی از وضعیت جهانی نباشد چراکه در کشورهای مختلف گاهی نرخ تورم به روش‌های مختلف یا حتی بر اساس اقلام مصرفی مختلف محاسبه می‌شود. با این حال و با در نظر گرفتن این نکته، نرخ تورم کانادا هنوز نسبت به سایر کشورهای مورد مقایسه کمتر است. در انگلستان بر خلاف کانادا، شیب روند گرانی مثبت بود. به گزارش دفتر ملی آمار در انگلستان، نرخ تورم در ماه اکتبر به بالای ۱۱ درصد رسید. این در حالی است که تورم در ماه پیش از آن یعنی سپتامبر کمی بالاتر از ۱۰ درصد بود. این میزان از تورم در انگلستان در چهل و یک سال گذشته مشاهده نشده بود. نرخ تورم ایتالیا نیز حدود ۱۳ درصد گزارش شده است. به نظر کارشناسان، یکی از دلایلی که افزایش نرخ تورم در اتحادیه اروپا چندان قابل کنترل نیست وابستگی کشورهای این اتحادیه به انرژی روسیه است. اکنون که روسیه وارد جنگ با اوکراین شده و جدال لفظی و سیاسی با این کشور ادامه دارد می‌توان تأثیر قیمت حامل‌های انرژی را در اتحادیه اروپا به روشنی مشاهده کرد. به‌علاوه خطر قطع گاز از روسیه به اروپا همچنان وجود دارد و این دلیل اصلی تفاوت میان تورم در میان کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی است. در ایالات متحده نرخ تورم حدود

گرفته است اما هستند کسانی که معتقدند این میزان کاهش نرخ تورم با وجود افزایش شدید نرخ بهره بانکی چندان قابل قبول نیست. بنا به نظر این دسته از کارشناسان، در صورت افزایش نرخ بهره بانکی به حدی که امروز شاهد آن هستیم تورم می‌بایست بسیار بیشتر از امروز کاهش می‌یافت و بنابراین افزایش نرخ بهره چنان که فکر می‌کنیم مؤثر نبوده است. هرچند بر اساس تحلیل آماری ممکن است چنین نظری دور از واقعیت نباشد ولی باید به این نکته توجه کرد که افزایش نرخ بهره بانکی یک شبه باعث کاهش سریع تورم نخواهد شد و همین که نرخ تورم در مسیر کاهش قرار دارد در این مدت‌زمان کوتاه چندماهه نتیجه خوبی است و باید به اقتصاد فرصت داد تا بتوان اثر واقعی این پدیده را مشاهده کرد.

هزینه‌های مسکن و اجاره‌بها در نرخ تورم چه نقشی داشتند؟

اجاره‌بهای متوسط در سطح ملی در ماه اکتبر نسبت به ماه سپتامبر حدود ۲ درصد و نسبت به مدت مشابه در سال گذشته حدود ۱۲ درصد افزایش یافت و به رقم ۲۰۰۰ دلار در ماه رسید. نرخ رشد ۱۲ درصدی اجاره‌بها در مقایسه با نرخ افزایش دستمزد افراد در کانادا - که تنها حدود پنج و نیم درصد افزایش یافته است - حاکی از سخت‌تر شدن شرایط معیشتی حقوق‌بگیران و افراد کم‌درآمد است. در میان شهرهای کانادا، ونکوور با حدود ۱۷ درصد افزایش اجاره‌بها در صدر جدول ایستاده است. اجاره متوسط یک آپارتمان یک خوابه در ونکوور حدود ۲۵۰۰ دلار و برای یک آپارتمان دو خوابه حدود ۳۵۰۰ دلار گزارش شده است. تورنتو در این مقایسه در جایگاه دوم قرار گرفته و اجاره یک واحد یک خوابه و دوخوابه در این شهر حدود ۲۴۰۰ و ۳۳۰۰ دلار است. با این وجود از لحاظ رشد قیمت - با حدود ۲۴ درصد افزایش نسبت به سال گذشته - از سایر شهرهای کانادا پیشی گرفته است.

جایگاه نرخ تورم کانادا در مقایسه با سایر کشورهای جهان

با وجود اینکه نرخ بالای ۶ درصد برای بانک مرکزی و اقتصاددانان سؤالات و نگرانی‌های زیادی به وجود آورده اما درعین حال در مقایسه با سایر کشورهای توسعه یافته و قدرت‌های اقتصادی مانند آمریکا، بریتانیا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا نرخ قابل قبول است. با این حال باید این نکته را فراموش



» کمبود نیروی کار بیش از هر زمان دیگری به تولیدکنندگان کبکی ضربه زده است.

زیان ۷ میلیارد دلاری کمبود نیروی کار به تولیدکنندگان کبکی؛ راه حل مشکل، تسهیل مهاجرت است؟

نایب‌رئیس شرکت ملوش می‌گوید: «با توجه به مشکلات موجود و توقف فعالیت‌های اقتصادی، ما به‌طور جدی به امکان انتقال فعالیت‌های خود به خارج کشور فکر می‌کنیم. قطعاً این کار خواسته ما نیست اما با توجه به پیچیدگی و کندی برنامه‌های مهاجرت موقت و جذب کارگران خارجی، چاره‌ای نداریم که به گزینه انتقال فعالیت‌های خود به خارج فکر کنیم.»

نتایج نظرسنجی MEQ نشان می‌دهد که از هر ۱۰ شرکت کبکی، سه شرکت قصد دارند بخشی از فعالیت‌های خود را به خارج منتقل کنند. از سوی دیگر، ۶ شرکت از هر ۱۰ شرکت کبکی معتقدند که دولت کبک می‌تواند با تسهیل روند مهاجرت و تسریع جذب مهاجران ماهر تا حد زیادی به حل مشکل کمبود نیروی کار در استان کمک کند.

نیمی از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی بر ضرورت بالابردن سقف مهاجرت و استخدام نیروهای ماهر خارجی تأکید کردند. ورونیک پرو می‌گوید شرکت‌ها برای جذب استعدادها بین‌المللی با موانع و مشکلات زیادی روبرو هستند که پیچیدگی و طولانی بودن روند جذب، هزینه‌های بالا و کمبود منابع از مهم‌ترین آنهاست. قطعاً یکی از راه‌های تسهیل دسترسی شرکت‌ها به کارگران ماهر خارجی، افزایش و تسهیل مهاجرت است.

منبع: وب‌سایت شبکه خبری ژورنال دو مترو

گذشته به علت کمبود کارگر از بستن قراردادهای جدید با مشتریان‌شان خودداری کرده‌اند و در این میان بسیاری از شرکت‌ها نیز مجبور شده‌اند سرعت تولید خود را کاهش و مدت‌زمان تحویل سفارش‌ها را افزایش دهند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به‌طور میانگین در هر شرکت ۴۲ موقعیت شغلی خالی است و ۹۸ درصد شرکت‌ها نیز با این مشکل روبرو هستند. این وضعیت در مورد گروه تولیدی «ملوش» Meloche، سازنده قطعات هوانوردی صدق می‌کند. آن‌رونه ملوش، نایب‌رئیس این شرکت می‌گوید: «امسال ما شاهد کاهش فعالیت همه کارفرمایان بوده‌ایم. این وضعیت در شرکت ما به تعویق یا لغو ۱۲ میلیون دلار فروش منجر شده است.

تسهیل و تسریع مهاجرت، راهکاری مؤثر برای جلوگیری از انتقال کسب‌وکارها

آیا میزان دستمزدها منشاء مشکل استخدام نیروی کار نیست؟ خانم پرو، رئیس و مدیرعامل MEQ می‌گوید: «اگر دستمزدها را افزایش دهیم راحت‌تر کارگر پیدا می‌کنیم اما میانگین دستمزد بین ۲۰ و ۲۹ دلار در ساعت متغیر است و حتی در سطوح بالای درآمد نیز با مشاغل خالی و کمبود نیرو روبرو هستیم و برای پیدا کردن و استخدام کردن مهندسان مشکلات جدی داریم.» گر چه کمبود نیروی کار در میان شرکت‌های تولیدکننده امری رایج است، اما مشکل استخدام کارگران خارجی برخی از این شرکت‌ها را به فکر نقل مکان به خارج انداخته است.

پیامدهای کمبود نیروی کار برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان کبکی آن قدر سنگین است که آن‌ها به‌ناچار زنگ خطر را برای مقامات به صدا درآورده و اعلام کرده‌اند که سال گذشته معضل شدید کمبود نیروی کار فقط در بخش تولید ۷ میلیارد دلار زیان به بار آورده و بسیاری از شرکت‌ها را به فکر خروج از استان انداخته است. به گفته دست‌اندرکاران بخش تولید در کبک، کندی و پیچیدگی روند پذیرش مهاجران از اصلی‌ترین علل تشدید معضل کمبود نیروی کار و خسارات سنگین ناشی از آن است.

ورونیک پرو، رئیس و مدیرعامل انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان کبکی MEQ گفت: «ما اغلب ما فکر می‌کنیم که در مونترال از نظر نیروی کار هیچ مشکلی وجود ندارد چراکه مهاجران زیادی در این شهر زندگی می‌کنند اما واقعیت این است که حتی بخش تولید مونترال نیز از مشکل کمبود نیروی کار رنج می‌برد. مونترژی، شویدیتر-آپالاش و کلان‌شهر مونترال مناطقی هستند که بیشترین آسیب را از این معضل متحمل می‌شوند.»

احتمالاً میزان خسارات ناشی از کمبود نیروی کار در کبک به‌مراتب بیشتر از رقم اعلام شده است چراکه این هفت میلیارد ضرر و زیان صنایع و کارخانه‌های تولیدی کبک بر پایه نظرسنجی از حدود ۳۰۰ شرکت تولیدی در فاصله ۱۴ سپتامبر تا ۱۱ اکتبر ۲۰۲۲ به دست آمده است. ۷۵ درصد شرکت‌ها در این نظرسنجی اعلام کردند که سال



اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

• فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف

• جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing

• تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com



Panneton & Panneton

Moving & Storage

تخفیف ویژه برای
هموطنان عزیز
در نظر گرفته
شده است.

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی

514 939 0099

8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

RE/MAX **RE/MAX Platine** **رکسان صمیم**
Agence Immobilière مشاور املاک مسکونی
Cell: 438-397-3212

با آشنایی کامل به مونترال و حومه
خدمات کامل را برای خریداران
مسلط به زبان فرانسه و انگلیسی
همراهی در تمامی مراحل خرید و فروش

Roxanne Sameem

Residential Real Estate Broker

Remax Platine
1850 Av. Panama #110
Brossard, QC J4W 3C6

Rokhan.sameem@remax-quebec.com
www.rsameem.com

Pharmacie
Golnasim Riahi

داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060



ارسال رایگان
در کبک و اونتاریو

1111 Boulevard Dr. Frederik-Philips, Suite 600
Montreal, Quebec H4M 2X6

514 519 3060 438 600 3691

www.riahipharma.com info@riahipharma.com

- نوشتن نسخه
- واکسیناسیون
- تست‌های پزشکی
- مشاوره درمانی
- دریافت نسخه
- دسترسی آنلاین
- انستال پرونده



سیاست
جامعه



مراقب شیوه جدید کلاه برداران باشید: اجاره دادن خانه بدون اطلاع صاحب خانه

تقاضای پرداخت پول برای بازدید از خانه، تقاضایی غیرمعمول است.»

آقای سیمار هم می‌گوید: «قبل از بازدید خانه برای اجاره، ابتدا از واقعی بودن آن اطمینان حاصل کنید و بررسی کنید که آیا آن خانه برای فروش در وبسایت Centris عرضه نشده است.»

متأسفانه در این شرایط، مشاوران و دلالان املاک جز این‌که تبلیغات جعلی در فیس‌بوک را به مقامات گزارش دهند، کار دیگری نمی‌توانند انجام دهند.

خانم لاووا تصریح کرد: «ضرر و زبانی که مستأجران می‌بینند، واقعاً ناراحت‌کننده است اما ما در این ماجرا مقصر نیستیم. شهروندان باید مراقب باشند و به هر آگهی یا تبلیغی اعتماد نکنند و در صورت مواجه شدن با چنین مواردی فوراً موضوع را به پلیس گزارش دهند.»

با توجه به این‌که این شیوه کلاه‌برداری جدید است، دایره تحقیقات اداره پلیس سگنه هنوز هیچ پرونده‌ای در این باره باز نکرده اما از شهروندان خواسته است در صورت مواجه شدن با این موارد، در مراجعه به پلیس و طرح شکایت تردید به خود راه ندهند چراکه ثبت شکایت و تحقیقات پلیسی و قضایی، روند شناسایی کلاه‌برداران را آسان‌تر می‌کند و از گرفتار شدن سایر افراد در این کلاه‌برداری جلوگیری می‌کند.

منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو مونریال

مستأجران فریب خورده پول درخواستی را به شماره حسابداری که کلاه‌برداران برای آن‌ها ارسال کرده‌اند واریز می‌کنند و به تصور این‌که خانه مدنظرشان را پیدا کرده‌اند، به آن خانه مراجعه می‌کنند اما با کمال تعجب می‌بینند که خانه برای فروش فهرست شده است و پولی که پرداخت کرده‌اند، به جیب کلاه‌برداران رفته است.

آقای سیمار می‌گوید: «ما طی یک ماه گذشته با چهار مورد از این کلاه‌برداری‌ها روبرو شدیم. ۱۶۰ بنگاه املاک در منطقه فعالیت می‌کنند و احتمالاً این شیوه کلاه‌برداری گسترده‌تر از آن چیزی است که در رسانه‌ها می‌شنویم.»

سه مشاور املاک دیگر نیز در منطقه تأیید کرده‌اند که اخیراً با چندین مورد از این شیوه کلاه‌برداری روبرو شده‌اند.

سونیا لاووا، کارگزار املاک آژانس Via Capitale می‌گوید: «آخر هفته گذشته دو مورد از خانه‌هایی که ما فروخته بودیم، توسط کلاه‌برداران برای اجاره ارائه شد. دلالان دیگری هم هستند که در این اواخر با موارد مشابهی مواجه شده‌اند. برای اولین بار است که با این شیوه کلاه‌برداری روبرو می‌شویم.»

اما برای این‌که طعمه کلاه‌برداران قرار نگیریم، چه باید بکنیم؟

خانم لاووا می‌گوید: «اگر در جستجوی خانه اجاره‌ای هستید، هرگز برای بازدید از خانه هیچ پولی تحت عنوان ودیعه پرداخت نکنید و بدانید

افزایش قابل‌توجه نرخ بهره بسیاری از افراد را بر آن داشته است به دنبال اجاره کردن خانه باشند. اگر شما هم به دنبال خانه اجاره‌ای هستید، مراقب باشید زیرا شیوه جدید کلاه‌برداران برای خالی کردن جیب متقاضیان خانه‌های اجاره‌ای این است که املاکی را که برای فروش عرضه شده‌اند، بدون اطلاع مالکانشان برای اجاره عرضه کنند و شهروندان را فریب دهند.

چندین شهروند مونترالی که برای فروختن خانه‌های خود با آژانس‌های املاک در ارتباط بوده‌اند، می‌گویند در ماه‌های اخیر با این روش جدید کلاه‌برداری روبرو شده‌اند. آن‌ها می‌گویند درحالی‌که روحشان هم خبر نداشته است، مشتریانی که گول کلاه‌برداران را خورده‌اند، برای اجاره به خانه‌های آن‌ها رجوع کرده‌اند.

پییر-اولیویه سیمار، دلال املاک Via Capitale می‌گوید: «در این ماجرا پای شرکتی در میان است که از فهرست‌های فروش ما در سایت Centris استفاده می‌کند. کلاه‌برداران عکس‌ها و توضیحات ما درباره خانه‌های اجاره‌ای را از این سایت برمی‌دارند تا از آن‌ها برای فریب دادن مشتریان املاک اجاره‌ای استفاده کنند. این شرکت مدعی خدماتی در زمینه جستجوی خانه‌های اجاره‌ای و بازدید از آن‌ها به مشتریان بالقوه ارائه می‌کند.»

کلاه‌برداران از مستأجران می‌خواهند که قبل از مراجعه به خانه اجاره‌ای و بازدید آن، مبلغی معادل ۱۵۰۰ دلار به‌عنوان ودیعه پرداخت کنند.



حذف یک وعده غذایی برای برخی کبکی‌ها به دلیل تورم روزافزون

مالی بنیاد نیز به‌طور مستقیم تأثیر گذاشته و آن را مجبور کرده است برای خرید این نیازها، بیشتر از گذشته هزینه کند.

در این شرایط اصلاً جای تعجب نیست که آشپزخانه‌های جمعی نیز با افزایش تقاضا روبرو شده‌اند و مدیران آن‌ها باید همه‌چیز را به‌دقت محاسبه کنند تا با بودجه‌ای که در اختیار دارند، بتوانند نیازها را برطرف کنند.

ژوزه دی دوماسو، سخنگوی گروه «آشپزخانه‌های جمعی کبک» می‌گوید تورم فزاینده آشپزخانه‌ها را هم مجبور کرده است در خریدهای خود تغییراتی ایجاد کنند تا بتوانند بودجه و هزینه خود را به‌درستی مدیریت کنند. درست است که گیاه‌خواری از بسیار جهات سودمند است اما اگر این نوع تغذیه تحمیلی باشد، حتی با بهترین دستورالعمل‌های آشپزی نیز طعم خوشایندی نخواهد داشت.

بیشتر مشتریان مرکز اجتماعی Carrefour solidaire در مونت‌رال را کارگران و دانشجویان تشکیل می‌دهند. بسیاری از کارگران می‌گویند درآمدهای آن‌ها دیگر کفاف هزینه‌هایشان را نمی‌دهد. این وضعیت در سال‌های گذشته هم کم‌وبیش وجود داشته اما همه‌گیری کرونا و تورم فزاینده، این گروه را آسیب‌پذیرتر از قبل کرده و کارگران بیشتری را وادار کرده است دست نیاز به سمت گروه‌های اجتماعی دراز کنند.

منبع: وبسایت شبکه خبری لاپرس

هزینه مواد غذایی خود و خانواده‌اش است، دچار ناامنی غذایی خفیف است. افرادی که پیش‌ازاین چنین وضعیتی داشتند، طی دو سال اخیر شرایط وخیم‌تری پیدا کرده و ناخواسته به سمت ناامنی غذایی متوسط یا شدید حرکت کرده‌اند به این معنی که کمیت و کیفیت تغذیه آن‌ها کاهش یافته و حتی در مواردی یک وعده غذایی آن‌ها حذف شده است.

بر اساس اطلاعاتی که موسسه ملی بهداشت عمومی کبک منتشر کرده است، از مه ۲۰۲۰ تا سپتامبر ۲۰۲۲، نسبت جمعیت استان که از ناامنی غذایی متوسط یا شدید رنج می‌برند از ۸ درصد به ۱۵ درصد افزایش یافته است.

با توجه به این‌که سایر هزینه‌ها به‌ویژه مسکن نیز در حال افزایش است و فشار بر خانواده‌ها را تشدید می‌کند، بسیاری از کبکی‌ها برای اولین بار مجبور شده‌اند برای تأمین نیازهای غذایی خود به سازمان‌های حمایتی و گروه‌های اجتماعی روی آورند.

مسئولان بنیاد Olo می‌گویند افزایش قیمت مواد غذایی موجب افزایش تقاضای بن‌های غذایی شده است که خانواده‌ها در دوران بارداری و طی دو سال اول زندگی نوزادان خود دریافت می‌کنند. تقاضا برای تخم‌مرغ ۳۲ درصد، شیر ۲۰ درصد و سبزی‌های منجمد ۲۷ درصد افزایش یافته است. در این میان افزایش قیمت مواد غذایی بر منابع

سیلوی شامبرلان، مدیرکل مرکز اجتماعی Carrefour solidaire می‌گوید افزایش قابل‌توجه قیمت مواد غذایی موجب شده است درآمد بسیاری از کارگران کفاف هزینه‌های آن‌ها را ندهد به‌طوری‌که خیلی از آن‌ها مجبور می‌شوند از خرید برخی مواد غذایی مثل گوشت یا کره چشم‌پوشی کنند.

کم نیستند افراد یا خانواده‌های کبکی که این روزها به علت تنگدستی و کمبود منابع مالی، غذایی را که قیمت آن‌ها دائماً در حال افزایش است از سبد غذایی خود حذف می‌کنند و یا حتی از یک وعده غذایی خود به‌طور کامل چشم‌پوشی می‌کنند. بسیاری از افراد برای اولین بار به بانک غذایی مراجعه می‌کنند.

بنیاد «اولو» Fondation Olo که از زنان باردار و خانواده‌های دارای فرزند خردسال در کبک حمایت می‌کند، در این اواخر شاهد افزایش قابل‌توجه درخواست‌های کمک بوده است.

فرانسوا فورنیه، از مسئولان «دیده بان نابرابری‌ها در کبک»، با تأیید این وضعیت می‌گوید از دو سال پیش همه شرایط برای تشدید ناامنی غذایی مهیا شده و این دقیقاً همان چیزی است که آمار و ارقام نشان می‌دهد.

این محقق کبکی پیامدهای همه‌گیری کرونا، بحران مسکن، رشد چشمگیر تورم و افزایش قابل‌توجه قیمت مواد غذایی را عوامل اصلی شکل‌گیری این وضعیت می‌داند.

فردی که نگران استطاعت مالی خود برای پرداخت



هفته هزار دلار مالیات اشتباهی برای یک ایرانی در ونکوور

آن‌ها از مغازه‌های محل بود ارائه کرد. همسایه‌ها نیز حاضر بودند که شهادت دهند که والدین آقای اسکندری در آن جا زندگی می‌کردند. اما مشکل آن جا بود که قبوض آب و برق به نام پدر و مادر آقای اسکندری نبودند. کشاکش مانند یک دادگاه ادامه داشت تا این که ماه گذشته سرانجام شهرداری درخواست تجدیدنظر او را پذیرفت و پرونده مختومه اعلام شد. متخصصان قانون مالیات می‌گویند که مالیات‌های رایج بیش از اندازه نادقیق‌اند و این می‌تواند گریبان کسانی مانند آقای اسکندری را که هیچ تقصیری ندارند، بگیرند. همچنین، یک نقص دیگر این است که اگر کسی به‌موقع تشکیل پرونده ندهد، مقصر شمرده می‌شود و باید مالیات بر خانه خالی بپردازد. نوآ سارنا، وکیل یک شرکت کانادایی متخصص در قانون مالیات، می‌گوید که دولت‌هایی که این مالیات را وضع می‌کنند، مشکلات را نادیده می‌گیرند و این موضوع سبب می‌شود که گاهی افراد بی‌گناه برای کاری که نکرده‌اند مجازات شوند. آقای اسکندری هم نومی‌دانه می‌گوید که من منطبق این قانون را کاملاً می‌فهمم. نیت قانون‌گذاران درست است، اما پای تفسیر که پیش می‌آید اشتباهات مشخص می‌شود.

منبع: وبسایت شبکه خبری گلوب اند میل

دولت فدرال هم طرح خود در این زمینه را در اوایل سال جاری معرفی کرد. بر پایه این طرح، مالیات یک درصدی بر املاکی اعمال می‌شود که متعلق به افراد غیر مقیم غیر کانادایی است و به‌عنوان «استفاده غیر مولد از مسکن کانادایی» شناسایی شده‌اند.

باین‌حال، گاهی این مالیات بر دوش کسانی می‌افتد که اصلاً در این مختصات نمی‌گنجند. برای نمونه، شهرداری ونکوور به هانی اسکندری، مهندس برق، و همسرش که یک دانشمند است حکم داده بود که ۱۷ هزار دلار مالیات بر خانه‌های خالی برای سال ۲۰۲۰ بپردازند. این خانه ولی خالی نبود و والدین آقای اسکندری در این خانه زندگی می‌کردند. آن‌ها تازه از ایران آمده بودند و چشم‌انتظار جاگیر شدن در آپارتمانی بودند که پیش‌فروش شده بود. آن‌ها هفت ماه در خانه آقای اسکندری ماندند درحالی‌که آقای اسکندری منتظر بود تا مجوز تخریب آن را به‌عنوان بخشی از طرح بازسازی کامل بگیرد. در این بین، او و همسرش در آپارتمانی در مرکز شهر زندگی می‌کردند.

کارمندان شهرداری ونکوور مدارک و اسناد آقای اسکندری مبنی برای خالی نبودن خانه را باور نمی‌کردند. او سوگند خورد و همچنین قبوض آب و برق پرداختی را برایشان فرستاد. همچنین کپی‌هایی از پرداخت با کارت اعتباری از فروشگاه‌های محلی که نشان‌دهنده خرید کردن

با افزایش سرسام‌آور قیمت مسکن در تورنتو و ونکوور در سال‌های اخیر، همه به دنبال یافتن مقصر افتاده‌اند. برخی سرمایه‌گذاران خارجی پولدار که املاک و مستغلات را در این شهرها می‌خرند و آن‌ها را خالی می‌گذارند به‌عنوان مقصر معرفی می‌کنند، درحالی‌که اطلاعات موجود نشان‌دهنده درستی این موضوع نیست.

با حمایت افکار عمومی، در سال ۲۰۱۷، برای نخستین بار، موضوع مالیات بر خانه‌های خالی معرفی شد که یک درصد از ارزش ملک بود. این رقم در سال ۲۰۲۲ به سه درصد رسید و در سال آینده هم به پنج درصد خواهد رسید.

در سال ۲۰۱۸، دولت استانی بریتیش کلمبیا طرح مالیات بر خانه‌های خالی را معرفی کرد و امسال آن را به فراتر از مراکز اصلی گسترش داد. سال آینده، این طرح باز گسترش خواهد یافت.

داده‌های وام مسکن و مسکن کانادا نشانگر آن‌اند که این موضوع موفقیت‌آمیز بوده و مالکان را مجبور کرده که در واحدهایشان زندگی کنند یا آن‌ها را اجاره بدهند.

دیگر دولت‌های استانی نیز به این موضوع توجه نشان داده‌اند. تا اواسط ماه آینده، ساکنان تورنتو باید اعلام کنند که آیا در املاک خود زندگی می‌کنند یا نه. اگر کسی این کار را نکند، یک درصد از ارزش ملک خود را به‌عنوان مالیات باید بپردازد.



بازگشت دوباره ماسک به انتاریو: آیا به سال ۲۰۲۰ باز خواهیم گشت؟

کمک به آسیب‌پذیرترین افراد و کاهش فشار بر بیمارستان‌ها و نیز کاهش شمار بیماران انجام دهند.

او افزوده که ماسک زدن داوطلبانه می‌تواند به کاهش انتقال بیماری‌های تنفسی و کاهش فشار بر سیستم درمانی کمک کند.

روملیوتیس گفته است که اگر کاری کنیم که همه داوطلبانه ماسک بزنند، حتی اگر ۶۰ یا ۷۰ درصد از جمعیت از این موضوع استقبال کنند، میزان ویروس در گردش کاهش خواهد یافت. الزام گام بدی است که مایلیم از آن اجتناب کنیم، اما نمی‌شود کامل آن را رد کرد.

دکتر ورا اچز، سرپزشک اتاوا، هفته گذشته گفت که به دولت استانی نامه نوشته تا استفاده گسترده از ماسک را تشویق کند. او همچنین احتمال الزام در ماسک زدن را رد نکرده است.

گفتنی است که بیمارستان‌های کودکان در سراسر انتاریو با افزایش تعداد بیماران در بخش‌های اورژانس و مراقبت‌های ویژه مواجه‌اند. انجمن بیمارستان انتاریو از شهروندان خواسته است که در فضاهای بسته از ماسک استفاده کنند و واکسن‌های کووید-۱۹ و آنفولانزا بزنند.

روملیوتیس هم از والدین خواسته که در صورت مریض بودن کودکان تا حد امکان آن‌ها را در خانه نگه دارند.

منبع: وبسایت‌های سی‌تی‌وی و سی‌بی‌سی

در این میان، داگ فورد، نخست‌وزیر انتاریو، هم خواستار ماسک زدن داوطلبانه شده و گفته که از نظر مور در این زمینه پیروی خواهد کرد.

دکتر پل روملیوتیس، مسئول پزشکی واحد بهداشت شرق انتاریو، گفته است که دستور الزام‌آور منتفی نیست، ولی در این شرایط ضرورتی ندارد.

او می‌گوید که الزام گام بعدی است. دلیل تردید من نیز این است که اگر قرار است الزامی باشد، این الزام باید برای همه باشد، نه فقط مثلاً برای مدارس. دیگر این‌که، اکنون ما در موقعیتی متفاوت نسبت به آن زمانی هستیم که ماسک زدن را الزامی کردیم.

روملیوتیس افزوده است که اکنون با درمان‌های شناخته‌شده برای کووید-۱۹ و نیز واکسن‌ها، ویروس تا حدی کنترل شده و این وضعیتی متفاوت با سال ۲۰۲۰ است که همه‌گیری آغاز شده بود.

او خاطرنشان کرده است که چنین الزامی بر مشاغل و دیگر اقشار فشار وارد می‌آورد. البته من نمی‌گویم که الزام به زدن ماسک اتفاق نخواهد افتاد، ولی باید در این زمینه دقت به خرج داد، چون می‌تواند باعث مشکلات بسیاری شود.

روملیوتیس بیان کرده است که ما به سال ۲۰۲۰ بر نمی‌گردیم. بسیاری از مردم از این ویروس و از این محدودیت‌ها خسته شده‌اند و نگران برقراری دوباره این محدودیت‌ها هستند. ماسک زدن امری موقتی است که مردم می‌توانند داوطلبانه برای

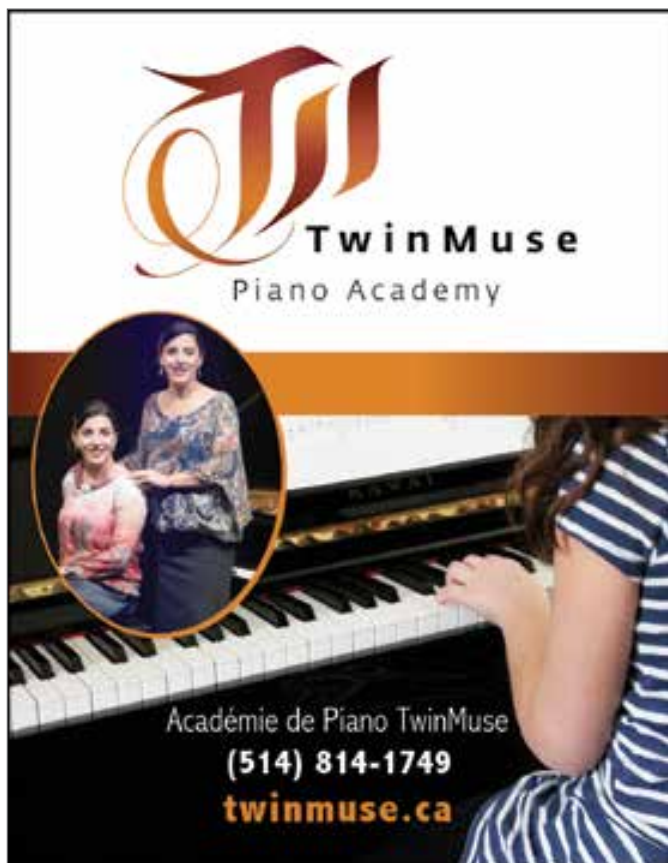
با شیوع گسترده ویروس‌ها، کارشناسان گفته بودند که احتمالاً به زودی دستورهای زدن ماسک در انتاریو، برای مهار روند گسترش ویروس‌ها در جامعه، از سوی مدیر ارشد پزشکی استان اعلام خواهد شد - دستوری که همین امروز، دوشنبه، دکتر کایران مور، مدیر ارشد پزشکی انتاریو، اعلام کرد.

به گزارش هفته و به نقل از «سی‌بی‌سی» و «سی‌تی‌وی»، مور به انتاریویی‌ها توصیه کرده است که در مکان‌های عمومی ماسک بزنند. این امر در راستای مهار شیوع انواع ویروس‌های تنفسی، مانند کووید-۱۹ و آنفولانزا، که منجر به پر شدن بیمارستان‌های کودکان گشته، اعلام شده است.

مور گفته است: «اکیداً توصیه می‌کنم که انتاریویی‌ها در همه مکان‌های عمومی سرپوشیده، از جمله در مدارس و مراکز مراقبت از کودکان، ماسک بزنند.»

مور افزوده آن چه که با آن روبرو هستیم، تهدیدی است که مستلزم اقدامات جمعی ما برای محافظت از آسیب‌پذیرترین افراد - کودکان، مسن‌ها و کسانی که بیماری زمینه‌ای دارند- است. ماسک زدن کمک خواهد کرد سیستم بهداشت و درمان انتاریو همچنان بتواند به نیازهای بیماران پاسخ بگوید.

باین حال، انتظار نمی‌رود که در آینده مور دستوری الزام‌آور برای زدن ماسک اعلام کند.



توین میوز
Twin Muse
Piano Academy

Académie de Piano TwinMuse
(514) 814-1749
twinmuse.ca

استاد شیدا قره چه داغی
اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان های
دانشکده ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت

514 484 8748
sheida.g@hotmail.com

Ottawa Persian Radio
www.PersianRadio.net

نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

Ottawa Persian Radio
Namaashoum
Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001
www.PersianRadio.net

رادپونماشوم
اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری همکاران تازه است
www.PersianRadio.net
[@namaashoum_radio](https://t.me/ottawaradio)

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی
مقدماتی
ردیف

saberjallizadeh@yahoo.ca 514-549-4697



آریانا
مقاله
گزارش

ادیبان افغانستان چه می گویند:

آیا به زبان گفتار بنویسیم یا ننویسیم؟

می سازند که گاه سبب می شود، حروفی را از یک کلمه بردارند؛ طور مثال: (او مرا بخانه خواست.) می بینیم که این جمله را به صورت کوتاه نوشته اند. برخی از حرف ها را از کلمه ها برداشته اند. چنین کار سبب می شود که هر چند مفهوم جمله به ذهن خواننده انتقال می یابد. مگر خواننده را از نظر گرامری به خطا می برد؛ چنانچه: او - ضمیر اشاره، مرا - درحقیقت دو کلمه «من» و «را» ترکیب شده و شکل کوتاه «مرا» گرفته است. از یک سو «مرا» یک کلمه شده که از نظر گرامری مفهوم درست نمی رساند. اما به طور جدا «من» ضمیرشخصی و «را» حروف اضافی اند. هم چنان: درجمله بالا دو کلمه «به» و «خانه» در «بخانه» ترکیب شده اند که به پیشینه ای است که به طرف خانه که اسم مفعول است، جهت را می نمایند. نتیجه کوتاه نویسی این که در جمله بالا دو حرف «ن» و «ه» برداشته شده که درحقیقت جمله را از نظر گرامری ناقص می سازد که همین ضرر را امروز در دنیای مجازی فیسبوک به طور چشم گیر می توان مشاهده کرد. حتی افراد با دانش افعال را برخلاف زمان آن می نویسند. بسیاری برآن اند تا کوتاه بنویسند؛ مثال: (رفیقا دیروز رفتن.) در این جمله علامه جمع اسم «ها» را به طور کوتاه با «ا» می نویسند و فعل گذشته از مصدر رفتن «رفتند» می باشد که به جای شکل گذشته فعل؛ شکل مصدری آن را می نویسند که بدبختانه چنین رویه خیلی ها زیاد شده است. نتیجه این که کوتاه نویسی در حقیقت نوعی بی تفاوتی و سهل انگاری خواهد بود که در نوشتن به کار گرفته می شود و در حقیقت به طور غیرمستقیم آموزش زبان فارسی را ضربه می زند و



دکتر خوش نظر پامیرزاد

درباره اینکه ساده انگاری زبان در نوشتن سبب چه می شود؟ محترم خوش نظر پامیرزاد به این عقیده است: «برای نوشتن و حتی برای سخن گفتن هم حد و مرزی معین شده است. به این صورت نوشتن به زبان گفتاری (محواره ای و لهجه ای) که آن را شکستن کلمه ها یا واژه های محواره ای هم تعبیر کرده اند، دریک حد و حدودی قبول شده که نباید از آن گذشت. گذشتن از این حد و حدود زیاده رویی را نشان می دهد و زبان را به زبان محواره ای یا زبان عامیانه که زبان مردم بی سواد باشد، می کشاند و سبب می شود تا فاصله میان زبان گفتاری و زبان نوشتاری را زیاد سازد و این کارگاهی باعث می شود تا پیام یک متن به صورت گفتاری انتقال داده نشود. و ازسوی دیگر کوتاه نویسی به معیارهای یک زبان ضربه محکمی می زند. زیرا، هرگاه یک متن را که متشکل از جمله هاست و اجزای جمله ها را کوتاه

زبان گفتاری یا زبان محواره ای نوعی از کاربرد زبان است که بیشتر افراد از این زبان در هنگام گفت و گو استفاده می کنند. این نوع از زبان، معمولاً در اکثر زبان ها، در قالب گفتار استفاده می شود. ساختارهایی که در زبان محواره استفاده می شود، عموماً از ساختارهای زبان نوشتار ساده تر و کوتاه تر می باشد.

در این اواخر استمرار نوشتن متن های عامیانه یا لهجه نویسی در صفحات اجتماعی باعث اعتراض عده ای از فرهنگیان و ادیبان شده و ازاین شیوه انتقاد کرده اند.

اینکه درچه موارد می توان به لهجه نویسی پرداخت و ساده انگاری زبان؛ چه ضررهای را در قبال خواهد داشت؟ موضوعی است که اکنون به آن می پردازیم: دکتر خوش نظر پامیرزاد درباره اینکه لهجه نویسی در زبان فارسی تا چه حد معمول است؟ به هفته گفت: «از یک نقطه ای نظر؛ زبان مجموعه ای از نشانه هاست که به شکل قرارداد در امتداد زمان استفاده می گردد تا پیام خود را انتقال بدهد. در بخش زبان نوشتاری ثبت و نوشتن این نشانه ها و یا رمزها به صورت معیاری است که با زبان گفتاری (محواره ای یا لهجه ای) فرق می کند که زبان نوشتاری زبان فارسی با زبان گفتاری آن مانند هر زبان دیگر متفاوت است. در استفاده لهجه ای زبان در نوشتن گاهی همین معیارها برهم می خورند. دانشمندان و زبان شناسان می پذیرند که می توان مطالب را به زبان گفتاری هم نوشت اما، بدان شرط که در نوشتن یک متن اگر لهجه ای هم نوشته شود، متن باید از آغاز تا پایان یکسان نوشته شود. یعنی این که صورت نوشتن به طور یکسان به زبان گفتاری باشد.»

این کار سبب می‌شود تا گوینده‌گان زبان فارسی قاعده دستوری آن را به شکل لازم درک نکنند.»



اسماعیل لشکری

اسماعیل لشکری شاعر و فعال فرهنگی و ادبی در افغانستان که در عرصه ادبیات تحقیقات بی‌شماری را انجام داده در این باره به نقل از استاد باوربامیک که با زبان گفتار نویسیم چنین ابراز نظر نموده است:

«شتاب‌زده‌گی، کم‌حوصله‌گی، ساده‌انگاری و ساده‌گرفتن زبان در نوشتن، سرانجام سبب وارد کردن آسیب‌های جدی بر بدنه و ساختار زبان معیاری می‌شود. آدمی که در پیوند به زبان‌اش رسالت‌مند و متعهد باشد، هیچ‌گاه و در هیچ جایی با زبان گفتار نمی‌نویسد. دوستان و گویش‌ورانی که در پیام‌خانه‌های گروهی، در دیدگاه‌نویسی و موضوع‌های رخنه‌یابی و درکل در شبکه‌های مجازی با زبان گفتار می‌نویسند و در نوشته‌ی خود واژه‌ها و مصطلحات زبان‌های بیگانه، به ویژه زبان انگلیسی را به کار می‌برند، پالوده‌گی، اصالت و قاعده‌مندی زبان معیار را برهم می‌زنند.

این روی‌کرد سبب می‌شود تا آموزنده‌گان و نوآموزان زبان، گرفتار چالش‌های جدی شده، از مسیر اصلی زبان به بی‌راهه بروند. هم‌چنین نوشتن با زبان گفتار، رسم‌الخط، آیین‌ها و مصداق‌های دستوری زبان را خراب می‌کند و به کاربردن واژه‌گان و نام‌واژه‌های بیگانه، پهنه‌ی زلال زبان را پلید و آلوده می‌کند.

در این میان شهره‌شده‌گان (سلبریتی‌ها)، که بیش‌تر از دیگران بر مردم و مخاطبان‌شان اثر

گذارند، اگر با زبان گفتار و کوچه و بازار بنویسند، زبان بیش‌تری بر پیکره‌ی زبان می‌زنند. از نگاه اصول نویسنده‌گی تنها در داستان و رمان و در یادکرد گفته‌ها و روایت‌هاست که نویسنده می‌تواند به زبان شکسته یا زبان گفتار رو بیاورد. آن نیز برای رعایت امانت در گفته‌ها و نقل‌قول‌ها و اعتبار نوشته و موضوع است، نه آماج دیگری.»



حسین پرواز

حسین پرواز ادبیات‌شناس و استاد دانشکده زبان و ادبیات به تاکید از نظریات دیگران به هفته گفت: «هر کاربرد زبان موظف است که شکل گفتاری و هم شیوه نوشتاری خود را بسیار جدی و مهم و با ارزش بداند و با دقت و حساسیت دنبال کند و به آن توجه داشته باشد که این یک امر کلی در انتقال و نگهداشت زبان به نسل بعدی می‌باشد و اینکه در کدام موارد می‌توان به زبان عامیانه و لهجه پرداخت، گفت: «نوشتن به زبان لهجه در جریان یک داستان یا روایت حتی ضروری است؛ ولی در متن‌های آکادمیک، دانشگاهی، ادبی و علمی نباید به لهجه نوشت.»

عبدالحی خراسانی در صفحه فیسبوکش درباره لهجه‌نویسی چنین نوشته است:

الف) لهجه‌نویسی: لهجه‌نویسی در زبان فارسی/ دری، هنر دیرینه و بخش مهمی از انشاء زبان گفتاری محسوب می‌گردد. در تاریخ ادبیات زبان پارسی کم و بیش شخصیت‌های بوده‌اند که با

نگارش لهجه‌های گفتاری، بیشتر در نمایشنامه‌ها، خاطرات سفر یا به ویژه در نگارش رمان از لهجه‌های محلی استفاده کرده‌اند.

واضح است که لهجه‌نویسی محلی مستلزم تبحر و اشراف کامل در ریشه و خاستگاه اصطلاحات رایج و انشاء دقیق گویش می‌باشد.

ب) در تاریخ زبان و ادبیات فارسی لهجه‌ای به نام دری نداریم، این خود غلط مشهور و مطلق است؛ زیرا دری نام دیگری زبان پارسی است. در زبان پارسی لهجه‌های: اصفهانی، هراتی، سمرقندی، کابلی، تهرانی، خوارزمی، کاشغری، خجندی و غیره داریم؛ که همگی لهجه‌های متنوع و متکثر زبان و فرهنگ فارسی می‌باشد.

ج) آنچه را که در این روزها می‌نویسند، لهجه‌ی شیرین اصیل کابلی نمی‌باشد. دوستانی که قبل از سال‌های ۱۳۵۷ کابل عزیز را زیارت نموده باشند، به درستی می‌دانند که لهجه‌ی خالص کابلی بسیار زیبا و دلنشین است.

کودتای ۱۳۵۷ باعث موج مهاجرین دولتی از جنوب و شرق و شمال به کابل شد و نخستین ضربه را به گویش اصیلی کابل زد. پیروزی جهاد و حکومت مجاهدین در سال ۱۳۷۱ باعث موج سهمگین و هجوم ویرانگر از پاکستان و ایران و تمام اطراف به کابل گردید و ضربه‌ی دوم به فرهنگ و گویش استندرد کابلی بود.

روی کار آمدن طالبان و موج سوم مهاجرت به کابل چیزی از لهجه‌ی اصیل کابل عزیز باقی نمانده است و آنچه امروز در خیابان‌های کابل گفته و شنیده می‌شود؛ کشکول لهجه‌های ناکجا آباد در کابل می‌باشد. نماد لهجه‌ی شیرین و استندرد کابل کسانی مانند: شاعر مردمی کابل شادروان صوفی عشق‌ری، استاد بیتاب، قاری عبدالله، عبدالرحمن محمودی می‌باشند.

فیروز خاور به این عقیده است: «اهل ادبیات این را باید بدانند و تفکیک کنند که لهجه‌نویسی در شعر و داستان نظریه ضرورت مجاز است که از زبان گفتاری استفاده شود نه در متن‌های خبری و معمولی. حتا در داستان هم رهنورد زریاب طرفدار نبود که زیاد از زبان گفتاری استفاده شود و محمود دولت آبادی را مثال داده بود که در افغانستان مردم به تفهیم آن مشکل دارند.»



سن بازی

کاکا سهراب مرد غریب کاری که از ساختن تنور شکم سیر می‌نمود و کسی و کوهی نداشت، هنگام بی‌کاری پیشانی آفتاب‌زده و سیاه سوخته‌اش را به حرارت آفتاب می‌سپرد و خوابش می‌برد که دختران از موقع استفاده نموده گل پخته شده‌اش را می‌دزدیدند و دیگ و کاسه می‌ساختند.

آن روزی که پدر سیما هر دو دختر را به یگانه اتاق کرایه‌شان طلب کرد، دست‌های سیما و شیما هنوز گل‌آلود بود. مادر اندر سیما به هر دویشان غضب‌آلود فرمان داد که بروند و دست و روی خود را بشویند که مهمان می‌آید. آن‌ها ناگزیر دست و روی خود را شستند، لباس‌های تافته‌ای شستگی‌شان را که در عید پارسال برای‌شان دوخته بود، پوشیدند و منتظر مهمان نشستند. آن‌ها هنوز از گدی و دیگ و کاسه‌ای‌شان حرف می‌زدند که مهمانان رسیدند و بعد از گفت‌وگوی مختصر پدر سیما دست وی را گرفته به دست یک‌فامیل داد و دست شیما را

که از کفیدن دیگ بلند می‌شد، موجی از خنده و خوشحالی آن‌ها را بر دل فضا پخش می‌نمود و سیما را جری‌تر می‌ساخت، بلند بلند می‌گریست و بالای هر یکشان حمله می‌کرد. دختران از دسترس او دور شده، بلند و با چیغ و فریاد می‌خندیدند که گویی اصلاً صدای نحیف سیما را نمی‌شنیدند. شیما که عمه‌ای سیما بود و از وی دو سال بزرگ‌تر، وی را تسلی می‌داد، اشک‌هایش را با نوچاره سه‌کنجه‌اش پاک می‌کرد و موهایش را از مقابل چشمان نافذش دور می‌ساخت.

شیما افسقال‌تر، باجرات‌تر و بزرگ‌منشانه‌تر عمل می‌کرد. آن‌گاه از نزد دختران دیگر دورش می‌نمود و بار دیگر از گل تنورسازی کاکا سهراب چنگالی برمی‌داشت و به همان ژست مادرانه می‌گفت:

تشویش نکن حالا دیگ و کاسه‌ای مسی می‌سازیم و تا زمانی که خشک نشود به آن‌ها نشان نمی‌دهیم.

سیما و شیما دو دختری بودند که از خوردی شوق مشترک داشتند و هر دو با هم گدی بازی می‌کردند، گل سیاه را از یگانه جویچه‌ای که از میان قریه‌ای‌شان می‌گذشت گرفته دیگ و کاسه می‌ساختند و در تابش آفتاب قرار می‌دادند، گدی‌های لته‌ای می‌ساختند و به تن آنها لباس محلی و چین‌دار می‌کردند. آنها را با هم عروسی نموده میله و ساعت تیری ایجاد می‌نمودند. دختران هم‌سنشان در عروسی گدی‌ها شرکت نموده و در دل کوچه‌ای پر از خاک و خامه رقص و پای‌کوبی سرمی‌دادند که از دوران شیرین کودکی خویش به‌خوبی استفاده نمایند. گاه‌گاهی که اطفال قد و نیم‌قد مادر اندر سیما بتنگ‌اش می‌کرد، موهای سیما را کشانده و وی را به‌خانه می‌برد تا اطفال را نگهداری و مواظبت نماید. ورنه همیشه در خاک و گرد کوچه خلط بودند و وقت می‌گذرانده.

سیما زمانی شدیداً عصبانی می‌شد که دختران دیگر، دیگ‌های وی را بر زمین می‌زدند؛ صدای

به دست فامیل دیگر داده گفت:

بعد از امروز این‌ها مال شما هستند. گوشتشان از شما و استخوانشان از ما. شیما که قبل از سیما سیلی بی‌پدري و بی‌مادري را خورده بود و به گفته‌ای خودش چیزی برای از دست دادن نداشت، جرأت کرد و اعتراض‌آمیز گفت:

این‌ها کی هستند و ما را کجا می‌برند؟ برادرش که اختیاردار وی بود، گفت:

جان لالا ما غزنی می‌رویم و شما را برده نمی‌توانیم. این‌ها خانواده‌های شما هستند. کاکا غضنفر که همراهی بینی حرف می‌زد. دست شیما را گرفت و با همان ژست مردان بزرگ و باتجربه گفت:

بیا دختر من کوشش می‌کنم ترا از دو زن دیگرم کرده خوب‌تر نگه کنم و نازت را بکشم. بدن شیما لرزید و زبانش از تعجب بند آمد. با غضب طرف وی دید و دست‌اش را به شدت کشید و به‌گریه شد. سیما همچو بره گگ رام شده‌ای دست مادر مردی را که از یک‌دست چولاق بود، گرفت و به‌راه افتاد.

نسیم شوهر سیما مرد نسبتاً جوانی بود که نقص فکری‌اش را با خنده‌های بی‌موجب و لب و لوجه‌ای کشال‌اش به‌رخ همه می‌کشید. او با نگاه‌های حریصانه سیما را ورنانداز می‌کرد و ذوق‌مندان می‌گفت: بیا بوبو جان، بیا که از برکت تو صاحب زن شدم...!

برای شیما که مرگ پدر و مادرش وی را از اول بی‌کس ساخته بود نگرانی وجود نداشت و از خود دفاع هم می‌توانست. ولی برای سیما خیلی مشکل می‌نمود که از پدر، برادر و خواهر خورد خود دور می‌شد.

شیما باید با شوهر پیر، دو امباق و یک درجن دختران آن‌ها سر و کله می‌زد و برای غضنفر بچه می‌زایید که کمبود پسر داشت. و اما بیچاره سیما باید ناز مردی را می‌کشید که گاهی آب بود و گاهی آتش، وقتی عصبی می‌شد زمین و آسمان را به هم می‌دوخت و وقتی خوش می‌بود؛ پیش روی همه سیما را در آغوش می‌گرفت، بوسه‌ای آبداری از روخش می‌ربود و وی را شرم‌نده می‌ساخت. برای سیما

خیلی زود بود که آن همه گرم و سرد را هضم نماید. ولی خوش چانسی وی در آن بود که به‌خانه‌ای شوهر هم یک‌مدافع خوبی داشت که خشویش از وی حمایت می‌کرد و درمقابل طوفانی از خشم پسر نارس‌اش هایل می‌شد، تا به‌گفته‌ای خودش دامنش بر سرش بالا نشود. به‌سیما طرز زندگی کردن می‌آموخت و روز تا روز برمه‌ارت‌اش می‌افزود.

خسر و ایوره‌ایش که شهری بودند و از طرز زندگی شهری سررشته‌ای خاصی داشتند سیما را همانند دختر خانواده می‌آراستند و به‌میل و ساعت تیری می‌بردند. همه خیال‌اش را تا اندازه‌ای داشتند. ولی زندگی شیما در یک مقابله‌ای کُستی آزاد خورد و خمیر می‌شد و انتظار کاکا غضنفر هم از بچه‌دار شدن وی به‌درازا می‌کشید. زنان دیگر طعنه‌آمیز برایش می‌گفتند:

بابه کوپک پس پیری شوق بی‌جا کردی - درحقیقت خود بس خيله و رسوا کردی. با این گدی بازی ریش خود را بر باد دادی و سر ما را سوختاندی، ولی زن هوس‌ات نازا برآمد. کاکا غضنفر هنوز که هنوز بود از شیما ناامید نشده بود و هر روز منتظر حامله شدن وی بود. تا اینکه زمان همه‌چیز را ثابت کرد و شیما به‌ضم زنان قریه عیب پیدا نمود و صاحب اولاد نشد که نشد. کاکا غضنفر بی‌حوصله شده شیما را از منزل خودش بیرون نمود. شیما جایی نداشت که برود یک‌مدتی به‌منزل سیما آمد و مهمان ناخوانده‌ای هم‌بازی طفلی و برادرزاده‌اش شد.

سیما به مرور زمان بزرگ و بزرگ‌تر می‌شد و به سن بلوغ جسمی و فکری می‌رسید. هنگامی که به گفته‌ای شوهرش کرم سرش تور می‌خورد و عصبی می‌شد با دشنام‌های رکیک و زننده سیما را طعنه می‌داد که به‌اندازه‌ای یک‌بوجی کاه پول داده و او را از پدرش خریده است که نزد او حیثیت مال را دارد. دل سیما جرعه‌دار می‌شد و احساس کمتری بدنش را می‌لرزاند. به‌پشت خشو که عامی‌اش بود، پنهان شده و عقده گلویش را می‌فشرد. شیما که هم‌سان برادرزاده‌اش دردهای ناگفتنی داشت، نخست از

برادرش که آنها را در سن خورد سودا کرده بود و پی کارش رفته بود، شاکی می‌شد و بعد سیما را تسلی داده می‌گفت:

شوهرت آدم زحمت‌کش و باغیرتی است؛ با یک‌دست چُلاق، دست‌فروشی نموده حداقل یک‌لقمه نان حلال سر دست‌خوانت می‌آورد. تحمل کن و هنگام عصبی شدنش مقابلش نیا، بر زبانت قفل خاموشی بی‌انداز و به آینده‌ات فکر کن. مرا ببین که حتی بالای دست‌خوان شما دستم به‌کاسه دراز نمی‌شود. هرگاه زن نمی‌بودم و از خطرات بیرون نمی‌ترسیدم از اینجا می‌رفتم. سیما با بغضی که گلویش را می‌سوزاند می‌گفت:

تو گله داری که من خواهر اندر وی بودم که این بلا را سرم آورد، من خو اولاد خودش بودم. منتها... عمه آه کشیده می‌گفت:

منتها ندارد. دختر زن متوفایش بودی و مادر اندر چشم دید ترا نداشت. مگر داغ سوختگی دست و پایت را که مادر اندر سوختاندش از یاد برده‌ای...؟! او زن بسیار مکار و دو پشت و روی است. از کجا که گوش‌های پدرات را پر نکرده باشد.

سیما چشم‌هایش را پاک می‌نمود و به‌کارهای خانه خودش را مشغول می‌ساخت. شیما تنبل بود و خوش داشت زیاد حرف بزند که بالاخره با حرف‌های بی‌سنجش خود کرم سر شوهر سیما را نیز برانگیزد و وی را از منزل بیرون نماید.

شیما که جایی نداشت برود نزد کاکا سهراب رفت و خدا مراد کاکا سهراب را هم داد که وی را به نکاح خود درآورد. از یک مرد کهن‌سال نجات یافت و اسیر مرد سن تیر کرده‌ای دیگر شد. با رفتن عمه خلای عمیقی بر دل سیما ایجاد شد که به هیچ چیز دل‌گرمی نشان نمی‌داد. ولی خشو به‌دادش رسید و وی را در تربیه و پرورش فرزندانش که سال یک‌بار حمل می‌گرفت، مدد رسانید و خانه‌داری را به‌صورت حرفه‌ای به وی آموزش داد.



خاطره تعویلداری یکتا
 مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths
 در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
 گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694
 khaterehyekta@yahoo.ca

تدریس خصوصی Trading

• فارکس
 • بورس
 • ارز دیجیتال
 • میندی - حرفه‌ای
 جلسه اول رایگان

سازنگ (438) 220-1204

Spa Illusion

ÉSTHÉTIQUE | ÉLECTROLYSE | LASER

514 694-3735

6600 Trans-Canada Hwy, Suite 511
 Pointe-Claire, Qc H9R 4S2

هر روز هر روز

مونترال <> تورنتو <> مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخ‌های باور نکردنی

Montreal: 514-887-0432

Toronto: 647-822-2529

حسابداری و مالیات XL-ON TAX SERVICES INC
 SERVICE D'IMPÔT XL-ON INC

Income Tax Services For:

- Employees, Students
- Self-employed, Professionals
- Corporations
- Non-Residents
- Foreign Income
- Capital Gains
- Business Income / Rental Income
- Separation
- Deceased & more...

خدمات مالیات برای:

- کارکنان، دانشجویان، بازنشستگان
- افراد خود اشتغال، افراد حرفه ای
- شرکت ها
- ساکنین خارجی (غیر مقیم)
- ساکنین کانادا با درآمد خارجی
- سود سرمایه
- درآمد تجاری، درآمد اجاره
- جدایی از همسر
- افراد مرحوم و ...

با مدیریت عباس شفیعی
 لیسانس بازرگانی از دانشگاه مک گیل
 (ارشد حسابداری و مالیات)

عضو سابق انجمن حسابداران قسم خورده کانادا
 با بیش از ۲۶ سال تجربه حرفه ای در کانادا

2545 BOUL. CAVENDISH SUITE 134,
 Montréal, QC, H4B2Y9
 email: INFO@XLONTAX.COM

(514) 806 0060

سرور صدر
 خدمات حسابداری و دفترداری

Accounting & Bookkeeping Services
 With appointment

- ✓ اظهارنامه مالیاتی برای افراد و شرکت‌ها
- ✓ امور دفترداری و حسابداری
- ✓ تاسیس و ثبت شرکت‌ها

(514) 777-3604 loyale.accounting@gmail.com

5263 Boul Cavendish, Montreal, Qc H4V 2R6



خانواده
آشپزی
سرگرمی

	9	3		2		1	6	
4					5		9	3
	6	1	7					2
	4					6		
2		6		8		3		1
		7					8	
	1				2	5	7	
8	2		3					6
	7	4		5		2	3	

▲ نرمال

	8	3	1			5	7	
				7		4	8	3
7							1	
			4		2	3		
5				3				7
		2	5		7			
	3							8
8	2	5		9				
	1	6			4	7	2	

▲ متوسط

2	4			6	5			
9			2	4				
7		5			1			
			3			8		4
				7				
1		4			2			
			4			7		2
				2	3			1
				5	8			4
								6

▲ سخت

1			9			2		
	2	4						
9		5	8					
			1			4	7	
	6			7			5	
	4	7			8			
					5	1		7
						9	4	
		8		3				6

▲ خیلی سخت

مهسا عباس پور



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

خورش ملاقورمه



«خورش ملاقورمه» یکی از غذاهای سنتی ایرانی و محلی استان گیلان است. ملاقورمه یک خورشت گیاهی است که در وعده‌های اصلی به همراه نان یا برنج می‌توان آن را سرو کرد.

مواد نان:

۱. بادمجان متوسط
۲. کدو متوسط
۳. گوجه فرنگی
۴. رب گوجه
۵. پیاز
۶. سیر
۷. آب
۸. آبغوره
۹. سبزی معطر خشک (نعناع، ریحان، مرزه)
۱۰. نمک و زردچوبه

طرز تهیه:

بادمجان و کدو را پوست گرفته و حلقه کنید. آن را در تابه به همراه کمی روغن سرخ کنید. پیاز را نگینی خرد کنید و تفت دهید. بعد از آن که پیاز کمی سبک شد، سیر رنده شده، نمک، زردچوبه و سبزی معطر را به آن اضافه کنید و کمی تفت دهید تا خامی آنها گرفته شود. سپس آب را به مواد اضافه کنید و اجازه دهید تا به جوش آید. بادمجان، کدو و گوجه خرد شده را به همراه رب گوجه به مواد اضافه کنید و با شعله متوسط اجازه دهید تا مواد کامل بپزد و آب خورش کمی کشیده شود. در آخر آبغوره را بعنوان چاشنی به خورش اضافه کنید. پس از چند دقیقه جوشیدن، خورش شما آماده است. نوش جان

توضیح: خانه‌های جدول روبه‌رو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۲۴ تا ۳۰ نوامبر / ۳ تا ۹ آذر

متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)



اکنون زمان پر نیرنگی است، زیرا مریخ در موقعیت شما پنهان شده است و تا ماه آوریل سال بعد هم همان‌جا خواهد بود. در این شرایط تمایل به حدس و گمان دوم در مورد خود دارید و شاید هم اعتماد به نفس تان کمتر شود. این هفته با عقب‌نشینی عطارد در مورد آینده خود و دیگران نگران می‌شوید. فراموش نکنید این شرایط موقتی است و نباید ذهن شما را درگیر کند. ابر تیره‌ای به‌طور موقت افق ذهن شما را ابری می‌کند و به زودی دوباره اوج می‌گیرید.

متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)



گوی می‌موتور قایقی به خود بسته‌اید و اخیراً با سرعت بسیار به انجام بسیاری کارها پرداخته‌اید! اما از امروز ممکن است فکر کنید که در دنده دو گیر کرده‌اید یا به عبارتی از نظر فیزیکی عقب‌نشسته‌اید. در عین حال، مکالمات تأثیر بومرنگ را دارند و گویی به‌صورت ایمیل برگشتی به خود شما عمل می‌کنند. طبیعتاً این حالت ناامیدکننده است، اما موقتی خواهد بود. بنابراین انتظارات خود را کم کنید و شرایط را همان‌طور که هست بپذیرید. نفس عمیق کشیده و ادامه دهید.

متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)



اخیراً تعامل جدی با دوستان داشته‌اید. این تعامل‌ها مثبت و موفق بوده‌اند، زیرا دیگران به صحبت‌های شما گوش کرده‌اند. با این وجود از اکنون تا پایان سال ممکن است احساس کنید حرف‌هایتان باد هوا شده و به گوش کسی نمی‌روند. یا شاید کسی گوش نمی‌دهد! متولدین مرداد دوست دارند دیگران به حرف‌هایشان گوش دهند. ناامید نباشید. این شرایط فقط برای زمان فعلی است. خود را به کاری مشغول کنید که از آن لذت ببرید.

متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)



اخیراً به‌طور جدی خرید کرده‌اید و بسیاری از شما می‌خواهید خود را با دارایی‌های خود معرفی کنید. به عبارت دیگر فکر می‌کنید اگر زرق و برق بیشتری داشته باشید، شهرت سال خواهید بود. اما در این زمان در شرایطی قرار می‌گیرید که جریان نقد شما پایین می‌آید. همه‌چیز همان‌طور که قبلاً بوده پیش نمی‌رود. زمانی را به خود اختصاص داده و در مورد همه‌چیز دوباره فکر کنید. دارایی شما فقط وسیله است. آنچه مهم است شما و عزیزانتان هستید.

متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)



از اواخر تابستان همیشه موفق بوده‌اید! زیرا بلندپروازی شما بالا گرفته و با جدیت هر آنچه را می‌خواستید دنبال کرده‌اید. در ارتباط با روستا، افراد مهم و والدین با اعتماد به نفس بوده‌اید. خواسته خود را مطرح کرده و به‌خوبی از آن دفاع کرده‌اید. با این وجود از امروز صدایان خاموش شده و گویی در مقابل صاحبان قدرت ضعیف‌تر می‌شوید. این مسئله را جدی بگیرید. تا سال جدید کمی به خود استراحت داده و به‌آرامی عمل کنید. چرخ‌ها دوباره به حرکت می‌افتند.

متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)



عقب‌نشینی مریخ در موقعیت شما اتفاق می‌افتد و به همین دلیل شما بیش از متولدین ماه‌های دیگر اثرات آن را احساس کنید. البته از چند ماه پیش از مزایای حضور مریخ در موقعیت خود بهره‌مند شده‌اید و توانسته‌اید کارهای بسیاری را انجام دهید. حضور مریخ اعتماد به نفس و قدرت ابراز وجود را در شما بالا برده است. اما از امروز به بعد انرژی شما کم می‌شود. بهتر است سرعت کار را کم کرده و آنچه ضروری نیست انجام ندهید. به این ترتیب زندگی را برای خود آسان‌تر می‌کنید.



استخدام

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کاتادایی - کره‌ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می‌کند.
ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی است.

- نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
- شکل کار: فردی، تیمی یا خانوایی
- مشتریان: ۹۰ درصد کاتادایی و ۱۰ درصد آسیایی ممتول
- ساعات کاری: روز یا شب، کاملاً منعطف

باحقوق عالی (به صورت نقدی یا چک)

Hiring by: Family Care Services
Please contact Ms. Anna Lee
514-690-7005
Resumes to:
4familycareservices@gmail.com

متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



اخیراً در رابطه با کار شور و شوق بسیار داشته‌اید و به همین دلیل هم مفید و موفق بوده‌اید. همه تلاش خود را به کار معطوف کرده و خود را با کارتان معرفی کرده‌اید. به دلیل آنچه انجام داده‌اید به خود می‌بالید. باید بدانید که همچنان با کار و تلاش به موفقیت‌های بیشتر دست می‌یابید. البته با موانعی هم مواجه می‌شوید، اما نباید نگران باشید. با خود مهربان بوده و انتظاراتتان را کمتر کنید و فقط آنچه را در توان دارید، به کار بگیرید.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



از انرژی بسیاری برخوردارید، زیرا از ماه اوت مریخ به کمک شما آمده و با حضور خود خصوصاً انرژی شما را در ورزش، و ارتباط با کودکان بالا برده است. تمایل شما برای تفریح و شادی چندین برابر شده است! از امروز ممکن است انرژی شما در همین زمینه‌ها کاهش یابد و حتی شاید در ارتباطات اجتماعی با موانعی برخورد کنید. آنچه برایتان اتفاق می‌افتد را بپذیرید و صبور باشید. بقیه مدت سال را آسان بگیرید که در آوریل آینده پرواز خواهید کرد.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



در چند ماه گذشته فعالیت و سردرگمی بیشتری را در خانه احساس کرده‌اید. خوشبختانه از انرژی لازم برای ایجاد نظم، خصوصاً با صحبت کردن، برخوردارید. با این وجود از امروز به بعد، با عقب‌نشینی مریخ ممکن است در خانه و در رابطه با خانواده درگیر مسائلی شوید. شرایط ممکن است به نزاع با کسی بینجامد یا شاید انرژی لازم برای رسیدگی به مسائل را نداشته باشید. خسونت کمتری نشان دهید؛ روزی به عقب نگاه کرده و متوجه اشتباه خود می‌شوید.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



اخیراً ایده‌های جالبی در خصوص چاپ، مطبوعات، مسائل حقوقی، پزشکی و حتی تحصیلات داشته‌اید. البته نباید سفر را هم فراموش کرد! به ناگهان بسیاری از این پروژه‌ها کم‌نور می‌شوند. ممکن است برنامه‌های سفر کنسل شوند. خود را خیلی درگیر نکنید. اکنون بهترین زمان برای تغییر شغل و یافتن شغل بهتر است. می‌توانید حتی سلامت خود را بهتر کنید. تغییر در جریان است و شما هم آن را می‌پذیرید.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



مریخ در یکی از خانه‌های پول شما عقب‌نشینی می‌کند و این بدان معناست که پول از منابع دیگر به تأخیر می‌افتد. به عبارتی قرارداد وام، وام یا مسائل بیمه و ارثیه برای مدتی عقب می‌افتند. این مسئله شامل منابع مالی مشترک با همسر هم خواهد بود. شاید احساس کنید چیزی از شما پنهان شده و یا به روابط نزدیک شک کنید. فراموش نکنید این شرایط مثل سسکه موقتی است. با پایان یافتن آن، امکان سفر و کشف افاق‌ها هم برایتان فراهم می‌شود.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



از تابستان گذشته به دلیل حضور مریخ پرشور در مقابل موقعیت شما، با چالش مواجه بوده‌اید. اکنون عقب‌نشینی مریخ آغاز شده و تا اوایل ژانویه ادامه دارد. ممکن است در مورد موضوعات قدیمی به جنگ و جدال بپردازید. شاید هم احساس کنید کمک دیگران برای شما چالش‌برانگیز است. مطمئن شوید جدالی که آغاز می‌کنید، ارزش آن را داشته باشد. فراموش نکنید ما برای همیشه زندگی نمی‌کنیم. سعی کنید از شرایط املاک هم استفاده کنید.



Bazaar

غذای گرم، شیرینی، خشکبار و انواع مواد غذایی ایرانی و خارجی در شعب

فروشگاه ایرانی بازار

Downtown: 1905 Saint-Catherine St W, H3H1M3 (514) 846 1617 ☎
Westmount: 4051 Saint-Catherine St W, H3Z3J8 (438) 771 8778 ☎

🌐 bazaarfood.ca 📍 bazaar.epicerie 🍷 superbazaar 📍 bazaariraniansuper

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا

کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی




دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک
R.B.Q. #: 5773-7520-01

- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل
- تغییر محل پله، تغییر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای عایق‌بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش یا سیستم مدرن و کم‌مصرف

طراحی، بازدید و برآورد رایگان (514) 942-9969
www.amajco.ca

شعر هفته

مرگ‌اندیشی ۱

زاهدصفتی دچار بیماری شد
از هول مرض، اسیر بیداری شد
آمد به سرش طبیب و نبضش بگرفت
با دانش و بینش ز پی یاری شد
گفتا که دوی تو شراب کهنه است
زاهد نگران دین و دینداری شد
گفت ار بخورم روم جهنم بی‌شک
خندید طبیب و چاره ناچاری شد
گفتا چه کنم که زی ذرک خواهی رفت
گر دیر خوری، زودترک خواهی رفت
این دنیی و آخرت هوووووار همنند
اندیشه مکن که هیچ‌گه یار همنند
راضی چو کنی یکی، دگر ناراضی است
هم در پی آزار تو و انکار همنند
مردم بنگر نه اهل پویندگی اند
نه همچو چنار اهل پاینده‌گی اند
گویند که غافلند مردم از مرگ
بینم اما که غافل از زندگی اند
مال اندوزی هیچ به سیری نرسد
کافی‌ست که آدم به فقیری نرسد
هرکس که برای پیروی اندوزد مال
اندیشه کند بسا به پیروی نرسد
پیکان زمانه‌ام ز جوشن بگذشت
توفان شده بر خزان گلشن بگذشت
این چرخه عمر چون شتابان می‌رفت
یک دور زد و رسید و از من بگذشت
این بال شکسته، بال پرواز منست
پایان‌نگری، شعار آغاز منست
اندیشه مرگ، مرگ اندیشه نبود
اندیشه مرگ، زندگی‌ساز من است
منبع: (دلرباعی‌ها، بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: انتشارات
مروارید، ۱۳۹۸. قسمتی از شعر طنز «مرگ‌اندیشی»)

از ورزشکار ادب بیاموز!

حکایت هفته

ای جوانان عزیز! سازندگان فردا و پس‌فردا! بارها گفته‌ام و بار دگر می‌گویم که: «ورزش فقط توپ‌بازی نیست. ورزش فقط کسب عنوان و امتیاز و مدال نیست. مگر ندیده‌اید که در نام‌گذاری باشگاه‌های ورزشی می‌نویسند باشگاه فرهنگی-ورزشی؟»

یعنی فرهنگ از ورزش مهم‌تر است. یعنی آدم فرهنگی از ورزشکار مهم‌تر است. یعنی درست است که حقوق سی سال کار فرهنگی به اندازه قرارداد یک فصل ورزشکاران نیست، اما این به خاطر آن است که ورزشکاران ما برای فرهنگ این مملکت زحمات زیادی می‌کشند؛ اگر در زمین گل نمی‌زنند، به جایش بر سر فرهنگ و اخلاق جامعه گل‌های درشت می‌زنند به این گندگی! این عزیزان فرهنگ می‌سازند و همان‌طور که شما جوانان برومند می‌دانید، فرهنگ چیز بسیار مهمی است؛ حتی شاید از پول هم مهم‌تر باشد.

از آنان می‌آموزیم که حرف مرد یکی است. ورزشکاری که خداحافظی کرده و فوتبال را کنار گذاشته است برمی‌گردد و فقط به خاطر هواداران و باشگاه -نه به خاطر پول- حرفش را عوض می‌کند؛ یعنی حرف مرد یکی یکی است! شاید اگر پیشنهاد بهتری از آن طرف خلیج فارس برسد، باز هم حالت عاطفی بگیرد و خداحافظی کند و برود دنبال مبالغ بالاتری از عواطف شخصی و معرفت ورزشی.

از ورزشکاران راست‌گویی و صداقت می‌آموزیم. اگر گوشه لباس بازیکن حریف به لباس ما خورد، خودمان را پرت می‌کنیم و مثل مرغ سرکنده بال‌بال می‌زنیم. وقتی پزشک تیم آمد چشمک می‌زنیم و روی برانکار می‌خواهیم. وقتی بیرون زمین رفتیم، می‌خندیم و مثل فتر می‌پریم و خودی نشان می‌دهیم و به زمین برمی‌گردیم.

از ورزشکاران رفتارهای فرهنگی و اخلاقی دیگری هم یاد می‌گیریم که برخی از آنها گفتنی نیست، چون از کودکی یاد گرفته‌ایم که جلوی جمع نباید بعضی حرف‌ها را بزنیم؛ مثلاً اگر احتیاج به دستشویی داشتیم بهتر است با زبان رمزی بگوییم شماره یک دارم، نه اینکه همان‌جا کنار زمین فوتبال در مقابل چشم ورزش‌دوستان و دوربین‌ها...

منبع: (لب خط قرمز، اسماعیل امینی. تهران؛ شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵. قسمتی از حکایت «از ورزشکار ادب بیاموز!»)

نکته هفته

با تو یک شب بنشینیم و شرابی بخوریم،
آتش آلود و جگرسوخته آبی بخوریم...

نقل قول هفته

نیما یوشیج: خانه‌ام ابریست؛ اما در خیال
روزهای روشنم...

ضرب‌المثل هفته

پارسی: تا شدم بی‌خبر از خویش، خبرها
دارم، بی‌خبر شو که خبرهاست در این
بی‌خبری...
پاکستانی: بزرگ‌ترین حکمت در ضرب‌المثل
است.

لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

- ☺ تنها چیزی که تو این مملکت درست کار می‌کنه ... قلب جنتیه!
- ☺ میگن ژاپنی‌ها روزنامه منتشر می‌کنن که بعد از خوندن سبز میشه ... ما هم روزنامه چاپ می‌کنیم که قبل از خوندن توش سبزی پاک می‌کنیم.
- ☺ وضعیت این روزهای اینترنت و vpn عفت کلام برام نداشته ... هرچی خانوادم از بچگی برای تربیت‌م رشته بودن پنبه شد!
- ☺ از وقتی چالش عمامه بوسی در مقابل عمامه پرانی به راه افتاده ... آخوندای وقتی یکی میاد سمتشون نمی‌دونن می‌خواد بزنه زیر عمامه یا عمامه رو بوشش کنه ... به این وضعیت میگن: ... ترسیدن به وقت بوسیدن.
- ☺ گفتم بابا یارانه منو ریختن گفت به من چه؟ ... گفتم آخه به حساب شما ریختن گفت پس به تو چه؟ ... بزرگوار حرفای حکیمانه‌ای می‌زنه!

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف
 توجه: انتقال ارز به ایران و برعکس نداریم
 www.sharifexchange.ca
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره
 متوجه ترهانیان
 تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
 بالعکس با کمترین هزینه
 514 585 2345 | 514 846 0221
 4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

جای آگهی شما

Artistic Men Haircut
 by Sirous
 متخصص
 مدل‌های هنری
 برای آقایان
 514-240 1493

کلیه خدمات عکاسی و
 فیلمبرداری حرفه‌ای در استودیو
 فقط با وقت قبلی
STUDIO PHOTOBOOK
 (514) 984-8944
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

ترجمه رسمی و دعوت‌نامه توسط شهریار بخشی
 514-624-5609 - 514-655-5609
 bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت
 حسین ترکپور، مددکار اجتماعی
 www.psynaquebec.com 514-846-8872

استخدام

TRUCK DRIVER
 PREFERABLY BILINGUAL WITH EXPERIENCE IN A
 FULL-TIME JOB FOR MONTREAL. PLS. SEND YOUR
 CV TO:
 ghasemi1356@yahoo.com

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-
 کره‌ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می‌کند:
 ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی
 است.
 نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
 شکل کار: فردی، تیمی یا خانوگی
 مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی‌های متمدول
 دریافتی شما: در حد عالی (به صورت نقدی یا چک)
 ساعات کاری: روز یا شب، کاملاً منعطف
 Hiring by: Family Care Services
 Please contact Ms. Anna Lee
 514-690-7005
 Resumes to: 4familycareservices@gmail.com

جای آگهی شما

نیازمندی‌ها

با حداقل هزینه نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

پیش شماره‌های نوشته نشده ۵۱۴ هستند

اتومبیل (فروش)	
۴۵۰-۴۶۵-۰۸۸۶	Auto Highlander
www.autohighlander.com	
1080 Rue Victoria, Ville Lemoyne, QC J4R 1P7	
اتومبیل - تعمیرگاه	
۴۸۴-۴۴۸۱	اطلس
6000 saint jaque H4A 2E9	
۴۸۷-۶۲۶۲	شمیران
آرایشگاه - زیبایی - اسپا	
۹۳۴-۳۳۷۴	رویا
۲۴۰-۱۴۹۳	سیروس
۴۸۷-۰۸۰۰	فریبا
۲۰۹-۷۳۰۴	مهرناز
۶۹۴-۳۷۳۵	Spa Illusion
آرز و صرافی	
۷۳۱-۸۸۳۹	آپادانا
۸۰۶-۰۰۲۰	بیستی
۸۴۶-۰۲۲۱	پنج ستاره
۲۲۳-۶۴۰۸	شریف
۲۸۹-۹۰۱۱	پاسیفیک
۸۴۴-۴۴۹۲	Expert FX
آژانس مسافرتی	
۴۸۴-۴۰۰۰	سلطان تراول
آموزش - مدارس و موسسات	
۷۳۹-۳۰۱۰	کالج فنی و حرفه‌ای اویرون
۴۷۶-۷۲۵۹	انجمن خوشنویسان
۲۵۸-۸۱۸۶	مدرسه دهخدا
۵۰۲-۴۳۷۸	مدرسه فردوسی
۹۰۷-۵۰۷۳	کالج فنگی
۶۲۶-۵۵۲۰	مدرسه وست آیلند
آموزش - موسیقی	
۴۸۴-۸۷۴۸	استاد بیان‌بست قره‌چه داغی
۹۹۶-۱۶۲۰	پیانو / فخاریان
۸۱۴-۱۷۴۹	TwinMuse / پیانو
۵۴۹-۴۶۹۷	سنتور / صابر جلیل‌زاده
آموزش - زبان	
۶۵۳-۳۰۵۰	دکتر رضا یاوریان
املاک - مشاور املاک	
۹۲۴-۵۰۵۵	محمد اجزایی
۹۶۷-۵۷۴۳	مینو اسلامی
۵۸۸-۰۶۰۹	مهدی انصاری
۸۱۳-۱۰۰۰	مهرک ایرانفر
۶۵۱-۴۸۲۶	بهار ایزدی
۹۷۱-۷۴۰۷	کاظم پرتوهرانی
۹۹۵-۳۰۴۱	آتوسا تنگستانی‌فر
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار
۶۷۷-۳۹۰۰	محمود رحیم‌زاده
۴۳۸-۸۷۲-۷۳۷۳	نازک سلیمان‌پور
۷۳۰-۳۹۰۹	آرش شکور
۲۹۰-۲۲۱۰	شهره شهریان
۶۲۵-۲۵۲۵	سحر صمدایی
۴۳۸-۳۹۷-۳۲۱۲	رکسان صمیم
۹۹۶-۱۰۶۵	هلیا عارفی‌دوست
۵۶۱-۳۵۶۱	آرزو گتمیری
۸۱۶-۴۰۸۰	نینوس گیورگیزنیا
۵۵۷-۱۹۲۹	حامد ملکی
۹۶۶-۹۶۸۱	الهام نیاجامی
۲۲۲-۲۲۹۳	مانیا نیازی
۴۳۸-۴۰۲-۹۳۶۳	شهرام والقان
۵۷۴-۶۱۶۲	هایک هارتونیان
۸۲۷-۶۳۶۴	فیروز همتیان
املاک - تعمیرات ساختمان	
۹۴۲-۹۹۶۹	شرکت آماج
۴۴۱-۴۲۹۵	شرکت بن
۴۶۳-۳۰۱۴	لوله‌کشی پتانسیل
۲۹۰-۲۹۵۹	Pars Construction Group
املاک - بازرسی ساختمان	
۹۷۱-۱۳۵۹	محمودرضا اسکندری
۶۶۳-۷۲۱۵	علیرضا شریف‌زاده
۵۰۸-۳۸۱۱	حسین فرهمند
املاک - وام مسکن	
۴۳۸-۳۹۴-۵۲۸۵	صبا المعی
۶۰۶-۵۶۲۶	بهروز باباخانی
۹۶۲-۸۸۳۰	هومن بصیر
۹۹۵-۳۰۴۱	آتوسا تنگستانی‌فر
۴۳۸-۹۲۶-۵۶۲۶	مریم رضانلو
۵۷۶-۵۰۲۳	کتی کرکچی (Desjardins Bank)
۸۳۴-۸۰۵۳	مهرداد مرادخانی
بیمه عمر و سرمایه‌گذاری	
۵۵۳-۰۹۷۸	مهدی امانی
۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاک‌زاد
۶۹۰-۶۱۸۱	متین تیره‌دست
۲۹۶-۷۳۰۶	مرزگان رجبی
۴۶۷-۸۴۹۱	عبدالله صفوی
۴۳۸-۳۴۵-۵۰۶۶	فریبا علیزاده
بیمه - خودرو - خانه - سفر	
۶۹۰-۶۱۸۱	متین تیره‌دست (بیمه سفر)
مشاور فارسی زبان بیمه Allstate	
۴۳۸-۷۹۶-۱۱۵۰	مهرداد ملک جمشیدی
۸۶۶-۲۴۶۳	محمد تائبی
بیمه - ویزیتوری و دانشجویی	
۶۹۰-۶۱۸۱	متین تیره‌دست
۷۴۶-۹۳۹۹	امین طاهری
پزشکی - روانشناسی - مشاوره	
۸۴۶-۸۸۷۲	حسین ترکپور
۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴	لاله رهبین
۴۳۱-۲۸۲۶	الهام گرامی
ترجمه و دعوتنامه رسمی	
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی
۷۳۰-۷۴۶۲	آرزو تحویل‌داری یکتا
۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	خاطره تحویل‌داری یکتا
۶۹۱-۴۳۸۳	رضا داوودی
۴۳۸-۸۷۶-۴۸۲۲	حمید شورکایی
۸۸۴-۱۰۱۶	سارا کیانی
۴۳۸-۹۲۰-۹۳۰۵	فیروزه مسیحا
چاپ و کپی	
۴۸۸-۵۳۳۳	فتوکپی ان دی جی
حسابداری	
۵۴۹-۱۳۴۴	حجت رستمی
۸۸۶-۷۴۷۱	مهديه سلیمی
۸۰۶-۰۰۶۰	عباس شفیع
۷۷۷-۳۶۰۴	سرور صدر
۴۵۸-۷۵۹۹	اردشیر معین افشاری
۲۲۵-۳۵۰۰	Elan Accounting

کتاب فروشی - کتابخانه	کتابخانه نیما	۴۸۵-۳۶۵۲
نوروززمین	محرر رسمی	۷۸۷-۸۸۴۰
مونا صالحی	مراکز مذهبی	۹۰۳-۸۵۶۰
انجمن بهایی	موسسه خویی	۸۴۹-۰۷۵۳
مشاور مهاجرت	روادید	۳۴۱-۲۲۳۵
معصومه علی محمدی	کنجی	۶۳۸-۸۲۵۸
www.GanjiCo.com	علی مختاری	۲۸۹-۹۰۴۴
۹۰۳-۴۷۲۶	سهیل ملاحمدی	۷۴۸-۰۹۴۹
نان و شیرینی	سنک آنر	۶۳۴-۶۳۶۳
کندم	وکیل	۸۳۶-۵۵۵۳
نیوشا ریاحی		۹۵۳-۳۵۷۰

کباب سرا - اتواتر	کباب سرا - نانزآیلند	۹۳۳-۰۹۳۳
755 Atwater Ave.	7, Place de Commerce, Porte #102 Verdun	۷۶۶-۲۸۵۵
سی دی - ویدیو	تپش	۲۲۲-۳۳۳۶
عکاسی و فیلمبرداری	استودیو رز	۴۸۸-۷۱۲۱
استودیو فتوبوک	عکاسی مهنان	۹۸۴-۸۹۴۴
۶۶۰-۸۲۶۰	فرش و موکت	۷۳۹-۴۸۸۸
فروشگاه‌ها	بازار	۸۴۶-۱۶۱۷
دانیکا	Exo Fruits	۹۰۳-۹۹۹۳
۷۳۸-۱۳۸۴	کامپیوتر و خدمات	۲۵۸-۸۱۸۶
بیژن جلالی		

حمل و نقل	المپیک	۹۳۵-۳۳۰۰
قربان	Loadex Transport	۸۸۷-۰۴۳۲
داروخانه	پروکسیم	۲۳۴-۳۳۹۹
گل‌نسیم ریاحی	فارماپری لاوال	۲۸۸-۴۸۶۴
۵۱۹-۳۰۶۰	فارماپری لاوال	۴۵۰-۶۲۸-۸۱۰۰
دندانپزشک	راضیه رضوی	۴۵۰-۶۲۸-۴۰۰۷
۶۳۴-۷۲۸۱	شریف نائینی	۷۳۱-۱۴۴۳
فریدون هرنیدیان	رسانه‌های گروهی	۹۳۳-۶۸۰۰
بازار	پیوند	۸۴۸-۹۵۹۹
۹۹۶-۹۶۹۲	ر-می	۹۹۶-۱۶۲۰
هفته	رستوران - کیتترینگ	۸۳۴-۷۲۵۴
پوشاپ (هندی)		۷۳۷-۴۵۲۷

جای آگهی شما



تمام مشتریان من
تبدیل به دوستان
صمیمی من شده‌اند.

اجازه بدهید به شما
نیز خدمت کنم.
۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

yes@RealOttawa.ca

محل‌های پخش هفته در اتاوا



سوپرمارکت آریا
508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز
725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

رستوران دونرما
129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

افغان کباب اکسپرس
249 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2

محل جدید پخش هفته در اتاوا
دفتر مهاجرتی روادید
310 Miwate private, Unit 311, Ottawa, K1R 0E2

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4

■ www.hafteh.ca ■ info@hafteh.ca

16. Histoire de couverture

Les Iraniens n'attendaient pas avec impatience la Coupe du monde 2022
Comment l'équipe nationale de football d'Iran s'est-elle déconnectée de la nation

■ Pegah Sharifi



Cover
NO.706

12 Reportage: Arash Mohebi
Célébrant une célébrité du passé, les adieux avec Mme Shahin, l'actrice, à Toronto

22 Interview: Khosro Shemiranie
Avec Reza Moridi, l'ex-ministre dans Ontario : la République islamique ne survivra pas à 2023

36 Critique de film: Mostafa Azizi
Le rôle des actrices iraniennes dans la révolution féminine

38 Critique de livre: Farzaneh Safaei
Critique de livre : La perspective laïque

63 Afghanistan: Nargis Hashimi
Ce que disent les écrivains afghans : Doit-on écrire en langue parlée ou non ?



Publication: Journal Hefte / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne a Canada

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Canada

24 nov 2022, numéro 706

Hefte will not be published on the following dates during 2022:

January 6th March 24th
 July 7th October 13th

(514) 834-7254
 • www.hafte.ca
 • info@hafte.ca
 • news@hafte.ca
 • ad@hafte.ca
 • ISSN 1918-4379 HefteH

Siège social:
 1980 Rue sherbrooke O
 Suite#: 900
 Montreal H3H 1E8

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Siroos Yahyaabadi

Littérature: Farangis Shakiba

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Sepideh Salehi



le prix: \$3.50

Les frais de l'abonnement annuel: 160 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.
 Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.



ساختمان جدید پریا

با ظرفیت ۱۰ هزار فوت مربع با کمک‌های دولتی و مردمی در حال ساخت می‌باشد



Parya Construction Site - September 2022



بنیاد پریا
Parya Trillium
Foundation

بنیاد پریا

اولین و تنها کامیونیتی سنتر ایرانی در دنیا
پیست ساله شد

کمک‌های مالی خود را توسط E-Transfer
به admin@parya.org و یا به ایمیل
[www.canadahelps.org/en/charities/
parya-trillium-foundation](http://www.canadahelps.org/en/charities/parya-trillium-foundation)

ارسال فرمایید.

کمک‌های بیش از ۱۰۰ دلار، رسید مالیاتی دریافت خواهند کرد
برای جزئیات بیشتر، از وب سایت ما بازدید کنید

www.parya.org



Your \$2000 gift will be recognized
as a **Brick** for five years.



Donations exceeding \$5000
will be permanently recognized
on the **Recognition Wall**
at the building entrance.



2010



2011



2023

صرافی
بیستی
مونترال



Montreal
BISTI
EXCHANGE

ارسال حواله



خرید و فروش ارز



خرید و فروش ارزهای دیجیتال



وسترن یونیون



Competitive rates - Fast transfers - FINTRAC-regulated



+1(514) 806 0020 | www.bisti.ca | bisti@bisti.ca | [instagram.com/bistifx](https://www.instagram.com/bistifx)

عبدالله صفوی
مشاور مالی
بیمه و سرمایه‌گذاری



مشاوره رایگان

امروز تماس بگیرید:

(514) 467-8491

بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری‌های خاص و...

پس‌انداز تحصیلی

برنامه‌ریزی بازنشستگی و...

بیمه مسافرتی و سوپرویزا

ABDOLLAH SAFAVI

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!





INSTITUT TECHNIQUE
Aviron
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 année écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس
• مشاوره برای کارهایی ارائه می شود

Service de Placement Disponible




روایهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

Programmes D.E.P 1800 heures:

دوره های حضوری

- Soudage-montage
- جوشکاری و مونتاژ
- Mécanique automobile
- مکانیک اتومبیل
- Électricité
- برق کاری
- Soutien Informatique
- پشتیبانی کامپیوتر

دوره های آنلاین

- Dessin industriel
- طراحی صنعتی

امتحانات: حضوری یا آنلاین (بسته به نیازهای شما)




5460 Royalmount, Ville Mont-Royal De La Savane www.avirontech.com 514-739-3010

à vendre



566, Rue De La Noue, Montréal (Verdun/Île-des-Sœurs),
Neighbourhood Île-des-Sœurs

Centris No. 23335223
\$499,000

à vendre



1808, Rue de Beaulac,
Chambly

Centris No. 10936619
\$859,000

à vendre



6315 - 6317, Rue Garnier, Montréal (Rosemont/La Petite-Patrie),
Neighbourhood La Petite-Patrie

Centris No. 221688739
\$919,000

مهندس مهدی انصاری
مشاور املاک

514-588-0609

